

کارگران جهان متحد شوید!

۳۳ صفحه

۹۷

# پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۵۹ بهای ۳۰۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- راهپیمایی ده هزار نفری در مراسم تدفین سه شهید کمونیست ۵ صفحه
- نیروهای کمونیستی و انقلابی کردستان جنایات حزب دمکرات را محکوم میکنند! ۱۱ صفحه
- عوامفربیی و دروغبرانی: جلوه‌ای از اپورتونیسیم "راه کارگر" در اخلاقیات! ۱۷ صفحه
- "سود ویژه" طاغوتی است! ۲۷ صفحه

## شهادت سه رفیق کمونیست پیکارگر در یورش وحشیانه حزب دمکرات به دفتر سازمان در بوکان



روزهفتم اسفند در شرحه وحشانه حزب دمکرات به مقر سازمان در بوکان حداقل سه تن از رفقای ما شهید شدند. تعدادی زخمی و حدود ۲۴ نفر توسط افراد حزب دمکرات دستگیر شدند. سازمان ما و کمیته کردستان سازمان اعلامیه ها و تراکت های در این مورد منتشر کرده اند که ما آنها را در اینجا می آوریم:

بقیه در صفحه ۱۱

**رفیق شهید مالک عباسی:**

کمونیستی که در راه آگاهی و رهائی زحمتکشان جان داد

۲۱ صفحه

رفیق شهید ظاهر ابرهیمی

رفیق شهید محمود الاغانی

کستار سه رفیق کمونیست بدست حزب دمکرات را محکوم نمائیم!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۱۲/۱۸

رفیق شهید باقری خیاطی

بقیه در صفحه ۲

## پیرامون اقدام جنایتکارانه اخیر حزب دمکرات

هفته گذشته، کردستان شاهد جنایت هولناک و فجیعی از جانب حزب با صلاح دمکرات بود. جنایتی که چندروز، همه رویداد های کردستان را نوعی تحت الشعاع خود قرار داد. حزب دمکرات با یک هجوم حساب شده و درسی یک درگیری کوچک ایجا دهنده توسط افرادش به مقر سازمان در بوکان هجوم میآورد و با محاصره آن توسط عناصر مسلحش، با انواع سلاح سنگین و سبک مقرر سازمان را بجز آتش خویش نمگیرد و یک جنگ تعمیلی و نابرابر را به رفقای ما در "مقر"، تحمیل میکند. در طول یک ساعت درگیری، رفقای ما به ناگزیر بدفاع قهرمانانه ای در برابر هجوم تها و زکا رانه و ضد انقلابی مزدوران حزب برمیخیزند و در حالیکه در زیرشده ترس حملات مزدوران حزب با سلاحهای سنگین و سبک قرار داشتند، در برابر

بقیه در صفحه ۲

## پیام بیست و ششمین کنگره سوسیال امپریالیسم: سازش با امپریالیسم آمریکا، سرکوب انقلاب خلقها!

۱۹ صفحه

## گلوله پاسدار: عیدی رژیم جمهوری اسلامی به کارگران کفش سازی!

۱۵ صفحه

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



بقیه از صفحه ۱ **سرمقاله**

این هجوم قهرمانانه ایستادند. در پی این حمله و حشیا نه ۳ تن از رفقای پیکارگر ما، قهرمانانه شهادت می‌رسند و چندین نفر زخمی می‌گردند، چندین ده نفر به اسارت مزدوران حزب درمی‌آیند و اموال "مقر" بتاراج می‌رود. اما این حرکات و حشیانه، در برابر چشمان متحیر و معترض مردمی صورت می‌گیرد که مزدوران حزب در برابر آنان سدی از سلاح کشیده بودند، تا مگر حرکتی از جانب آنان بر علیه متجاوزان صورت نگردد. جنایت اخیر حزب دمکرات، نه یک حرکت اتفاقی، بلکه جزئی از سلسله حرکاتی بود که حزب از مدتها قبل بر علیه نیروهای انقلابی - به شکل مختلف در پیش گرفته بود. استثنا را علامه - های شهید آیت‌الله میرزا علی‌نیر و های انقلابی - بخاطر جلوگیری از فساد لیت انقلابی آنها، خنثی سلاح برخی نیروهای انقلابی و متحمل تعدادی از پیشمرگان سازمان ما، بوجود آوردن زمینه - های چند درگیری، مسلحانه با رفقای کومله (که با هشاری آنها و خلق انقلابی گردن خشی گردید) و... اشکال مختلف تجلی این سیاست ضد انقلابی در برابر نیروهای انقلابی، در گذشته بود. در مقیاس وسیعتر، این سرخوردن حزب دمکرات به نیروهای انقلابی و آغاز فصل جدیدی در روابط سیاسی و تاکتیکی خود با آنها، بخشی از حرکت و سیاست عمومی حزب دمکرات در همه پهنه‌های مبارزه ملی و طبقاتی و در صحنه سیاست کشور است. سیاست حرکتی که دقیقاً در ارتباط با مجموعه تحولات و رویدادهای سیاسی جامعه و کردستان در ماههای اخیر قابل تحلیل و ارزیابی است. همانطور که در سرمقاله پیکار ۹۶ توضیح دادیم، جامعه ما در دوره اخیر و بویژه پیش از جنگ (علیرغم کمبود آن اثر کوتاه)، با دو جریان تشدید یافته سیاسی مواجه بوده است، که علیرغم افت و خیزهایش حرکتی صعودی و روبه بالا را طی می‌کرده است. یکی حرکت اوچکس میسر ازات بوده و دیگری تنظیم موجود و فروپاشی تدریجی شوها ت بوده و دیگری حرکت روبه تنگ آمدن اختلافات و تضادهای درونی ضد انقلاب جاگسم گسترش این دورشته تضاد در سطح و عمق جامعه و پیوستگی و درهم پیچیدگی تارهای آن - به یکدیگر، سیالیت خاصی در مناسبات سیاسی نیروها و احزاب بوجود آورد و در واقع و انفعالات بسیاری در مناسبات این نیروها و احزاب، در جهت گیری سیاسی آنها و... ایجاد نمود.

همچنانکه در آن مقاله توضیح دادیم، تحت تاثیر این کیفیت مبارزه سیاسی - طبقاتی در جامعه هم اکنون قطب بندی خاصی در تارهایش نیروها صورت گرفته است که تا آنجا که به نیرو - های ضد انقلابی مربوط میشود، در حقیقت ای سزگ که شعاع آن تا دورون جنبش کارگری نیز کشیده شده است، در برابر یکدیگر و برای تحمیل

آلتربا تیو خود بر روند سیاسی جامعه و بمنظور غلبه بر بحران انقلابی موجود، صف آرا شده اند. نیروهای هدایت کننده این دو جنبه ضد انقلابی را در یکسو لیسرا لنها و در سوی دیگر حزب جمهوری، تشکیل میدهند که هم اکنون در نبرد سختی با یکدیگر سر می‌برند و هر یک برای تضعیف و یا حذف دیگری تلاش می‌نمایند. هر یک از این نیروها اکنون بطرز خاص خویش، در تلاش برای جذب متحدینی برای خود مشغول است. کردستان و احزاب و نیروهای سیاسی آن نیز از این فعل و انفعالات عمومی سیاسی، برکنار نیستند و این تاثیر، عمدتاً در حرکت حزب دمکرات با زتاب خویش را می‌یابد.

جنگ دوم در کردستان، در اوایل سال اخیر که با آنها هم‌گسترده و همه جا به رژیم آغاز گردید، اگر چه جنبش مقاومت عظیمی را از جانب خلق کرد بویژه در شهرها، که سمت اصلی سر به رویم را بخود معطوف کرده بود، ایجاد نمود، لیکن در عین حال کیفیت نویسی در مبارزه خلق کرد، از لحاظ مضمون طبقاتی آن بوجود آورده که بهیچوجه نمیتوان آن را صرف نظر کرد. این کیفیت همانا برجستگی بیشتر مبارزه طبقاتی در مجموعه مبارزات ملی - طبقاتی خلق کرد بود. با زتاب این کمیته نویسن در کردستان بصورت ایجاد تزلزلاتی در مبارزه سیاسی نیروهای بینا بینی و اقشار مرفه کردستان، انعکاس می‌یابد. در واقع تداوم گسترش جنبش خلق کرد، آنها را در شرایط ناموزونی مبارزه طبقاتی در ایران، بتدریج نیا رمندتجان بناتسل و کیفیت میگرد که دیگر تاملات ناسیونالیستی و ملی به نفعی قادر به پاسخگویی و تامین نیروهای محرکه آن نیستند. اهداف طبقاتی مبارزه تنها نیروی محرکه ای است که میاننده در آمیزش با اهداف ملی، نیروی محرکه لازم برای جنبش را فراهم نماید که تا چاراست تقریباً به تنهایی با رسنگیک نبرد مسلحانه برای سر بردن برترتجاوز و تنها جو حشیانه رژیم را بردوش کشد.

بر محدودیت مایل و اهداف ناسیونالیستی و ملی، با عت میشود که در صفوف فشرده خلق کرد، شکافهای محسوسی حاصل شود، و نیروهای که انگیزه طبقاتی، استواری آنان را به درون جنبش نکشاند و تمایل و اهداف ملی مهمترین نیروی محرکه آنان را تشکیل میداده است، دستخوش تزلزلات و با زتابهای خیا نتکارانه در روند عمومی جنبش گردند. این صف بنسندی و تغییرات عینی خود را بطور محسوس در جریانات سیاسی در کردستان و بویژه حزب دمکرات منعکس می‌نماید. تحت تاثیر این تغییرات، توازن اهداف و مضامین طبقاتی و ملی جنبش، حزب دمکرات بحثا به نفع ناسیونالیسم میانه پیوسته و ضد انقلابی سوز و آزی کردستان، بتدریج هر چه بیشتر از صفوف مردم فاصله میگیرد و در غایت با

روند گسترش مبارزه طبقاتی در کردستان به رویا روشی منتقیم آنان می‌پردازد. حرکات ضد انقلابی حزب در برابر مردم، با اشکال مختلف فزونی گرفته و ضدیت آن با نیروهای انقلابی در کردستان چهره آشکارتری بخود می‌گیرد.

این سیاستهای ضد انقلابی حزب، بتدریج توده‌های هر چه بیشتری را از دور و بر او موسی - برانگند و بسمت نیروهای انقلابی سوق میدهد و با حداقل برتوهم و اعتماد استوار آنان نسبت به حزب خدشه جدی وارد می‌آورد. بهمین جهت حزب بناچار هر چه بیشتر بر نیروهای نظامی اش متکی میگردد و میکوشد تا علاوه بر نیروهای تدریجی شوها ت توده‌ها را با گسترش و تحکیم دستگا های بوروکراتیک و نظامی خویش جبران نماید. این کیفیت جدید درنا ختمان و مناسبات حزب با خلق کرد، بسبب از پیش اورا بصورت نطفه یک ما شین دولتی سرکوبگر که گوئی از هم اکنون به تمرین برای حاکمیت ضد انقلابی خویش در کردستان! مشغول است، در می‌آورد.

این تغییرات، بتدریج حزب را به ملجاء و پنا هگاه منفورترین عناصر ضد انقلابی و مطرود از سران فئودالها و عشا برتا قا قچیان مواد مخدر، و ازجاشای مزدور گرفته تا مزدوران بعضی و هوا خواه رژیم شاه و بختیارخان، تبدیل میکند. حزب دمکرات با تشکیل تدریجی این دستگاه بوروکراتیک و نظامی ضد انقلابی خویش و تحمیل آن بر جنبش خلق کرد، هر روز بیشتر در برابر توده‌ها قرار میگیرد و با آنان ناسیونالیست حکومت و دستگاه دولتی سرکوبگر عمل میکند. از گسترش مبارزه طبقاتی آنان جلوگیری نمیشود، فئودالها و مرتجعین منطقه را در کنف حمایت خود قرار میدهد برده‌فانان به انواع مختلف مالیات می‌بندد و از آنان اخاذی می‌نماید. ....

این جریانات، به علاوه نزدیکی و همکاری آشکار حزب دمکرات در مناسبات خارجی اش با بعضی های ضد انقلابی و با دارنده‌های ارتجاعی نظیر بختیار و... بسبب از پیش به برانگنده شدن توده‌های کرد زبیرا مون حزب و جذب آنان بسمت نیروهای انقلابی منجر گردیده است. همین روند، حزب دمکرات را بسبب از پیش به ضدیت آشکار با نیروهای انقلابی کشانده است که آخرین نمونه آن را در جنایت اخیر حزب نسبت به سازمان ما در کردستان بخوبی مشاهده نمود.

حزب دمکرات پس از انشعاب رویزیونیستی درونی اش، فضای بازتری برای جولان سیاسی و نزدیکی به پاندها و نیروهای ضد انقلابی در عرصه بین المللی بوجود آورد و او را بسمت دسته - بندیهای نویسن و نزدیکی با دولت‌های ارتجاعی بویژه دولت بعثت و پاندهای ضد انقلابی مزدور امپریالیسم در خارج از کشور، نظیر بختیار، سوق

بقیه در صفحه ۲۶

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست



# جنبش کارگری



## مروری بر اعتصاب اخیر کارکنان شرکت واحد

در تداوم و جگسری مبارزات طبقه کارگر برای کسب حقوق صغی و بخصوص سودویزه و عیدی کارکنان منطقه ۳ شرکت واحد اتوبوسرانی نیز دست به اعتصاب و تحصن زندگانه علیزاده سرد - انجام نرسدن، در سهای گرانبهای برای کار - گران بهمراه داشت. از اینرو بررسی آن ضروری میگردد. ابتدا لازمست بسینیم جریان واقعه چگونه بوده است:

صبح روز ۳/۱۲/۵۹ رانندگان و کمک رانندگان صبحکار منطقه ۳ موقع تحویل اتوبوسها از توقف - گاه، بخشنامه ای را مشاهده میکنند که در آن صحبت از بروز مشکلاتی در امر پرداخت عیدی کارکنان کرده بود. این خبر در میان تمام رانندگان و کمک رانندگان خطوط مسبب جد و جویها میگردد. کارتهای حقوق بیمه را دریافت میکنند، اما مشاهده قید نشدن عیدی و پرداخت آن، کسبی تعابلی نسبت به گرفتن کارتهای خود نشان نمی دهد. اغلب میگفتند "حالا که عیدی را نمی دهند حقوق بیمه را هم نمیگیریم". بعد از ظهر اغلب رانندگان برای دیدن یکدیگر و اتحاد تصمیم مشترک به توقفگاه مراجعه میکنند. همچنین کارکنان منطقه ۴ نیز از دریافت حقوق خودداری مینمایند.

بدین ترتیب کارکنان شرکت واحد (منطقه ۳) متحدان دست به اعتصاب زده و تصمیم میگیرند تحصن کنند و حتی شب عد زیاد در توقفگاه میخوابند.

صبح روز دوشنبه ۴/۱۲/۵۹ انجمن اسلامی به نیکا یو افتاده ورشیش آن برای فریب رانندگان به سخنرانی پرداخته و میگوید "من خودم در شهرداری بودم و فیشهای عیدی را اما مشاهده دیدم اگر قبول ندادید نما بنده بفرستید بروم بسینیم" اما رانندگان که ما هیت فدکا رگری او را میشناختند، او را هو کرده و پاشین میکشند! رئیس منطقه نیز سعی میکند با وعده اینکه تا چهارشنبه عیدیها را خواهد پرداخت، کارکنان را وادار به شکستن اعتصاب کند، اما علیرغم توهمی که بسیاری از رانندگان نسبت بسوی داشتند، از تاجا شی که او را عملا در صف مقابل خود میدیدند، او را نیز هو میکنند.

هنگام ظهر عده ای دوتا بوت را که با پرچم پوشانده بودند به محل تحصن میاورند و به بهانه اینکه الان زمان جنگ است و اینها شهدای جنگند سعی داشتند اعتماد ما بسویون را تحت فشار قرار دهند تا اعتصاب خود را بشکنند ولی رانندگان که متوجه سبک بودن تا بوتها میشوند، آنها را از جنگ آن

## چگونه مبارزانمان را برای خواسته هایمان (سودویزه و...) متحد و یکپارچه کنیم

سرما به داران، تاجران و زمینداران، حزب - های مخصوص خود را دارند، حزب جمهوری اسلامی بهشتی ها، نهضت آزادی بازرگانها، جبهه ملی سنجایی ها و.....  
نما بندگان سرما به داران برکسی هسای مجلس تکیه زده اند، بنی صدر نما بنده سرما به - داران لیبیرال بر تخت ریاست جمهوری نشسته است، تاجران میلیونر در اس بنیاد مستضعفین قرار دارند و خلاصه دولت وارکان قدرت در دست طبقه سرما به داران است. بنا بر این کارگران نیز در مقابل سرما به داران باید متحد باشند، باید در کارخانه و بیرون کارخانه سازمان مخصوصی خود را داشته باشند، در کارخانه بدون شورای واقعی و اتحادیه واقعی نمیتوانند به بخشی از طبقه در صف ۲۴

تنها مشت های گره کرده و سینه پرا زکینه و خشم در مبارزه برای گرفتن خواسته های برحقمان کافی نیست. این مشت های گره کرده، این سینه های پرا زکینه و خشم که از ظلم و ستم سرما به - داری برتن و جان ما کارگران همیشه جاری است کار طاقت فرسا و مزد بخور و نمیر، عقب مانسندن قسط و کرایه خانه، گران، فقر و بدبختی که هر دم نهرت ما را از انظار سرما به داری بیشتر و بیشتر میکند، زمانی میتواند کاری باشد که با هدف، با برنامه و با رهبری دست به مبارزه بزنیم. مبارزه کارگران بدون رهبری و تشکیلات محکوم به شکست است، تنها چاره ما کارگران برای پیش بردن مبارزاتمان، برای حتی جزئی تریبس خواسته ها اتحاد و تشکیلات است.

## گرفتن سودویزه بنام های وام یا پول غذا یا اضافه تولید و... انحرافی است در مبارزات امروز طبقه کارگر!

مشترک که گرفتن سودویزه است مبارزه میکنند و حرف تمامی شان هم یکی است اما چون ایس مبارزات جدا از هم صورت میگیرد، ضربه کاری را نمیتوانند به رژیم جمهوری اسلامی وارد آورد.  
کارگران مبارز: امروز خوبی اغلب کارگران پی برده اند که باید با هم متحد شوند و اتحادیه های واقعی کارگری ایجاد کنند و خواست مشترکشان را از این طریق از دولت سرما به داری بگیرند. اما اینکه به چه وسیله ای می بایست موفق شوند هنوز نمیدانند و طبقه کارگران آگاه است که غذا رند مبارزه طبقه کارگر امروز برپا کننده شده و هرکدام برای جداگانه برود. وظیفه کارگران آگاه است که با افشای توطئه ها و تفرقه اندازی - های رژیم حاکم و عوامل مزدورشان مانع تفرقه در صفوف کارگران گردند.  
این وظیفه کارگران آگاه است که برای کارگران روشن کنند که رژیم فدکا رگری نیستش این است که مانع اتحاد کارگران شود و به همین

کارگران مبارز!  
مبارزه کارگران ایران برای گرفتن چهار ماه سودویزه روز بروز شدت بیشتری با پیدا بین مبارزه امروز در کمتر کارخانه ای است که جریان نداشته باشد. کارگران آگاه چهار ماه سودویزه را حق خود میدانند و بعنوان قسمتی از دستمزد که در عرض یکسال زحمتشان پرداخت نشد و اکنون می بایست تمام ما پرداخت شود تقریباً تمامی کارگران بر علیه قانون فدکا رگری "لغو سودویزه" اعتراض کرده اند قانونی که چهار ماه سودویزه کارگران را به ۲ ماه رسانده و ۲ ماه آن را به جیب سرما به داران میریزد. اما با وجود گسترش زیاد این اعتراضات، هنوز آن نیروی که دولت سرما به داری را وادار به عقب نشینی کامل کند وجود ندارد. این ضعف اساسی طبقه کارگر است که به طور برپا کننده و جدا از هم دست به مبارزه میزند و تشکیلاتی وسیع توده ای مثلاً اتحادیه های واقعی کارگری ندارد. کارگران کارخانه نجات امروز همگی برای یک خواست

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر





برخوردا ری از رادیکالیسم اعتصاب کنندگان، از رهبری و سازماندهی آگاهانه ای برخوردار نبود. این ضعف بزرگ در کنار عدم هنجاری و وحدت عمل تمامی مناطق اتوبوسرانی، عوامل اصلی به نتیجه نرسیدن اعتصاب بود. برآکنندگی کارکنان در اعمال اعتراضی شان تاکنون بشکل برجسته ای خود را نمایان ساخته است. مثلاً قبل از آغاز اعتصاب اخیر، از روز ۲۸/۱۱/۵۹ در بخش مینی بوس رانی منطقه عباس آباد اعتراضی با خواسته های مشترک، انجام میگیرد که با دخالت پاسداران سرمایه و تیراندازی آنها شکسته میشود. با درجریان تحصن کارکنان منطقه ۳ شایع شده بود که کارکنان منطقه ۴ گفته اند "بعلت عدم حمایت منطقه ۳ از اعتصاب چند هفته قبل ما ما نیز از آنها حمایت نمیکنیم!" این تفرقه که بیانگرن آگاهای طبقه کارکنان میباشد، ضرورت کار آگاهانه هر چه بیشتر در میان آنها و سازماندهی مبارزاتشان را برای کمونیست ها مطرح میسازد. بخصوص با توجه به نقش مهمی که شرکت واحد در تهران دارد و مبارزات کارکنان آن انعکاس بسیاری میباشد. به همین دلیل هم هست که رژیم هر بار از حرکت آنها شدیداً بوحشت افتاده و سعی در خواباندن فوری آنها داشته است. با توجه به اعلانی انقلابی جامعه و اوچگیری مبارزات کارگری بخصوص بخاطر خواسته های صنفی پیش ازین، ارتقا جنبش تنها در گرو بردن عنصر آگاهی در میان جنبشهای خود بخودی و سازماندهی آنهاست.

نیز به این مسئله پی برده و مشت محکمی بر بوزه جیره خواران حلقه بگوش رژیم زدند. شب هنگام نیز عده ای از رانندگان و کمک رانندگان در توقفگاه میخواستند ضمن آنکسبه عده ای از خانواده های اعتصابیون در این مدت به جمع آنها پیوسته و برای پدران و همسران خود غذا میاوردند. سرانجام صبح روز ۱۲/۵/۱۳۵۹ فرا میرسد. یکی از اعضای هیئت مدیره که سرپرست امور اداری شرکت واحد نیز هست، بلند - گوید دست گرفته و به اعتصابیون ۱۰ دقیقه مهلت میدهد که اتوبوسها را سوار شده و بیرون آورند. این در شرایطی بود که پاسداران اسلحه بدست سرمایه نیز در محل حضور داشتند و حتی یکی از رانندگان توسط دو پاسدار تهدید به مرگ شد و بزور و اسلحه اتوبوس میگرداند. بدین ترتیب مزدوران رژیم بزور سر نیزه، با توهین به کارکنان اعتصابی و "فدا انقلابی" خواندن آنها اعتصاب را سرکوب میکنند. در این جریان که با اعتراض و مقاومت برخی از اعتصابیون مواجه شد تعدادی از رانندگان دستگیر شده و عده ای نیز زخمی میشوند. رانندگان بعد از شکسته شدن اعتصاب دست به مقاومت منفی زده و ضمن کم کاری در آن روز به گزارش تعدادی از اتوبوسها را خراب میکنند!

**علل شکست اعتصاب**

این اعتصاب که بغافل کوتاهی از اعتصاب قبلی منطقه ۴ شرکت واحد، صورت گرفت علیرغم

عده در آورده و متوجه میشوند که آنها سنگ و چوب میباشند!؟ از اینرو خشمگینانه بسیار همان چوبها به تعقیب حاملین تابوتها که معلوم شد پاسداران با لباس شخصی بوده اند منبهدا زند. این واقعیه رانندگان حقانیت مبارزانشان را نشان داده و موجب افشای بیش از پیش رژیم گردید. توطئه دیگر رژیم بر علیه اعتصابیون در اینروز بوسیله نماینده مسجد "الرسول" تازی - آبا دانجام گرفت. او به محل توقفگاه آمده و با نشان دادن مقداری ریبوراتل زنا نه میگوید که "اینها رازبانان مسجد داده اند بگیرید و راضی شوید!" این عمل باعث برانگیخته شدن خشم شدید کارگران شد بطوریکه فرد مذکور مجبور به فرار گردید. رژیم با این اعمال و تبلیغات فراوانی که حول آنها در روزها مه های جیره خوارش بر راه انداخت، قصد داشت اعتصابیون مبارزان تحت فشار روانی قرار دهد. این مزدوران که خودشان علاوه بر جاپیدن دارائی مردم، دشمنان و به بهانه های مختلف دست گدائی بسوی کارگران و زحمتکشان دراز میکنند، خیال میکنند که توده ها حق خود را گدائی خواهند کرد و غافل از آنکه "حق گرفتنی است و نه دادنی!" و رانندگان مبارز شرکت واحد

کاری برای کارگران گذاشته اند. همانطور که می بینید عوامل مزدور رژیم جمهوری اسلامی از ترس خشم سراسری کارگران و اوچگیری مبارزات آنها در هر کارخانه بیگ صورت سعی در به سازش کشاندن کارگران کرده اند. بنا بر این کارگران آگاه امروز می بایست این توطئه و فریبکاری جدید رژیم سرمایه داری را در میان توده های کارگر افشا کنند تا مبارزه آنان از عمق بیشتری برخوردار گردیده و مانع از توقف مبارزه شان شود. کارگران آگاه می بایست تبلیغ نمایند که گرفتن و مبارزه با پول غذا و غیره بجای سود ویژه واقع به نفع رژیم خواهد بود چرا که در صورت تبدیل چهار ماه سود ویژه کارگران به ۲ ماه رسمیت پیدا خواهد کرد و در آینده تنها ۲ ماه به کارگران پرداخت خواهد شد. انهم به عنوان قسمتی از دستمزدها و رگر بلکه بعنوان پاداش و عیدی در واقع رژیم جمهوری اسلامی اگر برای امسال موفق شود که قانون لغو سود ویژه را اجرا نماید، سال آینده دستش در تاج و زبانه حقوق کارگران بیشتر با زخوا هد بود. بنقل از ویژه نامه مبارزات کارگری شماره ۲

مثلاً به اندازه مزایای حق مسکن، حق خواربار و حق اولاد بیشتر از قانون فدکاری دولتی گرفته اند. در کارخانه ایران کاوه میخواستند با دادن ۳۵۰۰ تومان و ۲۴ ماهه جلوی اوچگیری مبارزه کارگران را بگیرند. در کارخانه مزدا هم بگجوری مدیریت سعی در ادمبلفی جزئی بفریاز ۲ ماه تصویب شده دولت را برداخت کنند تا اعتراض کارگران را بخوابانند. در کارخانه لندرو رگفته اند تمام کارگران هر روز ۴ ساعت اضافه کاری کنند و ۲۰ روز هم بعنوان پاداش اضافه تولید بیشتر از ۲ ماه تصویب شده دولت برداخت میکنند.

در کارخانه لیلاند موتورز هم مدیریت فدکاری گرفته است اگر کارگران ۱۵ اتوبوس تا آخر ماه تولید کنند ۲۰ روز بعنوان پاداش اضافه تولید بیشتر خواهد برداخت. و هر روز ۴ ساعت اضافه -



بقیه از صفحه ۳ گرفتن... دلیل در هر کارخانه بنوعی مبارزه را کور میکند بجا توسط پاسداران خود توسط تفنگ و گلوله و جای دیگر با سازش کشاندن مبارزه کارگران و فریبکاری و غیره این نیت شوم خود را انجام میدهد. چیزی که این روزها هر کارگر آگاه و مبارزی باید بداند این است که نباید به هیچ وجه مبارزه برای گرفتن سود ویژه را به سازش کشانده و بعبوض چهار ماه سود ویژه فریاد ۲ ماه پاداش و پادام و غیره گرفت. کارگران آگاه باید با افشای این فریب جدید سرمایه داران، کارگران را به مبارزه قاطعانه تری هدایت کنند. امروز می بینیم که شورا های سازشکار برای جلوگیری از مبارزات کارگران پیشنهاد گرفتن یک پول جزئی بنام وام و مبارزه با پول غذا و کارآشی و غیره را دارند مثلاً در کارخانه بنزخاور مبارزه کارگران مدتها قبل برای اجرای طبقه بندی مشاغل و افزایش حقوق جریان داشت، سر سود ویژه با گرفتن ۲ ماه دستمزد و مزایا جلوی اعتراض کارگران را میگیرند و تا زه منت سر آنها میگذارند که برای سایر کارخانه نگویند که

**۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران**



# خلق ها و مسئله ملی



## خون کمونیست قهرمان رفیق طاهر ابراهیمی سرخ پرچم ماست!



در حمله وحشیانه حزب دمکرات به مقرران ما در بوکان کمونیست دیگری با مقابله انقلابی خود در برابر این حزب ضد انقلابی، خوش را تقدیم راه رها شدی طبقه کارگر و خلق ستم دیده کرد نمود. اورفیق طاهر ابراهیمی بود.

رفیق طاهر دانشجوی انقلابی دانشگاه ارومیه بود. با او و دیگری مبارزات انقلابی توده ها در سال ۵۶، رفیق دانشکده را رها کرد و در سنگر طبقه کارگر و توده ها به پیکار انقلابی با رژیم ضد خلقی شاه پرداخت. او در تشکیل و فعالیت جمعیت آزادی زحمتکشان بوکان نقش فعالی را ایفا نمود. طاهر در نگهبانی شهر، با شرکت در مبارزات دهقانان آنجا، کردستان در مصا دره زمینها، در درگیریهای مسلحانه دهقانان بر علیه فئودالها و مالکین مبارزه میکردند، فعلا لانه شرکت نمود.

یکی از همزمان انقلابی او پیشمرگه انقلابی، رفیق شهید تیمور حسینی بود که مشترکا با تشکیل محفلی انقلابی، فعالیت وسیعی را در بوکان آغاز کردند. رفیق طاهر به اتفاق سایر همزمانانش از جمله رفیق شهید تیمور، در بستوی منزلی، دستگاه پلی کبی را که با زحمت

## راهپیمائی ده هزار نفری در مراسم تدفین سه شهید کمونیست

### مردم مبارز بوکان!

مناطقیکه میدانید سازمان پیکار... در سراسر ایران به ملت ملی انقلابی خود، مبارزه بزرگ پرورشیم از جناحی جمهوری اسلامی پیوسته و در این راه شهدای زیادی را تقدیم خلقهای ایران نموده است.

حزب دمکرات نیز با پرورش خود به قهر پیشمرگان ما در تاریخ پنهان ۵۹/۱۲/۸  
این حرکت رژیم را در حال با وجود تسلط خلق کرد تکرار کرد. و در این پرورش حمله با جدی ۳ شهید دیگر تقدیم جنبش مقاومت کرده و چندین نفر از پیشمرگان و هواداران سازمان را زخمی و دستبند کرد.

سازمان پیکار  
دوره آزادی طبقه کارگر  
(کمیته کردستان)  
۱۳۰۹/۱۲/۸

بوکان به وحشت افتاده بودند، با تیراندازی اقدام به پراکندن صفوف مردم کردند. بقیه در صفحه ۱۰

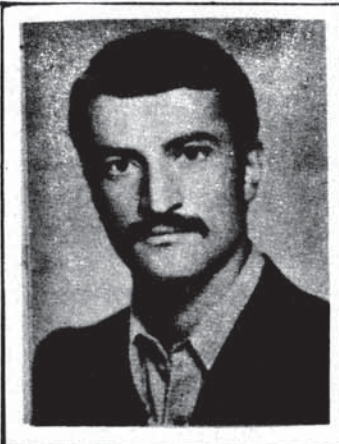
بدنبال حمله وحشیانه حزب دمکرات به مقرران ما در بوکان و شهادت حداقل سه نفر از رفقای ما، کمیته کردستان سازمان ملی اطلاعاتی از مردم زحمتکش بوکان دعوت کرد تا روز جمعه ۵۹/۱۲/۸ در اعتراض به عمل ننگین ضد خلقی حزب دمکرات در راهپیمائی شرکت کنند. راه - پیمائی از جلو مقر سازمان آغاز گردید و در طول مسیر زحمتکشان بوکان با پیوستن به صف راهپیمایان - با ناعتراض و نفرت خود را به اقدام جنایتکارانه حزب دمکرات ابراز میداشتند همچنین حدود ۳۰ نفر از ویاغ حزب دمکرات در مسیر راه - پیمائی با دادن شعارهایی بر علیه سازمان ما و نیروهای انقلابی قصد برهم زدن صفوف راه - پیمائی را داشتند که با مقابله سرخشان راه - پیما بیان خشمگین از جنایات حزب دمکرات مواجه شده و در اثر حرکت نظا هر کسندگان تا مقر حزب دمکرات به عقب رانده شدند. در مقابل مقرر حزب دمکرات مردم با ردیگری دادن شعارهایی، جنایات حزب دمکرات را محکوم کردند. افراد مسلح دمکرات که از نفرت انقلابی زحمتکشان

## به آرمان سرخ کمونیست قهرمان رفیق باقی خیاطی وفادار بمانیم!



آنها دلیرانه در راه آزادی طبقه کارگر و خلقهای ستم دیده ایران پیکار نمودند و تا جوا نمردانه توسط حزب دمکرات بشهادت رسیدند. سه کمونیست قهرمان سه رفیق پیکارگر، همسگران دلیر خلق ستم دیده کرد، فرزندان دلاور کردستان، عاشقان در راه آزادیهای کارگران و زحمتکشان کردستان خون خود راوشقه نهاد و انقلاب خلقهای ایران نمودند. کاک "باقی خیاطی" دانشجوی انقلابی، پیشمرگه کمونیست از جمله آنها بود.

کاک باقی خیاطی، دانشجوی دانشگاه تبریز بقیه در صفحه ۱۲



## راه سرخ کمونیست قهرمان رفیق محمود (رضا) ابلاغیان را با تمام توان ادامه دهیم!



او یک کمونیست بود، قلبش برای طبقه کارگر زحمتکشان و خلقهای ستم دیده می تپید. سه آرمانش که آرمان طبقه کارگر یعنی کمونیسم بود تا پای جان وفادار ماند و در راه آن جان باخت. در دوران طبقه کارگر و زحمتکشان را لمس کرده بود و شیرینی مبارزه طبقه کارگر را در محیط آکنده از فقر خوانده، در کارهای طاقت فرسای تابستانی، در کارخانه ها و در میان خلق ستم دیده کرد چشیده بود. صمیمیت، صداقت، پشتکار و

جدیت و عشقش به طبقه کارگر و سازمانش در خا طره کمونیستها کارگران، خلق ستم دیده کرد و بقیه در صفحه ۱۰

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست





فراوان بدست آورده بودند، برآه انداخته، و اعلامیه انقلابی و آگاهانه در جهت اشیات حقانیت جنبش انقلابی خلق کرد و دعوت توده ها به مبارزه بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی چاپ و پخش کردند.

در جریان دوره اول جنبش مقاومت و قتی که رفیق تیمور برای گرفتن اسلحه به کوه رفته بود رفیق طاهر در شهر ما دوبار افشاگریها و فعالیتها ی خود، بیکارا انقلابی خود بر علیه رژیم رانندت بخشید

و در جریان همین افشاگریها رفیق شهید طاهر توسط پاسداران و جاسوسان دستگیر و زندانی شد. بدنبال آزاد شدن شهرهای کردستان توسط پیشمرگان قهرمان خلق کرد، رفیق شهید طاهر از زندان آزاد شده و با عشق و شور و شوق بیشتر به مبارزه خود ادامه داد. او در کارگاهی به کار مشغول شده و به آگاه کردن کارگران پرداخت.

با تلاش طاهر و همزمانش محفل دویا ره شکل گرفت و پس از مطالعه مواضع سیاسی سازمانهای جنبش کمونیستی، در بهمن ۵۸ هوادار سازمان پیکار شده و رفیق طاهر و همزمانش مبارزات انقلابی خود را در سنگراسا زمان ما ادامه دادند. رفیق شهید طاهر برای زحمتکاران بوکان چهره آشنائی بود و او را میدیدند که چگونه سرفاله های پیکار

و اعلامیه های سازمان را بزبانی شاد و شیرین برای زحمتکاران بوکان توضیح میداد. مردم بوکان در سرودها و آوای انقلابی او در دورنج زندگیشان را لمس میکردند و از همین رو رفیق شهید طاهر مورد علاقه زحمتکاران بوکان بود.

رفیق طاهر با وساطت قدرت تبلیغاتی توانائی کار توده ای و جذب توده ها، نقش فعالی را در گسترش فعالیت انقلابی سازمان ایفا مینمود به هنگامی که یورش مزدوران حزب دمکرات به مقرر سازمان در بوکان رفیق طاهر با اسلحه کمبری خود دلوارا نه در مقابل یورش وحشیانه حزب دمکرات ایستادگی کرد و نشان داد که کمونیستها در راه منافع طبقه کارگر و آزادی خلقهای ستمدیده در برابر دشمنان خلقها، سرما به داران و فئودالها اسلحه بزمین نمیگذارند. او با نشان دادن در راه خلق قهرمان کرد، تداوم انقلاب خلقهای ایران را نوید داده است.

به آرزویش وفا دارا نیم همچون او عاشقانه در راه آزادی طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده پیکار شما شیم!

### کوشه های بی از اقدامات ضد انقلابی حزب دمکرات در کردستان

در حاشیه حمله وحشیانه حزب دمکرات به مقرر سازمان ما در بوکان و شهادت حداقل سه تن از رفقای ما بدست افراد حزب دمکرات ضروری است که مروری بر برخی اقدامات ضد انقلابی حزب دمکرات بر علیه جنبش مقاومت بکنیم:

#### سودشت ۵۹/۳/۲۸

افراد مسلح حزب دمکرات پیشمرگان انقلابی کومله را بخاطر دستگیری عده ای از مالکین شورومنتفه "آگه لیم" از توابع پیرا شهر توسط کومله دستگیر کرده و پس از خلع سلاح آنها را بگروگان گرفتند.

#### میان دو آب - اوائل آبان ۵۹

افراد حزب دمکرات به روستای زنجیرآباد (ترک نشین) در نزدیکی میان دو آب حمله کردند که در نتیجه آن یک خانه مسکونی برآشوبی جی ویران شد.

#### بوکان ۵۹/۸/۱۳

قطع درختان اطراف شهر جهت مبارزات - مندان، مالکین و مسئولین حزب.

#### پیرانشهر ۵۹/۸/۲۱

افراد حزب دمکرات، مقرر "راه کارگر" در روستای "عزیز کند" محاصره کرده و افراد مسلح راه کارگر را خلع سلاح نمودند.

#### میان دو آب ۵۹/۸/۲۳

افراد حزب دمکرات به روستای "گسره رش" حمله کردند که در نتیجه آن چهار نفر از جمله یک زن بشهادت رسیده و ۵ کودک خردسال زخمی شدند همچنین در اثر این حمله ۳ انبار غله و آتش گرفت. بدنبال این یورش مردم محل بعلت آزار و اذیت حزب دمکرات بطرز غم انگیزی به ترک روستا مجبور شدند.

#### مهاباد ۵۹/۹/۷

افراد حزب دمکرات، چهار تن از پیشمرگان کومله را هنگام انتقال یک جاش منفرود دستگیر شده برای بازجویی در مهاباد، دستگیر و مسورد آزار و اذیت قرار دادند.

#### بوکان اوائل آذر ۵۹

حزب دمکرات از ورود کاروان لایه شهر جلوگیری

کرده و اموال مردم زحمتکاران بوکان را حین ورود بشهر مصادره و جرمه میکند

#### مهاباد ۵۹/۹/۳۰

حزب دمکرات ۶ تن از پیشمرگان انقلابی پیکار را پس از ضرب و شتم خلع سلاح نمود.

#### بوکان - ۵۹/۱۰/۵

افراد مسلح حزب دمکرات قلدرمستانه به میتینگ کومله و مردم حاضر در محل حمله کردند و ضمن برهم زدن میتینگ و زدیدن ما شین کومله مردم و پیشمرگان کومله را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

#### بوکان ۵۹/۱۱/۲۱

حزب دمکرات ساعت ۳ با مداخله روستای "حما میان" مده و پس از خلع سلاح نگهبانان اعضای شورای آبادی را بخاطر عملکردهای انقلابی ضد فئودالیسم دستگیر نمود. افراد حزب با ضرب و شتم فراوان مردم زحمتکار محل به ما موستا و کومله توهین کردند.

#### بوکان - ۵۹/۱۱/۲۴

افراد مسلح حزب دمکرات برای آزادی یک سرما به دارا پیشمرگان کومله را برگزیدند که در نتیجه آن یک پیشمرگ و یک کودک خردسال زخمی شد. پس از آن حدود ۱۰۰ نفر از جماعت را از حزب به مردمی که برای شنیدن سخنرانی یکی از مسئولین کومله در راه حمله حزب دمکرات در جلو مقر کومله جمع شده بود حمله کرده و آنگاه به خیابانها میریزند. جماعت را از حزب هواداران نیروهای انقلابی را مغرور نموده و پوسترها و اعلامیه های آنها را برآه کرده و چند نفر را دستگیر میکنند.

اینگونه اقدامات تنها دشمنی حزب دمکرات با خلق کرد و کمونیستها و نیروهای انقلابی و حمایت آن از جاش مالکین و سرما به داران را نشان میدهد. و روشن میباشد که حزب دمکرات برای تامین منافع ارتجاعی و ضد انقلابی خود به هر جنابیت و خیانتی بر علیه خلق کرد دست میزند.

### آخرین خبر:

## اعتصاب غذای پیروز رفقای زندانی

بعد از حمله وحشیانه حزب دمکرات به پیشمرگان سازمان پیکار و تصرف مقبوضات عوامل حزب دمکرات ۲۴ تن از رفقای مسلح و غیر مسلح مستقر در مقر را دستگیری می نمایند و آنها را شدیداً مسورد ضرب و جرح قرار میدهند. در همان روز دستگیری عوامل حزب رفقای ما را به کمیته قضائی حزب برده و در یک اتاق تنگ و نامنور مسورد قرار دادند و جمعاً شش پتو را خیار آنها گذاشتند. از همین موقع رفقا متحداً در اعتراض به جنابیت حزب و بخاطر استرداد اموال سازمانی و آزادی خود دست به اعتصاب غذا میزنند. فردای آنروز رفقای زندانی که از بیرون صدای شطاهر - کنندگان را می شنوند شروع به شمار دادن و خواندن سرود میکنند. در این موقع محافظین مسلح کمیته به شتم آمده و با لاف و ساعت ۱۰/۵ شب ۵۹/۱۲/۸ بر آن می شوند تا رفقا را به زندان بیرون شهر انتقال دهند. رفقا دلیرانه دست به مقاومت زده اما عوامل حزب با قنداق تفنگ و شلاق (از نوع شلتک آب) چند رفیق را مورد ضرب و جرح وحشیانه قرار میدهند و آنها را بزور سوار کامیون و سپس تراکتور کرده و به زندان خارج از شهر میبرند. رفقای زندانی در زندان به اعتصاب غذای خود همچنان ادامه داده و در حالیکه حمایت توده های وسیعی را در خارج از زندان نسبت به خود بوجود آورده بودند و حزب شدیداً افشا شده بود آزاد میگردند. این رفقا در روز ۱۲ اسفند ساعت ۱۰ شب در ششمین روز اعتصاب دلیرانه خود، اعتصاب غذا را شکست و فردای آنروز آزاد شده و به شهر باز میگردند.





بقیه از صفحه ۱ شهادت...

## اقدام جنایتکارانه حزب دمکرات را محکوم نماییم

در اختیار آن است

### کارگران و خلقهای ایران!

کمونیستها برای استقلال و دموکراسی واقعی برای جمهوری دمکراتیک خلق و برای سوسیالیسم میجنگند! کمونیستها دشمن امپریالیستها سرمایه داران، مترجمین و همه ضد انقلابیون میباشند! کمونیستها برای پیروزی انقلاب مبارزه میکنند و در این راه لحظه ای فکرازش با رژیم مرتجع جمهوری اسلامی و سایر رژیمها و نیروهای ضد انقلابی را بخود راه نمیدهند! آرزوی کمونیستها یاران صدیق انقلاب زحمتکشان ایران میباشند و به همین خاطر پیوسته مورد سرکوب و تهاجم رژیم شاه، رژیم مرتجع جمهوری اسلامی و نیروهای ضد انقلابی قرار گرفته اند. رفقای ما هر جا کسبه مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم در جیبستان بوده در صفوف مقدم جبهه نبرد قرار داشته اند و یکدم از افشای دشمنان انقلاب غافل نشده اند. سازمان ما نه تنها رژیم کمراد دشمن زحمتکشان ایران میداند، بلکه نیروهای ماندرجینتوده، فدائیان، اکثریت و حزب دمکرات را نیز در صف دشمنان انقلاب قلمداد میکند، چرا که این نیروها بخاطر منافع کارگران و زحمتکشان مبارزه نمیکنند. حزب دمکرات بخاطر اهداف و منافع ضد انقلابی خود با رژیم حاکم مخالفت میکند. این حزب در پی آن نیست تا کارگران و زحمتکشان در

ایران به قدرت برسند، این حزب مدافع منافع ما لکین و سرمایه داران است و به همین خاطر از یکسوی پیوسته کوشیده است تا با رژیم مرتجع جمهوری اسلامی به ما زش برسد و با زش بسا رژیم ارتجاعی بعث عراق از رژیم ایران امتیاز - ات جدیدی بگیرد و از سوی دیگر پیوسته مخالفت و دشمنی خود را با توده ها و با انقلابیون صدیق و کمونیستها واقعی بنمایش گذاشته است. همین حزب با راه در دفاع از منافع مالکان، دهقانان را مورد سرکوب قرار داده است. همین حزب بارها کوشیده است تا نیروهای انقلابی ما ندر رفقای کومله را خلع سلاح کند، همین حزب در گذشته چند تن از پیشمرگان سازمان ما را خلع سلاح نموده است و همین حزب امروز به مقر سازمان ما حمله و حشیا نه نموده و حداقل سه تن از رفقای ما را به خون کشیدم و تعداد زیادی از رفقا را زخمی و دستگیر مینماید. آری آنچه امروز حزب دمکرات انجام میدهد امری اتفاقی نیست، به همالگونه که کوشش حزب برای سازش با رژیم حاکم اتفاق نیست، به همالگونه که سازش حزب با بعثیه های مرتجع عراق و مذاکرات پنهانی سران حزب با بختیار رمزور اتفاق نیبماید. حزب دمکرات بر ضد انقلاب خلقهای ما بوده و به همین خاطر انقلابیون و کمونیستهای صادق و از جمله سازمان ما را مورد هجوم و حشیا نه خود قرار میدهند. و پرواض است که این نیروی ضد انقلابی به این اقدامات و به سازمان ما بستنده نخواهد کرد. سیاست حزب دمکرات در مناطق آزاد شده کردستان حمله گام به گام به تمامی نیروهای انقلابی و فعال را بدنبال خواهد داشت. امروز تمرکز حمله ضد انقلابی حزب بر روی ماست و فردا بر روی نیروی دیگری خواهد بود و به همین لحاظ ما به تمامی کمونیستها و انقلابیون فعال در کردستان هشدار میدهم و از آنها میخواهیم تا اهداف و سیاستها و مشی خائنانه این حزب را برای توده های زحمتکش افشا نمایند و همبستگی و همکاری میان خود را تعمیق بخشند. رفقای ما در کردستان بر نیروهای انقلابی در کردستان، در کنار خلق دلیر کرد و بر علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی میجنگند و با طبع در چنین شرایطی سازمان ما خواهان درگیری نظامی با حزب دمکرات نمیباشد. اما زمانی که این حزب ضد انقلابی برای خلع سلاح پیشمرگان قهرمان ما عمل میکند زمانی که مقر سازمان را مورد حمله قرار داده و رفقای ما را زخمی و شهید مینماید تا آنجا که در قدرت و توان خود را ریم به مقام دست میزنیم ما در برابر رژیم جلا دشا تسلیم نشدیم، ما در برابر رژیم تیهکار جمهوری اسلامی اسلحه خود را بر زمین نگذاشتیم و پرواض است که در برابر رژیم جنایات حزب دمکرات نیز خا موش نخواهیم ماند. ونه دست از مبارزه نخواهیم کشید. ما همچون گذشته وفا دار به انقلاب توده ها خواهیم بود، بمباران علیه هیات حاکمه ایران ادامه خواهیم داد و تمامی نیروهای ضد انقلابی همچون حزب دمکرات را افشا خواهیم نمود. ما کمونیست هستیم و تا

### کارگران و زحمتکشان خلقهای مبارز ایران!

با دیدن افراد مسلح حزب دمکرات بر اساس مشی ضد انقلابی حزب، جنایت بیسابقه ای آفریدند و دست به کشتار کمونیستها زدند، افراد حزب دمکرات در همان زمان که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی خلق کرد را قتل عام میکنند و سینه پیشمرگان انقلابی را با گلوله میشکافند، با رگبار مسلسل های خود رفقای ما را مورد حمله و حشیا نه قرار داده و چند تن از آنان را به خون میکشاند.

بعدا ز ظهر روز پنج شنبه هفتم اسفند در یوگان توسط سه تن از عوامل حزب جنایتکار دمکرات در خیابان رودر حضور مردم یکی از فرزندگان نشریه پیکار (شماره ای که در آن «ما حبه مجاهد با قاسم» افشا شده بود) را مورد ضرب و شتم قرار داده و او را دستگیر مینماید. نیم ساعت بعد از حادثه، عوامل جنایتکار حزب با نیروی بسیار زیاد دو همراه با یکی از مسئولین حزب دمکرات که در زمان شاه خائن ساواکی و جاسوس بود، با انواع سلاحهای سبک و سنگین مقر سازمان پیکار را در شهر محاصره کرده و مورد حملات نظامی خود قرار میدهند. آنها با آرم بی - جی و نارنجک انداز و حشیا نه مقرر سازمان را مورد هجوم قرار داده و به روی مردمی که در پی آن بودند تا از یورش حزبها جلوگیری بعمل بیاورند آتش میکشاند. در برابر این یورش ضد انقلابی، رفقای مستقر در مقر دلیرانه دست به مقاومت میزنند. پس از سه ربع حملات فاشیستی و کشتار روز خمی کردن چند تن از رفقای ما توسط حزبهای جانی رفقای ما پیشنها دآتش بسس و مذاکره میدهند. اما حزبها که کینه و حشیا نه ای نسبت به طبقه کارگر و پیکارگرمان راه آزادی طبقه کارگر دارند به تیراندازی خود همچنان ادامه داده و حداقل سه تن از رفقای ما را به شهادت میرسانند. رفیق رضا ابلاغیان، (از اعضای سازمان و عضو (اهل مهاباد)، رفیق پیشمرگه قهرمان باقی خیاطی (اهل مهاباد)، و رفیق پیشمرگه قهرمان طاهر ابراهیمی (اهل بوکان) توسط جانیان حزب به شهادت میرسند و بعلاوه تعدادی از رفقای مستقر در مقر شهید زخمی میشوند.

بدنبال این جنایات هولناک حزبها بداخل مقر نفوذ کرده، رفقای موجود در مقر و از جمله زخمیها را وسیعاً مورد توهین و ضرب و شتم قرار میدهند. این جلادان بسس به دزدی و خالی کردن







آخرین قطره خون خود فدا دار به انقلاب و سوسیالیسم باقی خواهیم ماند و حزب دمکرات، با بسن مدافع مالکین و سرمایه داران، بدانکه هرگز نمیتوانند جلوی تداوم مبارزه ما را بگیرد، همچنان که رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی نتوانست از مبارزه طبقاتی و ملی کمونیستها، خلفای ایران و از جمله خلق دلاور کرد جلوگیری بعمل آورد حزب دمکرات میخواهد کردستان را بزیر حاکمیت ضد انقلابی خود بکشد، اما مطمئن باشد خلق آگاه و دلبر کردستان و نیروهای کمونیست و انقلابی هرگز اجازه نخواهند داد تا حزب دمکرات خیانتکار را، انقلاب خونین خلق را خفه نماید. ما با ردیگری به تمامی نیروهای کمونیست و انقلابی هشدار میدهیم و نه تنها از آنها میفروهمیم

تا ما هیت و اهداف ضد انقلابی حزب را بطور مستمر افشا نمائیم، بلکه اقدام چنان پتکارانه حزب را در قبال سازمان ما و کشتار و اسارت رفقای پیشمر - که ما را شدیداً محکوم نمائند و همصدا با ما خواستهای زیر را با صدای رسا اعلام دارند:

■ محاکمه عاملین تبهکار رگشتا ر کمونیستهای پتکار رگرفریق را با ابلاغیان، رفیق باقی خیا طلی رفیق طاهرا بر ایمی در دگاه انقلابی خلق کرد

■ تحویل فوری جنازه شهدا، آزادی فوری رفقای اسیر (جان این رفقا بخصوص رفقای زخمی در خطر است) و استرداد اموال سازمان که جزوا موال زحمتکشان و طبقه کارگراست.

گرمای با دغا طره رفقای شهید که در راه انقلاب توسط عوامل حزب دمکرات به خون کشیده شدند! هر چه رسوا تر باشد و توطئه های خائسانه حزب دمکرات بر علیه زحمتکشان و نیروهای انقلابی و کمونیست! بر تو انتخربا دجنش مقامت خلق کرد! بر قسرا رسا دجمهوری دمکرا تیک خلق!

۵۹/۱۲/۱۱

### جنایتی هولناک توسط حزب دمکرات

با ردیگری افراد مسلح حزب دمکرات بر طبق سیاست حزب چنانستی دیگر آفریدند و روی پاس - داران ارتجاع را سفید کردند. این بار نیز جریا ن طبق معمول حمله و یورش وحشیانه به پیشمرگان یک نیروی انقلابی فعال در جنبش مقامت خلق کرد است. حرکتی که دقیقاً از پاسداران و ارتش ضد خلقی انتظار میرود، بار دیگر بوسیله حزب دمکرات انجام میگردد.

جریا ن بدین قرار است که تعداد زیادی از افراد مسلح حزب دمکرات که اکثراً مستبوه اند بعد از ظهر روز پنج شنبه هفتم اسفند بتعداد خیابان و در حضور مردم به یکی از فروشندهگان نشربه پتکار حمله کرده و او را مورد ضرب و شتم و توهین قرار داده، دستگیر میکنند سپس با تجهیزات کامل و سلاحهای سنگین و نیروی زیاد مقرر سازمان پتکار را در شهر بوکان محاصره و شروع به تیراندازی بسوی مقر و نگهبانان آن میکنند، اعتراضات مردمی که میخواهند جلوی یورش را بگیرند مورد توجه افراد مسلح حزب قرار نمیگیرند و آنان بروی مردم نیز آتش میکشند در طی این درگیری حزیبها با آر - پی - جی و نارنجک انداز به ما ختمان مقرر تیراندازی می - نمایند. این حمله وحشیانه با مقامت دلیرانه رفقای ما روبرو میگردد. پس از آنکه بیش از سه ربع ساعت از درگیری و حمله منوال وارد مقراتنا به مقر ما میگردد از آنجا که عده ای از رفقای ما شهید و زخمی میشوند، رفقا از درون مقر پیشهاد آتش بس و مذاکره میدهند، ولی این جانسان و جلادان همچون پاسداران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از کوبیدن مقر با سلاحهای سبک و سنگین دست برنمیدارند تا با لخره بداخل مقر فوذ کرده.

مقرر ما در تصرف و اشغال این غارتگران و جنازه شهدا نیز در اختیار آنان است.

### مردم مبارز بوکان! خلق قهرمان کرد!

حرکت دیروز حزب دمکرات و کشتار و به خاک و خون کشیدن عده ای از رفقای قهرمان ما که هر یک سابقه چندین سال مبارزه بر علیه رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی را دارند، چیز تازه ای نیست این اقدام حرکت گذشته حزب است. خلق سلاح پیشمرگان نیروهای انقلابی اگر تا دیروز با تهدید صورت میگرفت، اکنون با هجوم وحشیانه توأم است. گوئی حزب دمکرات دشمنان واقعی خود را در میان خلق کرد و نیروهای انقلابی میباید. و بواقع نیز عمل حزب دمکرات همین را نشان میدهد. حزب دمکرات همچون پاسداران رژیم جمهوری اسلامی مقر پیشمرگان را محاصره و پس از کشتار عده ای از بهترین فرزندان خلق قصد تصرف مقرر ما میکند. حزب دمکرات پش از آنکه رژیم جمهوری اسلامی را دشمن بشناسد، نیروهای انقلابی کردستان را در مقابل خود میبیند. حزب دمکرات جاشها را در میان خود میبندد و آنان را از آدمیکندولی پیشمرگان انقلابی را دستگیر میسازد. حزب دمکرات نیروهای سرکوبگر رژیم عام را پاسداران و جاش و ارتشی را اسکورت میکند و به سلامت به پاسداران مها با دود یگریا دگا نها میرساند. ولی پیشمرگان قهرمان سازمان پتکار را بخون مینشانند. براسی این عملکردهای حزب دمکرات چه فرقی با حرکات رژیم دارد؟

حزب دمکرات احمقانه خیال میکند با ترور و کشتار انقلابیون و از جمله رفقای پتکار - گرما میتواند انقلاب را خفه کند حزب دمکرات همچون هر حزب سرمایه داری دیگری به سوده منیا ندیشد که میتواند با سرکوب زحمتکشان صدای آنان را برای همیشه خفه کند. ولی هیات اگر رژیم ضد خلقی شاه توانست انقلاب را نابود کند و اگر رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی توانسته است صدای اعتراض توده ها و خلق قهرمان کرد را خاموش سازد، حزب دمکرات نیز خواهد توانست انقلابیون را ساکت کند. سازمان پتکار کارنا مه خونینش به بیش از ۱۵ سال قبل بر - میگردد و مبارزه رفقای ما در زمان رژیم دیکتا - کوری شاه باعث به خون غلظیدن بسیاری از رفقای قهرمانمان گردید. اما هرگز در برابر ضد انقلاب یک قدم به عقب برنداشتیم. در زمان رژیم جمهوری اسلامی نیز رفقای پتکار رگرمای اشغال تا جنوب و از شرق تا غرب خاک کشور را با خون خویش رنگین ساختند. اعدا مرفقای پتکار رگرمای درخوستان و آذربایجان و شهادت پیشمرگان دلیر ما در کردستان گواهی این قضیه است. اما هرگز کشتار - ها ما را بیکدم ز مبارزه با زندا شته و نخواهد داشت. یورش وحشیانه و ددمنشا نه حزب دمکرات نیز نخواهد توانست ما را بیکدم ز مواضع نظر اتان

بقیه در صفحه ۲۵



# اخبار مبارزات توده‌ها



## زنان زحمتکش و مصادره ماهیهای دولتی!

در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۳ جمعیتی از زنان زحمتکش که در خیابان سلسبیل برای خرید ماهی از فروشگاه شلات صف کشیده بودند، به اسدازان داخل مغازه که با رتی باری کرده و ماهی را فقط به آشنا نشان میفرودند اعتراض کرده و زن زحمتکشی رو به اسداری که در حال خارج کردن یک کسه ماهی از مغازه بود، کرده و مسکود: "خرا بدون اینکه در صف سستی ماهیها را با برگردانی و مسیری، مگر تو وجودان نداری، بخودت کسه کمونستها شما را اسدازان سرما نه منما مند، شما را قاتل و دزد میماند، واقعا حق دارند." با اسدازان مزبور در ریا سخ جواب میدهد: "غلط زیاد نکن زنکه... که زنان همگی بوی حمله ورمی-شوند و با اسدازان سرما به فرار میکنند. سینه زنان زحمتکش بد داخل مغازه هجوم برده و ما می های دولتی را ما بین خود تقسیم میکنند. توده های آگاه در مقابل سیاستهای ضد مردمی رژیم، سیاست و خواست خود را اعمال میکنند.

★★★

## مبارزه زندانیان انقلابی ادامه دارد

در حدود یکماه پیش، با اسدازان جهل و سرما به، عده ای از جوانان انقلابی را در شهر کزنده جرم دفاع از منافع زحمتکشان و دانشمندان انقلابی دستگیر و به زندان شگاه افغان منتقل میکنند. این عمل ارتجاعی بوسیله هواداران "سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر" (چهارم حال بختاری) اودیکر کمونستها افشا شد. طبق اطلاعات موثق شکنجه گران رژیم به انواع شکنجه توسل جستند تا با بدروحی مقاومت را در زندانیان انقلابی شکنند (شکنجه هایی مانند سوزاندن بدن بوسیله آتش سکا و روکت زدن بوسیله کابل ...).

انقلابیون در زندان نیز دست از مبارزه بر نه انداخته و برای رسیدگی به وضعیتمان ۵ روز اعتصاب غذا میکنند. رژیم ضد خلقی نیز بدو غ قول رسیدگی را میدهد اما همانطور که زما هیت آنها برمی آید، قول آنها فریبی بشن نبوده. زندانیان انقلابی دوباره دست به اعتصاب غذا زده و تا کنون اعتصابشان ادامه دارد!

به نقل از: کوه رنگ شماره ۱۰۵ - نشریه هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - چهارم حال بختاری

## توطئه های رژیم علیه صیادان آزاد را افشا کنیم

کارگران! زحمتکشان گیلان!

### صیادان مبارز گیلان!

در چنین شرایطی تنها با مقاومت همه جانبه در برابر ترس و ترسهای ارتجاع، برقراری ارتباط با دیگر صیادان آزاد منطقه، ایجاد شورایی صیادان آزاد در محدوده فعالیت خود، ایجاد ارتباط با دیگر شوراهای صیادی مانند شورای صیادی آزاد انزلی و تشکیل اتحادیه سراسری صیادان آزادی می تواند از حقوق خود در برابر رژیم جمهوری اسلامی دفاع نماید.

بیست و سیوی اتحادیه های واقعی صیادی با اندکی تفسیر و تلخیص از اعلامیه کمیته گیلان - سازما ر:

چندی است که مدتیال فرارسیدن فصل صید رژیم کشتار و سرکوب جمهوری اسلامی از هر طرف به صیادان آزاد منطقه فشار می آورد و تلاش می کند که از صیادان بنبغ خود جلوگیری نماید. اخیرا مقامات مرتجع رژیم طی بخشنامه ای صیادان منطقه طالش را تهدید کرده که در صورت ادا مه صید تحت تعقیب قرار خواهد گرفت (جنگل - ۵۹/۱۱/۱۹) این اولین باری نیست که رژیم جمهوری اسلامی در مقابل زحمتکشان دست به تهدید و آزار میزند و صیادان آزاد همچنان که در حال به قهرمانی نه سال گذشته خود در انزلی نشان داده اند با دیدن بازگشت ارتجاع راه خاک

## یورش ناکام پاسداران و پلیس به زحمتکشان ساختمان لاله

شد. با سیاستها و پاسداران از ورود مردم به ساختمان جلوگیری میکنند. مزدوران سا قنداق رژیم بصورت زحمتکشی کوبیدن و خون از دهانت جاری شد. سرکوب با سیاستها و پاسداران، مقاومت را بیشتر کرد. آنها ترس اندازی هوائی کردند و ملی مقاومت دلبران زحمتکشان ساکن ساختمان و حمایت مردم ارتجاع راه عقب نشینی واداشت. مردم مبارز انانسه زار هم ریختند و زحمتکشان را داخل ساختمان بردند روحیه همبستگی مردم ساکنین زحمتکش خانه تحسین آمیز بود و همین اتحادیه یگانگی بود که با عت عقب نشینی مزدوران ارتجاع گردید. روزیونست های توده ای و اکثریتی نیز حاضر بودند و چون همیشه به خدمتگزاران ارتجاع مشغول بودند. آنها با "عزیمتصفت" خواندن زحمتکشان ساکن ساختمان و "ساواکی" نامیدن آنها سعی میکردند مانع از حمایت مردم شوند اما مثل همیشه افشاده و با ختم و کسب زحمتکشان حاضر و بر سر بودند.

روز پنجشنبه ۷ اسفندماه، با اسدازان سرما به زحمتکشان ساکن ساختمان لاله (خیابان کارگر مقابل موزه فرش) یورش بردند و انانسه نا چیز آنها را به بیرون ریختند و شکنند. اسن زحمتکشان از مدتها پیش در این ساختمان ساکن شده اند و با رها از طرف جما قداران رژیم جمهوری اسلامی تهدید به اخراج شده اند با اسدازان سرما به که با یک حکم "بنیاد مستضعفین" به آنها یورش آورده بودند، با مقاومت زحمتکشان مستقر در ساختمان روبرو شدند. زن زحمتکشی سا چمانی اشکبار فریاد میزد: "شوهرم بیکار است و خودم رختو، حالا خسته و کوفته از کار سرگشته ام میبینم میخواهند بیرونمان بکنند، ما بگجا بروم؟" مردم زحمتکش و عده ای از عناصر آگاه با اجتماع در مقابل ساختمان به فضای رژیم برداختند. مردم حاضر را میبندند "زحمتکش حق توست، از خانه ات دفاع کن". "زحمتکش، زحمتکش حمایت میکنند". مقاومت زحمتکشان با روحیه ای که از پشتیبانی مردم گرفتند بیشتر

★★★

## به استقبال جنبش او جگین شده توده ها بش تانیم





مسئله ملی خلق ها و راه سرخ ...

زحمتکشانی که او را از نزدیک می شناختند بیایند  
شواهد ما بد. همه ما او را می شناسیم. رئیس محمود  
ارما با بنامیان را. رئیس کمال خدا بر میگردد.  
در سال ۱۳۳۳ در بروجرد به دنیا آمد. پدرش یک  
پیشه ور ساده بود. زندگی. شواهد ما نثرز میهنه ملی  
رشد آگاهی انقلابی و عشق طبقاتی او در طبقه  
کارگر و توده های زحمتکش بود. او اغلب با پستانها  
برای کمک به پدر زحمتکش خود در ادا زحمتها  
به شاگردی می پرداخت. دو سال تپستان را در  
یک مغازه بیوزی فروشی بکار مشغول بود. خمانل  
یک انسان کمونسیت و عشق بی پایانش به  
زحمتکشان، از او ناشی محبوب برای آشنایان  
ساخته بود. دوران تحصیلات دبیرستانی را در  
بروجرد گذراند. در سالهای آخر دبیرستان برادر  
مصالح کتب علمی و ما رکتستی، ما رکتسیم -  
لنینسیم را فرا در مدارس انقلابی خود فرا  
داد. کار آکا هکرا نه و مطالع و کوهنوردی در دوره  
دبیرستان حزبی از زندگی شده بود.  
در سال ۵۳ به مدرسه عالی ورزش راه یافت.

هنگامی که در آن دانیسکده ورزش هرگز آگاهی دادن  
به سوده ها را فراموش نکرد. طی یکسال دوره کار  
آموزی تربیت بدنی در دبیرستان سیراب  
سیران که مخصوص ارمنی ها بود، به آگاه کردن  
دانش آموزان ارمنی پرداخت. و با وجود اینکه  
زبان ارمنی نمی دانست تا دادن کلاسهای  
آگاهی بخش به دانش آموزان ارمنی، با تمام  
سوان به کار آکا هکرا به میگرداخت.  
رئیس خود در شیربور ۶۶ با سازمان نمانس  
گرفت و با سنیکا رو علاقه تمام به مبارزه در راه  
آزادی طبقه کارگر، وظایف محوله سازمانی را  
به انجام می رساند. با رشد مبارزات توده ها،  
رئیس محمود در تمام مبارزات توده ها بر علیه  
رژیم شاه فعالیت شرکت میکرد. در تابستان ۵۷ با  
دلی آکنده از عشق به طبقه کارگر، برای آگاهی  
دادن به کارگران، در کارخانه جنرال شروع به  
کار کرد. بدینسان مبارزات روزافزون طبقه  
کارگر و تعطیل شدن کارخانه ها، رفیق محمود  
مجبور به ترک کارخانه گردید.  
در قیام خلقهای ایران، دوش بدوش کارگران  
وزحمتکشان در مبارزات توده ها شرکت نمود.  
پس از قیام رفیق محمود با لغت آن در دفتر سازمان  
سیکارد بهرمان به مبارزات انقلابی خود ادامه داد.  
در آبان ۵۸، طبق تصمیم سازمان به کردستان  
مردم راه تشیع جنازه برای روز شنبه فراخواندند.  
روز شنبه صبح ۵۹/۱۲/۹ مراسم باشکوه  
تشیع جنازه به رفیق کمونسیت پیکار رگستر  
سرگزار گردید. در این مراسم بی سابقه ده هزار  
نیرو از زحمتکشان شرکت نمودند. توده های  
ستمذبه برای ایران از آنجا رسمیت به اقدامات  
جنازه کارانه حزب، جنازه شهید کمونسیت گبه  
در میان بارجه سرخی قرار گرفته بود در برابر  
بالای دست حمل می نمودند. جنازه های کمونسیت  
- ها به پرچم سرخی تبدیل شده بود. پرچم سرخی  
که به توده ها سوید میداد انقلاب تا استقرار  
کمونسیم ادامه می داد. هدا داشت چه پرشکوه بود پیکار  
بخون خفته رفقای که بیما نند پرچم سرخی در  
دستهای توده ها در اهتزاز بود! چه پرشکوه بود  
سنگر خون خفته کمونسیتها که از سرگ  
نهراسدند و در راه آزادی و انقلاب سوسالیسم جان باختند!  
بدنی ترتیب بود که جنازه شهید کمونسیت  
به خاک سپرده شد. پیکر آنان به خاک سپرده شد.  
اما آرمان و الاثان، کمونسیم، با زهم سرختر و  
درخشان تر گردید. پس از توفیق رفقای شهید،  
مردم زحمتکش سوگان برای تسلیم به پشترگان  
انقلابی سازمان و خاسواد به پشترگان شهیدکار  
ظاهر کرده گروه به متحد آمده. اظهار همدلی نموده و  
بفرخورد از عمل خاشاکه حزب دمکرات اعلام میگردند.  
روز یکشنبه در یکی از مسجدهای سرگ شهر  
مرا سه با دیود برای رفقای شهید سرگزار شد. در  
تمام این مراسم حزب دمکرات و وسعا افشا گردید  
و توده های حرکت کننده آزادی رفقای زندانی  
زا حواسنا ز گردیدند. رفقای زندانی از لحظه ای  
که در زندان حزب دمکرات رفته اند دست به

اعزام سوبایدیرفتن مسئولیت دفسر را رسان  
در سفر در کنار خلق قهرمان کرد پیکار را انقلابی  
خود بر علیه ارتجاع و امپریالیسم را شدت بخشید  
رفیق دربارماندهی رفقای هوادار در سفر رفیق  
سراشی داست. محمود در طول این سفر در کردستان  
حرید آزادی طبقه کارگران و خلق ستمدیده  
کردنی اندیشید. رحنمگان، دانش آموزان  
و انقلابیون سترچهره خدایان، صمیمی وحدی او را  
همیشه با طرخواهند داشت.  
رفیق محمود روز شنبه ۵۹/۱۲/۷ در حمله  
حزب دمکرات به مقر سازمان در سوگان همراه دو  
همرزمن در خون خوش غلطید. و کلوله های حزب  
دمکرات قلب او را زانرا که جز به آزادی طبقه  
کارگر و خلق ستمدیده کردنی نماندگار است.  
رفیق محمود و همرزمانش بدست حزب دمکرات  
بشهادت رسیدند چون در اردان مین منافع خلق  
کرد و مبارزه در راه آزادی انقلابی این خلق  
ستمذبه، با آشنی نا پذیر کمیونسیتی خود  
بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، وسعا سنها  
و عملگردهای ضد انقلابی حزب دمکرات مبارزه  
میکردند. اما آیا محمود و همرزمانش مرده اند؟  
نه، آنها در قلب کمونسیتها، در قلب توده های  
زحمتکش و خلقهای ستمدیده ایران زنده اند.  
با دستان را کرامی مبارک و راه سرخشان  
را با قدرت تمام ادامه میدهم.

شبهه و رفیق راه پیمانی ...

اما هزاران زحمتکش سوگانی ضمن دادن شعار  
"زنده باد آزادی" بهمیوستند. مرتب برانوسوه  
جمعیت افروخته شد در مقامی شهر بردند. حزب  
دمکرات تعبیرا نه بود. حزب دمکرات قصد  
داشت بدون سروصدای شهادت را در دست  
اما فشار چینی اعتراضی توده ها، محکوم شدن این  
حساب توسط نیروهای کمونسیت و انقلابی و  
افشاگریهای وسیع رفقای سازمان، حزب  
دمکرات را محصور ساخت تا ستر شهیدان بحون  
خفتند از طریق دفتر ما موسسه ما بحویل دهد.  
پس از بحویل گرفتیم جنازه ها را. سید در سازمان  
مراسم سنا کمیسر کردستان سازمان که در آن  
شمس محکوم کردن اقدامات سنا کارانه حزب  
دمکرات، آزادی رفقای زندانی خواسته شده  
بود تراش کردید. پس تمام سازمان زندگان  
که حزب دمکرات و اقدامات جنازه کارانه اثر را  
بدست محکوم کرده بود اعلامیه ای ستر ز طرف  
دفتر ما موسسه شرح عرالدین خوانده شد.  
بعد از طبر جمعیت تمام حسابهای شهر و  
اطراف مقرر محل نحت و مستنکهای موضوعی  
تبدیل شده بود. سوده های زحمتکش سیرا سنا و  
آجا جمع کرده و رفقای سازمان در میان آنها  
به افشای حسابات حزب دست زده و سوده شده  
میگفتند که حزب طرفدار انقلاب نیست. تمسای  
پیکر ما را به صخره دمکرات تبدیل شده بود و  
مردم در ستر این عمل حسابکارانه را محکوم  
نمودند. رفقای سازمان شمس و سمس  
انساند و سترک در ستر ستر ستر. خای ستر را  
سج سوده و خا سعاد ز طبر از ستر ستر ستر

اعصاب غذا زده و دلبرانه در برابر استهدیدات و فشارهای عوامل حزب مقامت کرده اند و هیچ کدام حاضر نشده اند با جوئی بی بدهند. رفقای ما کمونسیت هستند و به آرمان طبقه کارگر سوگند خورده اند هرگز تسلیم نمی شوند مگر به شهیدان مهترمان تسلیم شدند که رفقای زندانی ما در برابر آنان از خود میگویند؟ کمونسیتها ما شدند حزب دمکرات تسلیم طلب و سازگارند که به آرمان خود حساب کنند؟

بدنیال این افشاگریهای وسیع، حزب گبه  
شدیداً در اهتزاز قرار گرفته بود برای آنکه  
اوضاع را منع خود تغییر دهد حدیکی از افراد  
مسلحش را روز دوشنبه تشیع میکند در این مراسم  
حزب تنها توانسته بود حدود سه هزار نفر را از دهات  
اطراف تسبیح کند. شرکت کنندگان در مراسم  
شعارهای زیادی علیه خط ۳ سازمان پیکار  
میدادند. در واقع حزب این نظرات را علیه  
کمونسیم برپا کرده بود تا "حمیت" از دست  
رفقتاش را بدست آورد. بعد از مراسم حزب  
حدود دو بیست نفر از افراد او اسبه خود را شعار  
- های "مرک سترگومله" و "گومله ما به خلق  
سلاج کردد سبج کرده که ما هرا این عده قصد  
داستند به جلوی مقر رفقای گومله بروند.  
در حال حاضر در شهر حزب دمکرات نشانی  
منروی مینا شد و ناشی استی بر حمله اصمالی  
حزب دمکرات به مقر رفقای گومله وجود دارد.  
این نایعات بیکار رد پیکار هدا را ما وسر  
کمونسیتها مینی برادامه تفرغ حساب شده حزب  
دمکرات دمکونسیتها یکدیگر کردستان را نمانت میکند.

مردم راه تشیع جنازه برای روز شنبه فراخواندند.  
روز شنبه صبح ۵۹/۱۲/۹ مراسم باشکوه  
تشیع جنازه به رفیق کمونسیت پیکار رگستر  
سرگزار گردید. در این مراسم بی سابقه ده هزار  
نیرو از زحمتکشان شرکت نمودند. توده های  
ستمذبه برای ایران از آنجا رسمیت به اقدامات  
جنازه کارانه حزب، جنازه شهید کمونسیت گبه  
در میان بارجه سرخی قرار گرفته بود در برابر  
بالای دست حمل می نمودند. جنازه های کمونسیت  
- ها به پرچم سرخی تبدیل شده بود. پرچم سرخی  
که به توده ها سوید میداد انقلاب تا استقرار  
کمونسیم ادامه می داد. هدا داشت چه پرشکوه بود پیکار  
بخون خفته رفقای که بیما نند پرچم سرخی در  
دستهای توده ها در اهتزاز بود! چه پرشکوه بود  
سنگر خون خفته کمونسیتها که از سرگ  
نهراسدند و در راه آزادی و انقلاب سوسالیسم جان باختند!  
بدنی ترتیب بود که جنازه شهید کمونسیت  
به خاک سپرده شد. پیکر آنان به خاک سپرده شد.  
اما آرمان و الاثان، کمونسیم، با زهم سرختر و  
درخشان تر گردید. پس از توفیق رفقای شهید،  
مردم زحمتکش سوگان برای تسلیم به پشترگان  
انقلابی سازمان و خاسواد به پشترگان شهیدکار  
ظاهر کرده گروه به متحد آمده. اظهار همدلی نموده و  
بفرخورد از عمل خاشاکه حزب دمکرات اعلام میگردند.  
روز یکشنبه در یکی از مسجدهای سرگ شهر  
مرا سه با دیود برای رفقای شهید سرگزار شد. در  
تمام این مراسم حزب دمکرات و وسعا افشا گردید  
و توده های حرکت کننده آزادی رفقای زندانی  
زا حواسنا ز گردیدند. رفقای زندانی از لحظه ای  
که در زندان حزب دمکرات رفته اند دست به





## نیروهای کمونیستی و انقلابی گردستان جنایات حزب دمکرات را محکوم می کنند!

حمله درمشتاقه حزب دمکرات به مقرران مادر سوکان، و بیاد بد رفتاری کمونیستیکار -  
بر بدست مزدوران مسلح این حزب انقلابی، سرفروشی آنان، خلق قهرمان کرد و سازمانهای  
کمونیستی و انقلابی و نیروهای مترقی موجود در کردستان را؛ بر آکنده است و این سازمانها  
و نیروهای طی اعلامیه‌های اقدامات ضد خلقی حزب دمکرات را شدت محکوم کرده‌اند. آنچه  
که ملاحظه میکنید تماما با قسمتهای از اعلامیه‌های مذکور است:

## زنده باد دلاوری پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار ...

رفقا محمود ابلاغیان (کاک کمال)،  
باقی خیاطی، ظاهر ابراهیمیان

بسیار سازمان رزمندگان آزادی طلبی  
کارگر و به مناسبت شهادت هفتن از رفتاری پیکار  
به دست حزب دمکرات

هم میهنان مبارز!  
مردم مبارز بوکان!

پنجمین ۵۹/۱۲/۷ هجری و خنسا به حزب  
دمکرات به مقرران زمان پیکار که در حقیقت کام  
دمکری در جهت خلق سلاح زحمتکشان و سازمان -  
های انقلابی طبقه کارگر بود، با مفا و مسمت  
قهرمانان این رفقا مواجه شد. این درواغ  
ادما اقدام به خلق سلاح کومله، سیکار، شورای  
حما میان و سورش به مقرران و ... بسیار شد  
بدون شک این آخرین تعرضی حزب دمکرات به  
نیروهای انقلابی نخواهد بود.

ما با رگران اندوه اردت رفتن در تیرت  
بیشتر گ را در این تیردیده همراه در سپه  
گرا نیهای جانمازی و مقاومت آنان در مقابل  
پورش و حشیانه حزب دمکرات را در لوج خاطر  
خود محفوظ خواهیم کرد. آنان قهرمانانند در  
سنگر جنبش مقاومت خلق کرد برای آزادی طلبند  
کارگر مبارزه نمودند. و در این راه جان باختند  
شهید محمود ابلاغیان (کاک کمال) از  
مبارزین قدیمی و خستگی ناپذیر دوران سپه  
دیکتا توری شاه همچون کوهی استوار در این  
راه ابرو افتخار جان خود را بر کف نهاد.

شهید هرا را هیمنان از مبارزینی بود  
که طعم تلخ سدا دگایهای رژیم شاه و کمپوری  
اسلامی را کشیده بود و پس از آزادی همچنان بر  
شوریه مبارزات خود ادامه داد.

و بالاخره کاک باقی خیاطی از پیشمرگان  
دلیر سازمان پیکار بود که با سرفروزی در این  
راه جان خود را هدیه راه آزادی زحمتکشان نمود  
این شهیدای خلق کرد که در واقع شهیدای  
طبقه کارگر ایران نیز هستند همچون شماره  
ثروژان بر تارک آسمان پرستاره زحمتکشان  
ایران میدرخشند. آنها با خدیجه خون خود بار  
دیگر عهد و پیمان و میثاق های گذشته خود را در  
مقابل زحمتکشان کرد و طبقه کارگر ایران تجریر  
کردند.

سند در تجدید ۲۵

## جنایت وحشیانه عمال

## حزب دمکرات بر علیه

## سازمان پیکار در بوکان

مردم مبارز بوکان!  
خلق رزمند ه کرد!  
هم میهنان مبارز!

دیروز مردم شهر ما صحنه‌های فجیعی را به چشم  
دیدند که برایشان خاطره‌های کشتارهای رژیم  
شاه را یاد میآورد. تعداد زیادی از افراد مسلح  
حزب دمکرات بدندان یک برنام از قبیل طرح  
- ریزی شده دیروز بعد از ظهر بناگهان اطراف  
مقرران زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در  
بوکان را محاصره کردند، روی با ما ختمای  
مرتفع اطراف موضع گرفتند، کوجه‌ها و معابر  
منتهی به مقرران زمان پیکار را وسیله افشاد  
سلاح خود سنگر بندی نموده و با سلاحهای سنگ و  
سگس شروع به تیراندازی به طرف آنها نمودند  
این اجزاد حتی بروی مردمیکه از قبضه خبردار  
گشته و در آنجا جمع شده و به استعمال حزب دمکرات  
اعتراض میکردند سلاح کشیدند و بدینوسیله از  
اعتراض آنان جلوگیری می نمودند. افراد  
مسلح حزب دمکرات که از قبیل مامم به نسل و  
غارت بودند، بدون کوچکترین تردیدی با  
سازمان پیکار در بوکان، پیشمرگان سازمان  
سکار آمدت به ربع ساعت قهرمانان و مقاومت  
کردند و پس از دادن حدین نفر شهید و زخمی  
سختیاد آن سن و مذاکره دادند. اما حزبار کار  
حواسی نداشتند. افراد مسلح پس بدخل مقرر  
رخصند و وسائل و سلاحهای آنرا غارت کردند.  
کسانی و سربات موجود در آن زده و دهخانیان  
سربا کردند. این افراد همچون حنا سکاران  
سلامتند و در حالیکه مردم را هدیه دست عمارت  
حسبای شهیدای سازمان سکار سرداخته و حتی  
در مقابل حمان مردم شهر، بدون کوچکترین



شرمی، سربکی از رفتاری زخمی سازمان سکار را  
سردند. بیاد بد رفتاری مردم اکثر آنها مست بودند و  
بوی الکل از دهانشان به منام میسرند. اما اعمال  
آنها از منتهی تا سر حمله سنگرفت، بلکه بر -  
عکس منتهی آنها از قمدندان به حنات ناشی میشد  
به آنها الکل خوراندند و بدینا کوچکترین  
عواطف انسانی را در آنها سمزاندند بدون بیم  
و عذاب وجدان به کشتار و غارت و سربرد. کندن  
بیردازند. حزب دمکرات برای انجام این توطئه  
بلند، افراد سنجین شده را از آنها با دوسترسه  
بوکان آورده و وارد عمل کرده بود. آنها با عبور  
و افتخارشان، تاری را زردست بلند کرده و جورا  
مکشیدند و سیراندازی میکردند. آنها حتی از  
تحویل احساندیده با خود اودها شان خودداری  
نموده و بجای انتقال زحمتکشان به بیمارستان  
آنها را به مقر حزب دمکرات بردند.

مردم مبارز بوکان!  
خلق رزمند ه کرد!

توطئه‌های حزب دمکرات علیه نیروهای  
انقلابی سازگی ندارد و خود شما را همانند آن  
بوده‌اید. کسانی که کوچکترین احساس مسئولیتی  
در برابر خلق کرد و حسن مقاومت آن احساس  
نمکنند، در سراجی که رژیم با تمام فواکوردسان  
را از هر طرف میکشد و هر روز فرزدان انقلابی  
این خلق را به خاک می افکند در روز و سندانام  
به بردن سرسنگر که انقلابی مسماسند.

دیروز کاشی تقریبی مقرران سازمان سکار  
رابی محاسبا، آزادی، جی کو بییدند که در تمام  
مدب مجا بردند و سیران شدیدی سیرسند. در سیرا  
امسال غیرتسها امرار مردم در به وجود داشتند  
انکاشات و ملاحضای سنگین از راه آوردن یک





ضربه به با شگاه افسران که محل تجمع با سداران بود خود را ری کردند.

دیروز کسانی پیشمرگان انقلابی را با این قواستبه قتل رساندند که در تمام طول آتش بس ستونهای ارتش ضد خلقی را سکورت کرده و بداخل کردستان هدایت میکردند که هنوز هم خلق کرد نتایج طخ آنرا لمس میکند.

اگر حزب دمکرات سال گذشته در بهترین موقعیتی که جنبش مقاومت داشت بطوریکجا نبه و بیمان شکسته آتش بس اعلام میکرد و ستونهای ارتشی را علیرغم اعتراض خلق کرد و سازمانهای انقلابی بداخل شهرها سکورت مینمود و دور از چشم خلق کرد به مذاکره پنهانی با هیات حاکمه روی آورده امسال "ترقی کرده و به دستگیری شورا های مردمی دست میزند، هواداران سازمانهای انقلابی را دستگیر و شکنجه مینماید، در خیابان بروی مردم مسلح میکشود و به کتک کاری افراد از زحمتکشان و کسبه دست میزند، در روز روشن برای پیشمرگان کومله در وسط شهر کمین می - گذارد و به قتلگشت به آنها تیراندازی میکند و سرانجام حمله به مقر سازمان پیکار را سازمان میدهد.

حزب دمکرات همه این اعمال را با خطر آن انجام میدهد تا به خیال خود هر صدای آزادیخواهی را در گلو خفه کند. بهانه همیشگی حزب دمکرات این است که گروههای مختلف در باره حزب دمکرات "چیز مینویسند" و یا "صحبت میکنند". در حالیکه آزادی بیان و آزادی قلم یکی از آن دستاوردهای گرانمای جنبش انقلابی خلقهای ایران و قیام مبهمن ماه است که به قیمت خون هزاران شهید دست آمده و فقط در کردستان و آنهم به قیمت مبارزات سر سختانه و قربانیهای فراوان حفظ شده است و هیچکس حق ندارد و نمی - تواند این آزادیها را از مردم سلب نماید. آری حزب جمهوری اسلامی با چماق دستبرخلافش را تعطیل میکند اما حزب دمکرات با تانک انداز و آر. بی. جی.

**مردم مبارز پیکار!**  
**خلق رزمندگانه کرد!**

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، سازمانی است انقلابی که در حد توان خود در جنبش مقاومت شرکت داشته و در این راه قربانی های ارزنده ای تقدیم خلق کرد کرده است. این سازمان نه فقط صدای حق طلبانه خلق کرد را به گوش مردم ایران میرساند و پوردها ز جنایات رژیم جمهوری اسلامی برمیدارد، بلکه در ستارای ایران شهیدای زیادی را ستارای آزادی زحمتکشان نموده است. ما ضمن محکوم نمودن و ابراز تنفر از اینگونه اعمال، هشدار میدهم که جنبش مقاومت خلقی قهرمان کرد را زجه دست این با آن نیست. ما با رد پیکار اعلام میکنیم که این اعمال فقط در جهت تضعیف و لطمه زدن به جنبش مقاومت و بطور کلی

جنبش انقلابی توده های مردم ایران است و فقط به رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ایران خدمت کرده و دست وی را در سرکوب هر چه بیشتر خلق کرد با زتر میکند.

ما جدا از حزب دمکرات - تشکیلات بوکسان میخواهیم که پیشمرگان و هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر را آزاد کرده و سلاحها و اموال غارت شده را به ما حسان آنها پس دهد.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران  
(کومله) - بوکسان

۱۳۵۹/۱۲/۸

"جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان" و "شورای سراسری دانش آموزان کردستان" طی اعلامیه ای با عنوان "حمله وحشیانه افراد مسلح حزب دمکرات به نیروهای انقلابی خدمت به ارتجاع حاکم است" گفته اند:

اکنون که مبارزات کارگران، دهقانان، دانشجویان و دانش آموزان و معلمان سراسر کشور در حال گسترش است، در چنین شرایطی حزب دمکرات یکی از نیروهای پیگیر و قاطع را آماج تهاجم خود قرار میدهد که در دیگر شهرهای ایران نیز با طردفاع از حقوق زحمتکشان مورد هجوم وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی است، و در این حمله (۳) تن از رزمندگان فرزندان خلق را به شهادت میرساند و عده ای از مردم معترض به این حرکت را نیز مجروح مینماید.

تهاجم وحشیانه افراد مسلح حزب دمکرات به نیروهای انقلابی تا زگی ندارد و بورش بسی - شمرانه اغریبه مقر سازمان پیکار با سلاحهای سنگین (آر. بی. جی، نارنجک انداز، تیربار) و بشهادت رسانیدن (۳) پیکارگر "کمال - طاهر - باقی" اوج این جنایات است.

جمعیت مستقل معلمان مبارز... و شورای سراسری دانش آموزان عملگردهای ضد انقلابی حزب دمکرات را قویا محکوم مینماید.

دفتربوکسان سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) نیز با انتشار اعلامیه ای تحت عنوان "حمله به مقر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، اقدامی ضددمکراتیک"، اقدام افراد مسلح حزب دمکرات را شدیداً محکوم کرده و خواستهای زیر را اعلام داشته است:

۱- پیشمرگان افراد سازمان پیکار که در زندان حزب بسر میبرند آزاد شده و وسایل این سازمان مسترد گردد.  
۲- در صورتیکه اقدام پیشمرگان حزب واقعا بدون دستور مسئولین حزب بوده مسمن این اقدام ضددمکراتیک محاکمه و مجازات شوند.

"راه کارگر" (کردستان) نیز طی اعلامیه ای با عنوان "طغوانی دمکراتیک مکرری حزب دمکرات" منتشر شده و در آخر چنین مینویسد:

تعرض اخیر حزب دمکرات به مقر سازمان "پیکار" که منحربه شهادت سه تن از پیشمرگان این سازمان و زخمی شدن چند تن دیگر گشت، جلوه ای دیگر از سیاست ضددمکراتیک حزب دمکرات میباشد. ما این تعرض ناخواسته را محکوم کرده و شهادت سه پیشمرگه قهرمان رفقا "کمال"، "طاهرا برای همی" و "باقی خیا طی" را به غلظتای ایران، جنبش مقاومت خلق کرد و سازمان پیکار تسلیم میکنیم.

بقیه از صفحه به آزمون...

واهل مها با دبود. عشق اوبه طبقه کارگر - کمونیسما و در سنگر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر جای داده بود. کاک باقی پس از آشنائی و قبول مواضع سازمان بعنوان رفیق هوادار دلسوز و فعال سازمان، به فعالیت انقلابی خود پرداخت. در پائین سال ۵۸ بهنگام میسورش اول رژیم به کردستان اوبا شور و علاقه تمام دوش بدوش پیکارگران کمونیسما در سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار ره مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر و افشای رژیم و ثبات حقانیت جنبش انقلابی خلق کرد را ادامه داد. در تابستان ۵۹ به کردستان بازگشت تا در مها با ددر دل خلق قهرمان کرده مها رزه بر علیه دشمنان خلق کرد ادامه دهد و در پائین سال مسلح بسردوش گرفت و جان برکف در صف پیشمرگان قهرمان سازمان مرحله نویینی از مبارزات انقلابی خود را آغاز نمود. اوبرای انجام وظایف انقلابی - اش، و جانفشانی در راه آزادی انقلابی خلق کرد، به همراه دسته ای از پیشمرگان سازمان به سفر رفت و بعد از مدتی مبارزه بی امان با ارتجاع حاکم به بوکسان بازگشت و جزو پیشمرگان قهرمان مقر سازمان در بوکسان درآمد.

روز ۷ اسفند ۵۹ برای اوبسازمانش، روز تجدید میثاق خونین و انقلابی با خلق قهرمان کرد بود. کاک باقی به اتفاق دورقی همزمش با گلوله های جنایتکاران حزب دمکرات در خون خویش غلطیدند. او و همزمانش با مقاومت کوه دلانه خود، حماسه ای دیگر بر تاریخ جنبش مقاومت خلق کرد افزودند. کاک باقی و همزم - اش شهادت رسیدند چون کمونیسما بودند و سارکوبگران خلق کرد، با جانان جمهوری اسلامی و با حزب ضد انقلابی دمکرات که آزادی و لای خلق کرد را بل رسیدن به اهداف ضد انقلابی خود قرار داده درست زبوندند.

بسیاید هراران با رمیناق انقلابی و خونین خود را با خون کاک باقی و شهدای طبقه کارگر و خلقهای ایران تجدید کنیم و سوگند یاد کنیم که تا آخرین قطره خون خود جز به آزادی طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده ایران و از حمله خلق قهرمان کرد نیندیشیم. اسلحه افتاده از دوش کاک باقی ها را بردوش بگیریم و با تمام قوا راهشان را ادامه دهیم.

با دکاک باقی خیا طی را گرامی بدریم و به آزمون رهائیشش او وفا دار بمانیم!



# رزمندگان: تصفیه اپورتونیسیم به شیوه سانتریستی! (۱)

در قسمت قبل در توضیح انحرافات پهبین  
رزمندگان که در تکامل خود منجر به مشی  
گنونی منشعبین رزمندگان شد، به  
انحرافات رفقا در برخورد به ثنوری ساخت  
جامعه، مقوله رویزیونسم و سوسیال  
امپریالیسم، در برخورد به قدرت سیاسی،  
چشم انداز و تاکتیک رزمندگان در قبال  
آن اشاره نمودیم - اینک دنباله مقاله:  
۵ - سازش ایدئولوژیک:

هر کمونیستی که نخواهد در محدوده اختلافات  
حدت یافته درونی رزمندگان در آستانه جنگ  
باقی بماند و نخواهد بنا نهاد، چگونگی آغاز  
جنگ و تحولات بعدی ناگهان دوسیمت فکری  
گاملا متفاوت در رزمندگان اراشه میگردد و  
چگونه ایندو نگرش در گذشته با یکدیگر بر سر می  
برند، نمی توانند با به تئویکی که این سازش  
را توجیه می نمود، یعنی میانی فکری رزمندگان  
در برخورد به تشکیلات را در نظر بگیرد، تئوری  
اپورتونستی، قطب های ایدئولوژیک -  
تشکیلاتی ملاک های سیاسی، ایدئولوژیک  
اشتلاقی عضویت در درون رزمندگان و ملاک های  
وحدت رزمندگان (در حداقل و حداکثر تعیین  
نمودن مواضع، در برخورد به ثنوری، مرحله انقلاب)  
خود بنیان گذار سازش نامقدسی بوده که نتیجه ای  
جز انشعاب بهره ای نمی توانست داشته باشد.  
زمانیکه وحدت ها نه بر اساس خط مشی و برنا مه  
پرولتری، بلکه بر اساس نزدیکیهای که در بر تو  
آن می توان قطبهای تشکیلاتی بوجود آورد،  
صورت میگردد، زمانیکه مراعات برخورد اشتلاقی  
به مسئله وحدت صورت گرفته و حداقل و حداکثر  
مواضع معیار قرار میگردد و بر تو آن جریانی  
که سوسیال امپریالیسم را قبول ندارد، و  
جریانی که آنرا قبول دارد هر دو بتوانند وحدت  
نظا بنند! و معیار عضوگیری درونی تشکیلات نیز  
بر این اساس تعیین گردد، به واضح است که سنگ  
بنای اشتلاف از ابتدا چیده شده است. سنگ بنای  
اشتلاقی که نه تنها در برخورد به رویزیونسم و  
سوسیال امپریالیسم، بلکه در درک از مرحله  
انقلاب، ساخت جامعه، قدرت سیاسی و... نیز  
وجود داشته است. بر این اساس است که  
جریان بغایت آکادمیک و اپورتونست کمیته  
نبرد، وحدت صورت میگردد، جریانی که خود از  
مدافعین سر سخت تئوریهای اپورتونستی  
نظیر "سوسیال امپریالیسم نسبی"، "انقلاب  
دیگراتیک با مضمون سوسیالیستی"، "مخلوق  
فدا امپریالیست" و... بوده است، جریانی که به  
مسئله سوسیال امپریالیسم بدانگونه برخورد  
می نمود که گویا "عمده نمودن" این مسئله در امر  
وحدت انحرافی است و اختلاف بر سر این مسئله  
اختلاف بر سر تجربه ساختن سوسیالیسم است  
که با بد تحقیق شود، جریانی که فداشیا را به  
علت بافتاری بر "سوسیالیستی بودن ثنوری"

کوشید خود را در چرخه رچوب مشی انقلابی اکثریت  
بپیوندد. رفقا "عدم صراحت و ابهام مبردازی"  
عنصر اقلیت را از جمله مسائلی می دانند که به  
انکاز آن فرد مذکور توانست خود را در چرخه رچوب  
مشی انقلابی اکثریت بپیوندد. آنها سپس به  
درک اکثریت که شامل کلی گوشیها ست و جای هزار  
تعبیر و تفسیر را در برداخته و آنرا بمنسوان  
مشی انقلابی حاکم بر رزمندگان معرفی میکنند  
که از رزمندگان ۳۴ شکسته شده و اپورتونستها  
از مشی انقلابی خارج شدند. رفقا در توضیح  
انحرافات حاکم بر رزمندگان، همگی را منتسب  
به فرد مذکور نموده که با انتشار رفلان جزوه (خرده  
- بورژوازی و انقلاب) و با فلان مقاله، مواضع  
انحرافی را مطرح می نمود. و حتی مواضع  
رزمندگان در قبول سوسیال امپریالیسم را به  
زیر سؤال برده و پذیرش "سوسیال امپریالیسم  
نسبی" را جانشین آن نموده است. سپس رفقا از  
انحرافات بعدی حاکم بر رزمندگان که به  
"اعضای اپورتونست بعدی" هیات تحریریه  
مربوط میگشت، سخن میگویند و از عمیق  
انحرافات آنان در همان مقاطع گذشته که حتی  
بعضا ثنوری را "سوسیالیست" نیز ارزیابی می  
نمودند، سخن به میان می آورند و مدعی می  
گردند که "از ابتدای نشریه ما زمان تا شماره ۳۳  
اساسا مشی انقلابی بر نشریه حاکم بوده و  
تعالیات گراشات و تلاشهای اپورتونستها تنها  
بعورت آثار، رنگها و جنبه های از برخورد های  
ثنوریک سیاسی ظاهر میشدند که نتوانسته بود آن  
شرایط غالب گردد." (رزمندگان - ضمیمه ۵۰)  
اما رفقا منکر نمی گردند که برخی التقاط ها  
(کدامیک؟) در برنا ما زمان وجود داشته است  
که به اپورتونستها امکان داده است تا آنرا  
تفسیر دهند! بالا خوب با رچوبنگ و با روشن نمودن  
اینکه چه افرادی، چه موضعی اتخاذ نمودند، روشن  
میشود که بجز عناصر اپورتونست مرکزی، اکثریت  
رهبری مواضع سانتریستی، برخی متعادل به  
چپ و برخی متعادل به راست داشته اند و لسی  
بهر حال تحت تاثیر مبارزات درونی و بیرونی  
رهبری اصلاح گردید و مواضع خویش را تغییر داد  
و مشی انقلابی گذشته ما زمان را احیا نمود  
رفقا میگویند اپورتونستها بیهوده میکوشند  
تا خود را وارث مشی گذشته بدانند و بکوشند  
رفقای انقلابی رزمندگان را بفریبند!  
آنچه گفتیم فرشته تحلیل رفقای رزمندگان از  
پروسه شکل گیری اپورتونسیم در درون رزمندگان  
و سرانجام آن بود. اما آیا این متدبر بر سر  
ما رکستی است؟ آیا رفقا توانسته اند با  
ارائه تحلیل همه جانبه ای از ظهور و عقب رانده  
شدن اپورتونسیم در رزمندگان، خود را زشر  
بلایای اپورتونسیم خلاص سازند؟ بگمان ما  
نه! زیرا:

و نیروهای موسوم به خط ۳ را به سبب بافتاری  
بر امپریالیستی بودن ثنوری متهم میکرد که  
مانع از وحدت شده اند! آری چنین جریسان  
اپورتونستی در وحدت رزمندگان جای میگردد.  
در واقع یکی از محورهای اساسی انحراف  
رزمندگان در سازی با اپورتونسیم و توجیه  
و تشویق نمودن آنست و این انحراف میباید  
تفکرا اشتلاقی رزمندگان در برخورد به امر وحدت  
معیارهای تشکیلات، عضوگیری و... بود. بر  
متن چنین اشتلاف نامقدسی است که اختلافات  
درونی رزمندگان همزیستی نموده و با لاسره  
اپورتونسیم زمینه حضور، رشد و گسترش میابد.  
در واقع مجموعه انحرافات فوق، رزمندگان  
را به تدریج به سمت اپورتونسیم سوق داد و در  
عین حال گراشات گوناگون و متفاوت درونی  
را به سازش با هم کشانید. سازی که در مقطع جنگ  
بدلیل متفاوت، از جمله تشدید و تکامل مواضع  
اپورتونستی جریان حاکم، مبارزه ایدئولوژیک  
فصالح نیروهای جنبش کمونیستی،  
شدت سیاسی مبارزه درونی رزمندگان و مقاومت  
جناح انقلابی رزمندگان در هم شکست و سرانجام  
به اخراج و تصفیه اپورتونستها منجر گشت.  
تنها در پرتو درک از عمق انحرافات گذشته  
نامبرده در بالا است که میتوان تحسولات  
رزمندگان را توضیح داد و از آن در سهای مهمی  
آموخت، هرگونه تقلیل انحرافات گذشته و نا  
دیده گرفتن نقش اساسی آن در انحرافات  
رزمندگان در زمان جنگ و برخورد مکانیکی و  
ساده گرایانه که گویا این جریان اپورتونست  
ناگهان از شماره ۳۴ رزمندگان بر آن حاکم شده  
و مواضع گذشته را نافی نموده است، برخوردی  
معاشات جویانه و سانتریستی نسبت به انحرافات  
گذشته و سرپوش گذاشتن بر آنست. حال که درک  
خود را از انحرافات که به سوسیال شوینسیم  
رزمندگان در مقطع جنگ انجام مید، توضیح دادیم  
به بررسی نظر رزمندگان در اینباره میپردازیم  
رفقای رزمندگان در توضیح چگونگی شکل  
گیری اپورتونسیم راست، علیرغم آنکه خود  
اظهار می دارند عنصر اقلیت دارای مواضع  
انحرافی مشخصی بود که در جزوه و جمعیت سیاسی  
آپهنده در مقاله اشغال سفارت منعکس بود، باز  
میپندارند که عنصر اقلیت "با سازش موقت"

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی



متدبرخورد رفاقا به اپورتونیسیم و ظهور و عقب رانده شدن آن، برخوردی ما رکیستی نبوده و توضیح نمکی دهده که بریسترکدامین زمینه های عینی و ذهنی، انحرافات گذشته شکل میگیرد و شد میکند و سرانجام در رزمندگان ۳۴ به سوسیال شوینیسیم تبدیل میشود. رفقای رزمندگان بجای بررسی مٹی و برنا مه حاکم بر رزمندگان که امکان شکل گیری و ظهور سوسیال شوینیسیم در رزمندگان ۳۴ را پدید آورده بوده میکوشند تا با نسبت دادن انحرافات به افراد اپورتونیسیت آنان را توطئه گرانی بخوانند که با دوپهلوشی و ابهام سوسیس سازش موقتی، خود را همراه ساخته اند. گویا آنان در صدیک کودتا در آینده نا معلومی بودند که از پیش با سازش موقتی خود داری از ابراز صریح مواضع "رد" کم کرده اند. رفقا چنین متدی به متد ما تریالیسم دیا لکتیک متکی نیست بلکه متدی است، مکانیکی و در نهایت ایده آلیستی است. در تحلیل رفقای رزمندگان اپورتونیسیتها موجودات ثابتی فرض شده اند که از اول همان بوده اند که اکنون هستند. لیکن چهره خود را بر ملا نمی ساختند و میکوشیدند تنه های مادی و انقلابی رزمندگان را فریب دهند و البته نگاه و بیگانه مواضع خود را نیز بصورت "دزدکی" در نشریه منعکس میکردند که سپس مورد مخالفتیهای درونی قرار میگرفت. لیکن از آن در سطح جنبش انتقاد نمی گشت (مانند خورده پورژوازی و انقلاب، سوسیال امپریالیسم نسبی و...) نه رفقا! این تحلیل نه بیانگر تمام حقایق است و علاوه بر آن نه این شیوه، شیوه ما رکیستی برخورد به پدیده ها.

رفقا! توضیح بیاکنده رویدادها هنوز نمی توانند ما را به ریشه آنها برسانند به نظر ما، نه اپورتونیسیتها توطئه گرانی بودند که مواضع امروزی خود را پنهان ساخته بودند، نه جریان غالب بر رزمندگان دارای مٹی و پیش جزم آنچه اپورتونیسیتها آنرا نمایندگی میکردند، بودند آنکه شما امروزه مٹی "انقلابی" گذشته رزمندگان را احیا نموده اید.

آنچه روشن بود انحرافات که در صفحات قبل نیز توضیح دادیم، بعنوان یک جریان فکری غالب بر رزمندگان (و نه صرفا توسط افراد توله دست به عمل می نموده است و حیثیات سیاسی رزمندگان را روز بروز بیشتر به ورطه اپورتونیسیم می کشانده است. درست است که جریان مخالفی با جریان حاکم نیز وجود داشت، لیکن هرگز مواضع آن بر رزمندگان غالب نبوده و در آن انعکاس نمی یافت. باینکه مواضع "انفراد توطئه گرا اپورتونیسیت" بود که بعنوان مواضع غالب بر رزمندگان منتشر میگشت. و در این راه نه تنها بخشهای از تنه های رزمندگان با آن همراهی می نمودند، بلکه اکثریت غالب رهبری رزمندگان نیز خود همراه و در اندامی با مواضع "افراد اپورتونیسیت" قرار داشته (و بلا لا قبل دنیا له روان آنان بوده اند) و هم از بیروست که

این مواضع امکان انتشار می باید. مگر ممکن است تنها فرد اپورتونیسیت مذکور در مرکزیت رزمندگان دارای انحرافات فوق بوده باشد لیکن مواضع این فرداقلیت، بعنوان مواضع رهبری رزمندگان و در حقیقت مواضع اکثریت منعکس گردد. مگر جز این می توانست باشد که در کلیه انحرافات که در شماره قبل به آن پرداختیم دست کم اکثریت رهبری رزمندگان با اپورتونیسیت مذکور هم تنوا و شریک بوده اند و با دست کم نسبت به آن موضعی مماشات حویانه داشتند. از طرف دیگر اپورتونیسیم که امروزه منشعبین وارث آن هستند، چیزی جز "تکامل" مٹی و برنا مه اپورتونیسیتی پیشین رزمندگان نیست. انحراف اپورتونیسیتی در جریان روند خود اگر تصحیح نشود، تعمیق میگردد و راه ارتداد را در پیش میگیرد. این جریان ریح است. انحرافات اپورتونیسیتی رزمندگان در گذشته نیز در روند انحطاط خویش، نمی توانست به چیزی جز آنچه امروز منشعبین وارث آن هستند بیا نجامد. بدین ترتیب اولاً جریان فکری اپورتونیسیتی غالب بر رزمندگان در گذشته، بخشی از رهبری و تنه های رزمندگان را نیز شامل می گشت و بسیاری را نیز بدنبال خود میکشید و بعنوان مٹی غالب در رزمندگان منعکس میگشت. تا نیا افراد اپورتونیسیت منشعب امروز آنچه چیزی نیستند که دیروز بوده اند و نیا پد با چنین پدیده ای بصورت اپورتونیسیتهای خلق الساعه و توطئه گری که سازش نموده بودند، برخورد نمود. دارو دسته اتحادیه، اکثریت و... نیز امروزه دقیقاً آن چیزی نیستند که در گذشته بودند. آنان در تکامل جریی و ناگزیر روند تعمیق انحرافات خویش، ناگزیر به ارتداد در غلطییدند. اگر بخوانیم عا میانه و نه ما رکیستی به بررسی تکامل پدیده ها بنشینیم، آنگاه باید بگوئیم مٹی و پیشین حاکم بر اتحادیه، اکثریت و... به مثابه تکامل انحرافات گذشته حاکم بر آنان نبوده و ریشه در مٹی و برنا مه گذشته آنان نداشته است، بلکه آنان به مٹی انقلابی گذشته خویش پرداخته اند و در حقیقت به روایت ساته اندیشان هوادار شرف دهقانی کودتاگران و توطئه گرانی وجود داشته اند که ابتدا خود را پنهان نموده و با استفاده از ضعف و ابهام و... دست به "کودتایده" سازمانشان را از مواضع پیشین گسیخته اند. از بیروست که به نظر ما ذکر اینکه مٹی گذشته رزمندگان انقلابی بوده و مٹی کنونی رزمندگان نیز انقلابی است پس اینها احیا کننده مٹی انقلابی و اپورتونیسیتها شکتندگان مٹی انقلابی پیشین بوده اند، اساساً انحرافی است. این توصیف شاید برای عوام قابل قبول باشد، لیکن برای ما رکیستی که میدانند آن مٹی "انقلابی" پیشین به چنان انحرافی آلوده بود که اپورتونیسیم منشعبین نتیجه تکامل آن به شمار میرود، و این مٹی - انقلابی کنونی مٹی "انقلابی" گذشته شما ریمبرود قابل قبول نخواهد بود. زمانیکه

یک ما رکیست می بیند در چارچوب "مٹی - انقلابی" گذشته رزمندگان، انحرافات اپورتونیسیتی و ریزیونیستی در برخورد به شوری، قدرت سیاسی و در تنه های فذخلق - ضد امپریالیست، روند کودتا، اتحاد عمل علیه ضد انقلاب مغلوب و دهها نظریه اپورتونیسیتی دیگر وجود دارد، بی شک نمیتواند اپورتونیسیتهای منشعب امروزی را ادا مدهنده و اقمسی انحرافات پیشین نداند در واقع اپورتونیسیتها اتفاق و دوگانگی "مٹی - انقلابی" گذشته را در هم شکسته و به فرمیسم و اپورتونیسیم بگرا ن بدل نموده اند. برای یک ما رکیست مٹی کنونی رزمندگان در مٹی دیدگاههای غالب گذشته رزمندگان شکل گرفته است، بنابراین نه تنها مٹی کنونی، احیای مواضع انقلابی پیشین به حساب نمی آید، بلکه مشخما تجدید نظر در آنها بشمار میرود. تجدید نظر در برخورد به ریزیونیسم و سوسیال امپریالیسم تجدید نظر در شوری فذخلق - ضد امپریالیست، تجدید نظر در وند جامعه و چشم انداز روند کودتا، تجدید نظر در تحلیل از قدرت سیاسی، تجدید نظر در کتیک اتحاد عمل در قبال ضد انقلاب مغلوبه تجدید نظر در قبال جنگ و... آری مٹی کنونی رزمندگان اگر چه ظاهراً تادامده مدهنده مٹی گذشته بنظر برسد اما در حقیقت در نقطه مقابل مٹی و پیشین گذشته خود قرار دارد.

اما علت اصرا رزمندگان برای اینکه سیر وقایع را طوری جلوه دهده که کمتر دامن مٹی گذشته بر رزمندگان را بگیرد و مٹی کنونی را احیا کننده مواضع گذشته نشان بدهد در چیست؟ صرف نظر از جنبه های انگیزه ای و مصلحت گرایانه ای که میتواند در اتحاد چنین روشی موثر باشد، بنظر ما مسئله اساساً ناشی از گرایش مٹی کنونی است، گرایشی که بجای قطع کامل پیوند با اپورتونیسیم گذشته حاکم بر رزمندگان، میکوشد خود را احیا کنند آن جلوه داده و در حقیقت بر عمق انحرافات پیشین برده تا شرافکنده و آنرا کم رنگ جلوه دهد. ما به رفقای رزمندگان گوشزد میکنیم که جنبش گرایش، سانسریستی و آشتی طلبانه ای با مواضع گذشته، میتواند در دل خود اپورتونیسیم نوینی را رشد دهده که در صورت عدم برخورد با آن جا در پای اپورتونیسیتها منشعب بگذازد. به نظر ما همچنانکه در پیش گفتیم ضروری است که رفقا با تادام و ممبارزه ایدئولوژیک علیه کلیه انحرافات خویش و از جمله قطع کامل با مواضع پیشین، مواضع مٹی خویش را ارتقا داده و با تکیه بر خط مٹی پرولتری در امر تحقق وحدت جنبش کمونیستی موثر افتند.

اما هرگاه رفقا بخوانند اپورتونیسیم گذشته خویش طوری برخورد نمایند که خود را از آلودگی بدان میرا بدانند و نقش اساسی مواضع گذشته را در تبدیل بخشی از آنان به سوسیال شوینیسیت (که ریشه در عمق تزلزلات و انحرافات





توضیح:

رژیم جمهوری اسلامی که مدافع طبقه سرما به - داراست علیرغم تمام عوامفریبیهایش ناچار است که پیوسته ما هیت فدکا رگری خود را نشان دهد. سرکوب مدا مکارگران، نابودکردن تشکیلات کارگری، مستقرکردن خفقان درکارخانه، حذف نهادهای روزانه، حذف پاداش وعیدی سالانه کارگران و... همه و همه نشانه مدیت حکومت اسلامی با طبقه کارگراست. طبقه کارگرنیزکه بیش از پیش به ما هیت ارتجاعی رژیمونهاها ی وابسته به آن بی مبرید بطور روزافزون میا رزه علیه سرما به داران و رژیم سفاک حاکم دست میزند. رژیم نیزی برای دفاع از سرما به داران از سرکوب و کشتار کارگران هیچ ابائی ندارد. هجوم فدا نقلایی با سداران مرتجع به کارگران قهرمان کفش ملی خود نمونه کوچکی از ما هیت جنا پیکارانه رژیم میباشد. ما در زیر به درج اعلامیه ای که توسط پیکارگران کفش سازی انتشار یافته، اقدام میکنیم:

گلوله وزندان  
«عیدی» رژیم به کارگران

مزدوران رژیم نیمه شب دیشب وحشیانه به اجتماع کارگران کفش ملی حمله کرده و با گاز اشک آوروز - ۳ چندین کارگرا زخمی کرده وده ها نفر را دستگیر نمودند.

کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز تهران!

صدی اعتراض خود را علیه رفتار ددمنشانه این مزدوران بلند کنید و اجاره ندهید که بار دیگر رژیم جمهوری اسلامی بجای خواسته های برحق کارگران (سود ویژه، عیدی، پاداش) گلوله و کاراسک آاور وزندان نصیب آنها کند.

طبقه حزب جمهوری، طبقه لبرالها، زنده باد پیکار توده ها  
بسر قرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان پیگرد راه آزادی طبقه کارگر  
(تشکیلات تهران)  
۵۹/۱۲/۱۴

گلوله پاسدار: عیدی رژیم جمهوری اسلامی  
به کارگران کفش سازی

با درود به کارگران شرافتمند کفش ملی که با اتحاد همتن خود در مقابل توطئه های سرما به - داران، پاسداران، و رژیم حاکم، قهرقا نانه مبارزه میکنند!

کارگران مبارز کفش ملی!

وقایع خونین چهارشنبه با زدیگر ما هیت فدکارگری هیت مدیره و پاسداران و دولت حامی آنها را به ما نشان داد. جریان از آنجا شروع شد که ما برای گرفتن سود ویژه (که چند ماه پیش به دستوری مدروحمایت حزبی هالفورده بود) نما یندگان مبارز خود را برای مذاکره با هیت - مدیره فرستاده بودیم. «گام خوش» مدیر عامل - چرم رغان با کمال وقاحت به نما یندگان ما میگوید که فقط حاضر به پرداخت یکماه حقوق بدون هیچگونه پاداش و مزایا هستند. کارگران که در این شب عیدی و پاداش گران و مخارج سنگین، چشم میدشان به این سود ویژه برای روبراه کردن و نشان بود، از این گفته هیت - مدیره به شتم آمده و کاموش را کتک میزنند. سه دنبال این جریان ۲ نفر از نما یندگان مبارز و واقعی ما کارگران دستگیر شده و زمانیکه سایر نما یندگان از آنها حمایت و پشتیبانی میکنند ۷ نفر دیگر دستگیر و روانه زندان میشوند. رژیم از ترس اوج گرفتن مبارزات متشکل کارگران، نما یندگان ما را به چرم دفاع از منافس و خواسته های بحق ما کارگران به زندان می - اندازند. اما مبارزات کارگران کفش ملی در

بیرحمی دست کمی از کاردهای سرسپرده شاه خا شن نداشتند، میخواستند با ریختن خون کارگران، خشم و نفرت شان را به طبقه کارگرو خوش خدمتی شان را به سرما به داران نشان دهند شدت برتاب گاهای اشک آور در آن نیمه شب بعدی بود که بسیاری از کارگران حالت خفگی پیدا کرده و بیهوش شدند. در این هنگام کارگران که ما هیت هیت مدیره و پاسداران بیش از پیش برایشان روشن شده بود، کینه و نفرت خود را به آنها با دادن شعار:

مرگ بر پاسدار! پاسدار حامی سرمایه دار! نشان دادند: کارگران فراموش نکرده اند که دیروز ما واکهای مزدور کارگران جهان جیت را در کاروا نسراستی به خاک و خون کشیدند و امروز این سینه کارگران زحمتکش کفش ملی است که با هدف گلوله های آمریکا ثی پاسداران قرار میگردد. این وقایع نشان میدهد که دولتهای حامی سرما به داران همیشه و همه جا ما زرات بحق کارگران را با بیرحمی تمام سرکوب میکنند. کارگران مبارز کفش ملی!

هفته های اخیر تمام خواب و خیالهای دولت - سرما به داری حاکم را نقش بر آب کرده است. از هفته گذشته اعتراضات کارگران در اکثر شرکت های کفش ملی آغاز شده و حتی منجر به اعتصابات پراکنده و جلوگیری از فروش محصولات هم شده بود اما زمانیکه این مبارزات پراکنده دیگر چاره کار نبود، کارگران با راهپیمایی ۶ هزار نفره خود در محوطه کارخانه و با دادن شعارهای:

متحد و یکصد علیه قانون کار! آزادی کارگر حق مسلم ما است! قانون بدست کارگرا ایجاد بایدگردد! این هیت مدیره اجراج بایدگردد! نمایش باشکوهی از قدرت بی پایان طبقه کارگرا به سرما به داران مفتخور نشان دادند!

قدرتی که تنها در اتحاد و پیوستگی ما کارگران وجود دارد! کارگران با گروگان گرفتن ۵ نفر از هیت مدیره دست به تحن زدند. در جمع کارگران، فدا ثیان اکثریت که ظاهرا در لباس طرفدار طبقه کارگرو هستند ما در عمل از پشت به طبقه کارگرو خنجر میزنند، برای خاموش کردن مبارزات ما گوش کرده و با گفتن اینکه «دولت نما یندگان را آزاد میکند» کارگران را به تسلیم دعوت میکنند. اما کارگران با شعار مرگ بر سازکار، توطئه های کثیف آنها را خنثی کردند. نیمه شب چهارشنبه پاسداران سرما به ساء تفنگهای آمریکا ثی و گاهای اشک آاور وحشیانه به تحن ما کارگران بورش برده و شروع به تیر - اندازی کردند. پاسداران که در وحشتگری و



## آوارگان جنگ ارتجاعی رژیم را افشای کنند

اصفهان - ملک شهر: مسئولین رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۴ بهمن فرم‌هایی را به میان آوارگان مستقر در آوارگانهای ملک شهر آورده و برای فریب آنان میگویند که این فرمها مربوط به کویس، بهداشت و خاموشی برق است و به همین بهانه از عده‌ای از آنان امضا میگیرند. اما از آنجا که آوارگان زحمتکش در طی این مدت تا حد زیادی به ماهیت رژیم پی برده و بارها مع عوامل رژیم را در دروغ و گویی باز کرده‌اند، به فرم‌ها شک کرده و در بعضی از آوارگانها با خواندن آن دست به افشای میزنند. بتدریج سایر آوارگان را با خبر میشوند که در این فرم، نه تنها تهمت بی‌غنی به زنان زحمتکش آورده شده است، بلکه قصد دارند آوارگان را تهدید کنند که چنانچه طبق مقررات تحمیلی ارتجاعی در اردوگاه، عمل نکنند آنان را به جبرفت تبعید نمایند. زحمتکشان آواره در روز ۲۶ بهمن به نشانه اعتراض در جلوی دفتر اجتماع کرده و با شعار "ما به جبرفت نمیرویم، حتی اگر میرویم" خواهان برگرداندن فرمها شده و تشکیل شورای واقعی میشوند. مسئولین رژیم که وحشت کرده بودند قول میدهند فرمها را تحویل آوارگان بدهند. آوارگان با شعار "فردا ساعت ۹ همین جا متفرق! ما مسئولین رژیم فردای آنروز قبل از ساعت یاد شده فرمها را به بلوکها آورده و پس میدهند و برای سنگ اندازی در راه ایجاد شورای واقعی آوارگان اعلام میکنند که اگر کسی خواسته - ای دارد به شورای فرمایشی مراجعه کند. اما آوارگان با پی بردن به ماهیت ارتجاعی رژیم و ارگانها پیش در راه تشکیل شوراهای واقعی و تحقق خواسته‌ها نشان به پیش میروند.

## خودکشی، ارمان دیگر جنگ ارتجاعی

رژیم فذخلقی جمهوری اسلامی در ادامه جنگ ارتجاعی کنونی، هر روز تعداد بیشتری از فرزندان خلق را به گوشت دم‌توب خود تبدیل میکند. رژیم آنچنان سربازان و منقضی خدمت - های ۵۶ را تحت فشار قرار میدهد که برخی از آنها دچار بیماریهای روانی میگرددند. چنانکه در اوایل بهمن ماه "رشوفی" منقضی خدمت ۵۶ که قبلا مهندس برق در شرکت آستون بوده، بر اثر فشارهای شدید روحی در جبهه جنگ اختلال روانی

## اخبار جنگ

پیدا میکند. ابتدا او را به بیمارستان منتقل میکنند اما در آنجا هم با داران سرما به مرتسب او را تحت فشار قرار میدهند و او نمود میکند که وی برای گرفتن مرخصی "خود را به دیوانگی زده است". یکبار با داران او را بشدت کتک میزنند و سرانجام پس از ۶ روز بستری شدن در بیمارستان، دوباره به جبهه انتقال میابد و پس از چند روز وی که دیگر در خود توان مقابله با این فشارها را نمیدید، با یک گلوله به زندگی خود خاتمه میدهد. رژیم جمهوری اسلامی که فقط به منافع خود میاندیشد، نه تنها به معالجه بیماران توجهی ندارد، بلکه آنها را همچنان به جبهه‌های جنگ گسیل میدارد و تحت فشار قرار میدهد. آری، این رژیم است که برای حفظ منافع فذخلقی خود با این چنین فرزندان خلق را در جبهه‌های جنگ ارتجاعی قربانی میکند و حتی آنها را به خودکشی وامیدارد.

## نگاهی به وضعیت آوارگان جنگ ارتجاعی در تهران

### ۱- دهکده المپیک

این اردوگاه را حدود ۶۰ خانوار از آوارگان جنگی معادله کرده و در آن سکنی گزیده‌اند. رژیم هم طبق معمول کمیته‌ای در یکسی از ساختمانها ممتقر کرده که آوارگان را تحت کنترل دارد. آوارگان نمایندگانی از میان خود در شورای سرایری آوارگان شرکت نداشتند و در آن رژیم اخیرا سه تن از آنان را دستگیر کرده است. کمک‌های مردمی بوسیله پاسداران دزدیده شده و فقط مقدار کمی از آن بین آوارگان تقسیم میشود. پاسداران سرما به، از وحشت تماس نیروهای انقلابی با آوارگان، رفت و آمد اردوگاه را شدیداً تحت کنترل دارند. مسئولین رژیم با عوام قریبی وانمود میکنند که وضع آوارگان ساکن المپیک بهتر از سایر آوارگان است. یکی از جنگ زده‌ها میگفت: "آوارگان است در نشین را نباید با ما که حداقل جایی برای زندگی داریم مقایسه کرد. بلکه باید آنها را با مقامات با ای شرکت نفت مقایسه کرد که الان در هتل‌های "کمودور" و "روبال" گذران زندگی میکنند و تمام حقوق و مزایای کامل خود را نیز میگیرند".

### ۲- قصر فیروزه

در قصر فیروزه واقع در خیابان پیدروز ی حدود ۲۳۷ خانوار از کارکنان گمرک خرمشهر اسکان داده شده‌اند. آوارگان در این جا هم مانند سایر اردوگاه‌ها در مضیقه و تنگنا بوده و در مقابل خواسته‌ها نشان با وعده‌های سرخمن از طرف رژیم روبرو هستند.

### ۳- خوابگاه شماره ۲ دختران

#### دانشگاه صنعتی شریف

در این خوابگاه حدود ۱۷۰ آواره زحمتکش زندگی میکنند. مسئولین مرتجع رژیم در اینجا هم از تشکیل شورای واقعی و انتخاب نماینده از طرف آوارگان وحشت داشته و بر علیه آنها توطئه میکنند.

### ۴- خوابگاه شماره ۱ پسران

#### دانشگاه صنعتی شریف

در این خوابگاه هم حدود ۷۰۰ نفر از زحمتکشان آواره مستقر هستند. علاوه بر آوارگان حدود ۲۰ دانشجوی دختر نیز در آنجا اقامت دارند. که آوارگان در مقابل فشارهای رژیم از آنان دفاع میکنند. تهدید به اخراج و تبعید به جبرفت که یکی از حربه‌های رژیم است مثل جفاک همیشه بالای سر آوارگان قرار دارد. جنگ زده آواره‌ای میگفت: "مثل اینکه جبرفت تبعیدگاه انقلابیون آواره است". سیاستهای رژیم ارتجاعی در رابطه با آوارگان، سرکوب، فشار و دستگیری عناصر انقلابی است. برای مقابله با این سیاستها راه، مبارزه هر چه مشکل تر و متعددتر، آوارگان و پیوند آن با جنبش کارگران و زحمتکشان بسیار شد.

## مصاحبه‌های فرمایشی در میدان جنگ!

"ما با رها بر این مسئله تکیه کرده‌ایم که رادبولو بیوزیون همیشه در خدمت قدرت حاکم است و بعنوان یکی از ابزارهای حاکمیت عمل میکند. بر این اساس رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه جنگ را دارای "خیرات" میدانند، از رادبولو بیوزیون هم مانند همیشه بعنوان بوق تبلیغاتی و توجیه مواضع ارتجاعی خود استفاده میکنند. به مطالب زیر توجه کنید:

- برای نشان دادن "رشادت نیروهای اسلام" و اینکه ثابت کنند که "قوای کفر" زیر فشار "مسلمین" فرست نفس کشیدن هم ندارند، حضرات مجبور به صحنه‌سازی هستند تا آن فیلم بگیرند و بخورد مردم بدهند. بدین ترتیب که مقداری از

بقیه در صفحه ۲۵

## مبارزه علیه جنگ رابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم



## عوامفریبی و دروغ‌پراکنی: جلوه‌های از اپورتونیسیم "راه‌کارگر" در اخلاقیات!

بررسی مشروح علل جنگ ایران و عراق موضوعات مطروحه در جنگ، اهداف آن و رهبری جنگ و سیاستی که تمیل از جنگ دنیا ل میگشت برداشتیم و نظرات اپورتونیسیتی نظیر "راه‌کارگر" را به نقد کشیدیم، تا کنیک عمومی خود را در قبال جنگهای ارتجاعی (و از جمله جنگ ایران و عراق) که تبدیل آن به جنگ داخلی (و ترویج این شعار) بود توضیح دادیم. و در مقاله "رزمندگان: ما رگسیم با رویزیونیسیم" تحریفات رویزیونیسیتی "راه‌کارگر" و رزمندگان را در باره تاریخ جنگ جهانی دوم جنگ آلمان و پروس... به نقد کشیدیم و بنیان

و تحریف درم - ل آرایش دهند. بیاد آوریم که چگونه سا زمان رزمندگان تحت هژمونسی اپورتونیسیتی منشعب کنونی زمانی که کوشید به مبارزه با دشمنی که ما با سخ دهد، در نوشته ای ۶ صفحه ای تنها با برجس زدن، دروغ پراکنی، انتساب نستیهای دروغ و از خود ساخته بسا و سپس نقادان و بیکارگیری شیوه کا ملازمنده و بورژواشی، به مبارزه با دشمنی که ما علیه ما پرداخت، و صدا البته تنها چیزی که با سخ نگفت همان محتوای نقد ما از انحرافاتشان بود. "راه‌کارگر" نیز در قبال عموم مبارزه با دشمنی

● اما از آنجا که "راه‌کارگر" اپورتونیسیت است، نمیتواند انحطاط فکری خویش را در عرصه های دیگر و از جمله اخلاقیات و شیوه برخورد بروزند هد. نگاه بی عوامفریبی های "راه‌کارگر" و دروغپردازیهایش میتواند این د هوی را ثابت نماید. این رسم عمومی اپورتونیسیتها و رویزیونیسیتهاست که توجیه مواضع بورژواشی خود را با نسبت دروغ دادن به دیگران، با جعل و تحریف درم - ل آرایش دهند.

رویزیونیسیتی این تحریفات را توضیح دادیم. "راه‌کارگر" عاجز از با سخگوشی به تحریفات که چه در استناد به تاریخ، چه در استنادات کنیک رویزیونیسیتی، چه در بررسی موضوع جنگ ایران و عراق و... صورت داده است و بر ملا گردیده بود، خود را خلاص نموده و کوشید تا با انتساب چند دروغ شایع، عوامفریبانه گرا بیات شدید رویزیونیسیتی خویش را بیوشاند. از آن جمله مدعی گشت که بیکار معتمدانست تنها بدلیل آنکه حکومت ارتجاعی است پس جنگ نا عادلانه است آیا هواداران "راه‌کارگر" نوشته های ما را در مورد جنگ ایران و عراق نخوایند اند؟ و اگر خوانده اند، چنین دروغپردازی شایع را "راه‌کارگر" را به چه حساب میگذازند؟ همچنین "راه‌کارگر" کوشید بدروغ و انمود کند که زمانیکه ما از تا کنیک تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی سخن میگوئیم، منظورمان این است که اکنون موقعیت انقلابی است و این رهنمودها بدالفور به اجرا درآید. آیا هر فردی که ذره ای از صداقت انقلابی سپرده باشد، میتواند منکر شود که ما این تا کنیک را در این دوران به عنوان یک شعار ترویجی و نه تبلیغی و یا حتی فراتر از آن منظور که "راه‌کارگر" میگوید، نه بعنوان یک شعار عملی مطرح سیاستیم (ها منظور که در روسیه در سال ۱۹۱۴ شعار تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی به عنوان یک شعار ترویجی مطرح بود). عوامفریبیها و دروغپردازیهای "راه‌کارگر" بسا راست (تا بدون این عمل چیزی برای گفتن و دفاع از خود نداشته باشد) ما نظرات

لوژیک ما با اینان، به چنین روش اپورتونیسیتی که شایسته آن مواضع نیز هست، دست بازید و آنهم با قیافه ای حق بجانب! ما نظرات رویزیونیسیتی "راه‌کارگر" را در برخورد به رویزیونیسیم و سوسیال امپریالیسم به نقد کشیدیم و "راه‌کارگر" عاجز از با سخگوشی، تنها گهگاهی با استهزا نظرها را در برابر اردوی سوسیالیسم مورد تمسخر قرار داد. ما در رویزیونیسیتی اینان را از "سوسیالیسم بیچاره" در لهستان به نقد کشیدیم و "راه‌کارگر" عاجز از با سخگوشی، با زهم در یکی دو سطر حرف ما که "سوسیالیسم، سوسیالیسم است" را مورد استهزا قرار داد و از با سخگوشی ظفره رفت. ما تئوسوری اپورتونیسیتی دفاع از استقلال سیاسی حکومت "راه‌کارگر" را به نقد کشیدیم، اینان در با سخ بجای توضیح علت "دفاع از استقلال سیاسی حکومت" فدا نقلابی که مبنای تئوریک آنرا ما در مقاله ما رگسیم و رویزیونیسیم تحت عنوان تئوری رویزیونیسیتی انتخاب بین بدویدتر (برخورد توجیحی به فدا نقلاب) به نقد کشیدیم، از اصل موضوع ظفره رفت و کوشید با دروغپردازی و انمود کند که ما استقلال سیاسی نسبی را قبول ندا ریم و از اینرو اکتونیسیت هستیم. او بدین ترتیب از توضیح تئوریهی رویزیونیسیتی خویش (برخورد توضیحی و دفاع از استقلال سیاسی حکومت فدا نقلابی) با زهم ظفره رفتند. از دیگر برخورد های عوامفریبانه "راه‌کارگر" در برخورد به مسئله جنگ بروزند بود. ما در مقالات متعدد تئوریهی اپورتونیسیتی عادلانه خواندن جنگ را به نقد کشیدیم، در بیکار تئوریک، به

راست است که اپورتونیسیم نمیتواند تنها به سیاست محدود باقی بماند بلکه در روند تعمیق انحطاط خویش به با دشمنی و اخلاقیات نیز کشیده خواهد شد. "راه‌کارگر" که در ابتدای حیاتش با تحلیلهای که بیشتر با طبع لیبرالها بود سخن از فاشیسم میگفت و ضرورت مقابله ای وسیع (همراه با لیبرالها) علیه "فاشیسم" را علم مینمود. "راه‌کارگر" که با "برخی ابهامات و ایرادات" در مورد شوروی آغاز زدودر مورد "سوسیالیسم بودن" نیز اظهار تردید مینمود! و... آری، امروز پس از گذشت دو سال از حاکمیت رژیم و حیات "راه‌کارگر" اپورتونیسیم ریشه دار "راه‌کارگر" بعد از زکلی موضع عوض کرد و تنها "رفع ابهامات" آنچنان رشد نموده که امروزه و را بدنیال "اکثریت" خاشن روان ساخته است، بطوریکه با یکی دو کا مقاله راه را ورا میسرود "راه‌کارگر" نیز (البته تنها با برخی مرز بندی) جنگ را عادلانه میدانند، افزایش تولید توسط کارگران را تبلیغ مینمایند، تحت حاکمیت رژیم مصلح با بدار در کردستان طرح مینماید، از حرکت سفارت پشتیبانی مینماید، راه رشد غیر سرمایه - داری را در کوبا تحسین میکند، از نزدیکسی مناسبات خارجی دولت ایران با آردوی سوسیال امپریالیسم بعنوان یک سیاست مثبت نام مینماید (که البته تالیف "راه‌کارگر" از آن است که جمهوری اسلامی نمیتواند چنین سیاستی را بصورت با بدار رد نیال کند)، ضرورت نزدیکسی نیروها با آردوی رویزیونیسیم و سوسیال امپریالیسم (البته تحت هژمونی پرولتاریا!) را تبلیغ مینماید، از استقلال سیاسی حکومت دفاع میکند و دست آخر همچون فدائیان در گذشته، در زمانی که گام به گام بورژوازی رویزیونیسیم درمی غلطیدند و جنبش کمونیستی را "نا رشیت و سندیکالیست" (آنا رگوسندیکا لیست) میخوانند، امروزه "راه‌کارگر" نیز خطاب به نیروهای کمونیست و بویژه "سوسیالیست" از "انحرافات آنا رگوسندیکالیستی" نام برده و میگوید ما را به "راه" است هدایت کند. روند اپورتونیسیم در مفاصل "راه‌کارگر" بطور ناگزیر و بیرونیا نیت آنها را در کنایه اکثریت جای خواهد داد. اما "راه‌کارگر" برخلاف اکثریت این روند را بصورت نا شانه طی نمیکند، تا در جنبش رسوا نگردد! "راه‌کارگر" میگوید بیه انحرافات رویزیونیسیتی خویش محمل تئوریک بخشیده و با دفاع فعال از انحرافات خود از یک سو و حمله به نیروهای کمونیستی بگیر، خود را "وفا دار" به - ل نشان دهد و زستی حق به جانب بگیرد.

اما از آنجا که "راه‌کارگر" اپورتونیسیت است نمیتواند انحطاط فکری خویش را در عرصه های دیگر و از جمله اخلاقیات و شیوه برخورد بروزند هد نگاه بی عوامفریبی های "راه‌کارگر" و دروغپردازیهایش میتواند این دعوا را ثابت نماید. این رسم عمومی اپورتونیسیتها و رویزیونیسیتهاست که توجیه مواضع بورژواشی خود را با نسبت دروغ دادن به دیگران، با جعل



بوروژواشی راه‌کارگر را در باره "افزایش تولید" به نقد کشیدیم و توضیح دادیم که تنها درجه صورتی در یک جامعه سرمایه‌داری، بیروتا ربا ممکن است خود به افزایش تولید دست بزند و تحریفات "راه‌کارگر" را در برخورد به روسیه افشا نمودیم. اینان با زهم‌شیا دانسته‌بجای نقد آنچه ما گفتیم، طبق معمول نظری را از خود ساختند و بنا منتسب نمودند و سپس به نقد آن پرداختند که پیکار میگوید: چون جامعه ما سرمایه‌داری است پس در هر شرایطی افزایش تولید غلط است! برآستی کمیت که از تحلیل منحنی ظفره می‌رسد و کمیت که می‌کوشد با تحریف نظرات دیگران، با تحریف تاریخ و با لاجرم با تحریف م - ل تئوری - های اپورتونیستی خویش را پوشش آراسته بخشیده و با انتساب موضعی تحریف شده و از خود ساخته به دیگران، آنها را مورد طعنه و استهزا پدران قرا دهد؟

"راه‌کارگر" که با لاجرم در برخی موارد حاضر به پاسخگویی شده است با انتساب دروغ و تحریف و موضعی از خود ساخته به ما با اصطلاح به دفاع از خویش برخاسته است، در مورد آخرین مسأله رزده ایدئولوژیک ما در افشای تسلیم‌طلبی "راه‌کارگر" در مراسم ۲۴ دی، با زدست به دروغ‌پردازی زده و سپس به نقد مواضع تحریف شده که به ما منتسب نموده پرداخته است. بی آنکه جواب مشخصی انتقاد - دات ما را پاسخ بگوید.

مادراینجا به پاسخگویی به نثرات اپورتونیستی "راه‌کارگر" در این باره نمی‌پردازیم. چرا که اولانظرآمان را در مورد انتقاد "راه‌کارگر" در این مورد گفته ایم. ما بنا معتقدیم که اکنون می‌بایست برخورد با "راه‌کارگر" را با یک ارز - یایی مجدداً جایگاه "طبقاتی وی صورت داد" لیکن آنچه در این مقاله "راه‌کارگر" حالب و دز عین حال شیا دانسته است و با آن تحریف فرا سر گذاشتن و به دروغ‌های آشکارا و وقاحت هر چه تمام‌تر منسوس شدن است. دروغ‌پردازی "راه‌کارگر" در مقاله "پیکار با مشیرو جوسین" میتواند عجز و درماندگی "راه‌کارگر" را در دفاع از مواضع خویش عریان سازد و به بهترین وجهی نشان دهد که چگونه برای "راه‌کارگر" هدف وسیله را توجیه میکند! و برای دفاع از مواضع اپورتونیستی آن چگونه به هرگونه وسیله ای از جمله دروغ‌پردازی‌های شیا دانسته متوسل میگردد. و این همان انعکاس سیاست اپورتونیستی در اخلاقیات و شیوه برخورد بورژواشی "راه‌کارگر" است.

"راه‌کارگر" برای توجیه سیاست اپورتونیستی خویش مدعی گشته است که از جمله اختلافات با ما در کمیت‌ها همگی مخالفت جدی با عملی نمودن بلاواسطه شعار با زکشتی و ورودیبه دانستگاه "بودکه توسط" پیکار مطرح شد برآستی در مقابل چنین دروغ و وقاحت‌های - ما - گفت؟ چگونه است که "راه‌کارگر" برای یوتاندن چهره زشت اپورتونیسم منحنی خویش و مانع نمودن هواداران خویش با بدجنس دروغ‌های شاخه‌داری

را سرهم کند، ما نتواندیم هواداران خویش بگوید "ببینید پیکار آنرا رشتت و ما خط اصولی هستیم!" "راه‌کارگر" نمیتواند به استناد آنچه ما گفته - ایم تحلیل ما از وضعیت جنبش، مسئله خواست با زکشتی، بسیج توده‌ها، تعرض علیه رژیم... را به نقد بکشد. از اینرو تا گزیرا است بدروغ مدعی گردید که از جمله اختلافات ما با ما نه بر سر تاکتیک کمونیستی و تاکتیک پاسیفیستی (که پیشه در وحشترا کارگر از "قا شیم" زبا درفته اش دارد) بلکه بر سر آن است که ما به وضعیت جنبش، سطح آن کار رنداشته و تنها تا کتیک خود را از ایدئولوژی برون حکومت بدست میا وریم و اگر احتمال آن باشد که کمی سا دگی به خرج نداده‌واز "راه‌کارگر" دلایل - بحوا هد که چرا مدعی است پیکار ملاک تاکتیکها - بش تنها ایدئولوژی بودن رژیم "سطح آکا هی روشنگران" بیبرفته است (که در اینصورت بلافاصله میبایست مبارزه مسلحانه علیه رژیم را در دستور روز خویش می گذاشت) با بسد دروغ شاخه‌داری تحول داد که پیکار قصد اشغال عملی دانستگاه را داشت تا شاید خواهاننده با ور کند! ما در کجا، کی، و چگونه مدعی گشتیم که با بددا نشگاه را اگر شرایط در اینروز ما عبودت صرف کنیم؟ برآستی که راه‌کارگر برای توجیه اپورتونیسم منحنی خویش چه خوب یا بد انقلاب حاکم‌منوا شده و همان نهیمت‌های جمهوری اسلامی را که میگوید "اینان قصد اشغال دانستگاه، برپاشی آشوب و بلوا... داشته‌ند" تکرار میکنند و متحدیار و بیرو - نیتهای خائن، ارتجاع حاکم و محافظین این حرکت را "جپ روی" میخواند. اما دروغ دیگر راه‌کارگر در توجیه حرکت ما زمان شکنانه و بیگانه است اپورتونیستی خویش است که میکوشد رندانند چنینس وانمود کند که نظرات از جانب کمیت‌ها همگی لغوشده و این موضوع که ما برین درجای دیگر برنامهای داشتند، ربطی به "راه‌کارگر" نداشته است. و تنها دو "انتقاد کوچک" که برخی از آنان پلاکار در دست گرفته و میکوشند جمعیت را با اعلام این مسئله که راه‌کارگر همگی از سوی کمیت‌ها همگی لغوشده متفرق نمایند، وارد دانسته است که تا راه‌کارگر همگی از قطع ارتسباط و تکلیفات با اکیبهای پخش! و عمله‌کاری! دانسته است، امری که در عین حال نهانسه بدست پیکار داده است.

برآستی چگونه "راه‌کارگر" اینچنین مانند دیلما تهی بورژواگستاخانه دروغ میگوید و هیچ ابائی نیز ندارد. آیا "راه‌کارگر" فراموش کرده است که از قبل در کمیت‌ها همگی تصمیم گرفته‌شد، در صورت عدم برگرزاری راه‌کارگر، در محل دانستگاه، محل آن به‌حای دیگر متقل شود؟ زمانیکه طبق برنامه قبلی محل راه‌کارگر همگی عویش گشت، راه‌کارگر گستاخانه تفیسر محل راه - بیماشی از سوی کمیت‌ها همگی را (که راه‌کارگر حیوانه و تسلیم‌طلبانه از ترس "اتحاد و جناح از آن خارج گشته بود،) را لغو فرام از سوی کمیت‌ها همگی میخواند، او میکوشد جمعیت را متفرق کند و نه تنها بدروغ در میان حاکم پلاکار -

هاشی مبنی بر لغو فرام اسم را همگی از سوی کمیت‌ها همگی در دست میگیرند، بلکه بعد از آنروز در اعلامیه که بدین مناسبت منتشر میکنند مدعی میگردد که کمیت‌ها همگی با لغو فرام همگی به خرج داده و مانع از ایجاد "ثوب" و بلوا نگردد. (یعنی برگرزاری فرام برپاشی "ثوب" و بلوا نبود. برآستی راه‌کارگر چه خوب اصطلاحات ضد انقلاب حاکم و رویزیونیستی را در محکوم نمودن با دگرفته است!) اکنون "راه‌کارگر" مافوق‌بیستکننده با زهم‌دروغ میکوبد و اعلام میکند که کمیت‌ها همگی راه‌کارگر را لنگه - برد "راه‌کارگر" تا با یک سند با اعلامیه‌های مبنی بر لغو فرام همگی که از سوی کمیت‌ها همگی صورت گرفته‌شد، میسواندنشان بدهد؟ "راه‌کارگر" با وحشت از افراد از جنبش کمونیستی دلیل آورد - نیم پیکارانش، میکوشد با دروغ‌پردازی مواضع خود را موجه جلوه دهد و دیگران را با داحمله بکشد سومین دروغ آشکارا "راه‌کارگر" این است که مدعی میگردد موضع پیکار در جلسه کمیت‌ها برگرزاری در آخرین ساعات این بود که فرام همگی با بدجلوی دانستگاه برقرار شود و برای اثبات دروغ خود انتقاد از خود ما را که بعداً صورت گرفت تا هدما ورد، برآستی تا چند میسوان وقاحت به خرج داد و بدروغ مدعی گشت که ما در جلسه کمیت‌ها برگرزاری که تصمیم به تفیسر محل راه‌کارگر گرفت، با آن مخالفت نمودیم؟ انتقاد ما که بعداً از کمیت‌ها برگرزاری خود ما صورت گرفت، این بود که در موقع تصمیم‌گیری در جلسه کمیت‌ها چرا محل را تغییر داده‌ایم. تنها پس از مدتی از حرکت ۲۴ دی بود که ما به انتقاد نسبت به این حرکت پی برده‌وا آنرا در دست خواندیم، ما اپورتونیستهای "راه‌کارگر" برای یوتاندن مواضع تسلیم‌طلبانه و سا زمان شکنانه خود به دروغ اعلام میمانند که ما در کمیت‌ها برگرزاری معتقد بودیم که میبایست فرام در همانجا صورت میبذیرفت. برآستی "راه‌کارگر" اگر یک حو صداقت انقلابی داشت، هرگز به چنین دروغ‌پردازی - ها و عوامفریبی‌هاشی متوسل نمیشد؟

روز بروز که از حیات "راه‌کارگر" میگذرد، بسوا ذات نشدیدیست های رویزیونیستی و انسجام‌بخشی به اپورتونیسم پیکار، خویشی، سیاست و شیوه بورژواشی در مبارزه ایدئولوژیک "راه‌کارگر" نیز متبلور میشود. "راه‌کارگر" نه تنها در سیاست بلکه در اخلاقیات و شیوه برخورد نیز از اکثریتی های خائن و حزب‌خائن توده، شیوه تحریف و دروغ‌پردازی و عوامفریبی را می - آموزد تا در برتوان بتواند مواضع اپورتونیستی خویش و مستگیری بسوی اکثریت را لاپوشانی کند. با ردیگریه هواداران مدعی "راه‌کارگر" هندا رسیده‌یم: "هندا رکه خطر نزدیک است!"





### پیام بیست و ششمین کنگره سوسیال امپریالیسم شوروی: سازش با امپریالیسم امریکا ، سرکوب انقلاب خلقها!

امروز در شرایطی که مبارزات طبقه کارگر و خلقهای جهان هر چه بیشتر اوج میگیرد، در شرایطی که تضادهای بحرانهای سرمایه داری، گندیدگی مایه های امپریالیسم را عیان تر میسازد و در عین حال زمینه مناسبتی برای گسترش بیشتر انقلاب در سراسر سرزمینهای موجود می آورد، رویزیونیسم بیش از هر زمان دیگر برولناریای جهانی را مورد ضربت خائنان خود قرار داده است. رویزیونیسم نه تنها احزاب متعددی را در کار خود فروکشیده است، نه تنها بخش وسیع کشورهای سوسیالیستی را به اردوگاه امپریالیسم انتقال داده است، بلکه همچنان به تعرض فدا نقلایی علیه برولناریا، سوسیالیسم و انقلاب ادامه میدهد. بدون شک ضربه رویزیونیسم به جهانی شکست مهمی برای برولناریای جهانی بشمار می آید، اما این حقیقتی است انکارناپذیر که ضربه رویزیونیسم خروشنجی - برزنی از ابعاد بسیار گسترده تری برخوردار می باشد. امروز رویزیونیسم خروشنجی برای اکثر احزاب رویزیونیست و کشورهای بورژوا - رویزیونیست مسلط بوده و به این لحاظ با پشتوانه معنوی و مادی عظیم خود جنبش ها و انقلابات را در بعد وسیعتری موردتهاجم خود قرار داده و می دهد. بنا بر این مبارزه کمونیستی علیه رویزیونیسم بطور عموم و علیه قطب رویزیونیستهای خروشنجی و در رأس آن سوسیال امپریالیسم شوروی بطور اخص از اهمیت حیاتی برخوردار است بدون چنین مبارزه بیگیری، هیچ انقلابی به سرانجام نخواهد رسید و برولناریا قادر نخواهد بود سوسیالیسم را برقرار نماید. فقط یک دیدگاه رویزیونیستی مبارزه علیه بورژوازی را از مبارزه علیه رویزیونیسم جدا خواهد کرد، فقط یک دیدگاه ضد مارکسیستی مبارزه علیه امپریالیسم را از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم شوروی جدا خواهد نمود و فقط دشمنان سوسیالیسم و کمونیسمی که نمیخواهند برولناریا بقدرت برسد مبارزه ضد رویزیونیستی را نفی میکنند. این مبارزه بخش لاینفکی از مبارزه طبقه کارگر برولناریا در راه استقرار کمونیسم بشمار می آید.

تشکیل بیست و ششمین کنگره حزب رویزیونیست سوسیال امپریالیسم شوروی، از یکسو در چهارچوب تعرض رویزیونیسم علیه سوسیالیسم و انقلاب قرار داده و از سوی دیگر با نگرشهای جدید بورژوازی امپریالیستی شوروی در جهت سازشهای نوین با امپریالیسم امریکا و نتیجتاً



تدارک گسترده تری از آنها علیه انقلاب جهانی است. از زمانی که رویزیونیسم بر دستکاه حزبی شوروی مسلط گردید، حزب به بزرگوارانی در راه تحقق اهداف ارتجاعی اش تبدیل شد و با طبع کنگره های حزبی نرسیده مرکزی جهت برنامهریزی های این بورژوازی بدل گشت. کنگره های خروسوسیال امپریالیسم در دوره عرصه داخلی و خارجی برنامهمبورژوازی شوروی را اعلام نمود. نگاهی کوتاه به سیاستهای داخلی و خارجی شوروی یکبار دیگر ضربه رویزیونیستهای را با برولناریا و توطئه های آنها را علیه خلقهای جهان نشان میدهد.

### در زمینه داخلی: بحران اقتصادی و سرکوب پرولناریا

همانطور که میدانیم در روستاها خروشنجی خائنان برای پوشاندن دیکتاتورهای طبقه کارگر بورژوازی خود، دیکتاتورهای برولناریا را منحل اعلام کرده و مطرح ساختن آنها که تضامینات طبقه کارگر را با نفاخته شوروی به مرحله اولیه کمونیسم رسیده، دولت پرولناریا را خود را به "دولت تمام خلقی" سپرده است. در مقابل این عوام مغربسی باید گفت پر واضح است که به سبب حاکمیت یافتن رویزیونیستهای در شوروی، دیکتاتورهای پرولناریا نابود گردید. لیکن از آنجا که پرولناریا از قدرت فزاینده و جامعه شوروی کماکان یک جامعه طبقه کارگر بود و از آنجا که قدرت به دست رویزیونیستها افتاده بود، دولت حاکم جز دیکتاتورهای بورژوازی چیردگیری نمی توانست باشد. اگرچه رویزیونیستهای خروشنجی - برزنی اقدام میکردند که شوروی فقط نیایزه "تدارک مادی و فنی کمونیسم" را در دستهای طبقه کارگر و در نتیجه مبارزه طبقه کارگر از جامعه شوروی رخت بر بسته است. اما وجود دولت رویزیونیستهای در شوروی و طبقه کارگر متخاصم اجتماعی و مبارزه جاری میان آنان در خط بطلانی برای تسلیفات رویزیونیستی بود. بقول لنین وجود دولت در جامعه طبقه کارگر تضادهای آشتی ناپذیر طبقه کارگر است. او میگوید "دولت محصول آشتی ناپذیری تضادهای طبقه کارگر است" (دولت و انقلاب) به بیان دیگر زمانی که طبقه کارگر برسد، دولت نیز ضرورت خود را

از دست میدهد. پس وجود دولت در شوروی بیان وجود طبقه کارگر در شوروی و اعلام "دولت تمام خلقی" بیان دیکتاتورهای بورژوازی بود. این حقایق را تضادهای مستمر طبقه کارگر در این جامعه و ادا مبارزات طبقه کارگر و خلقهای این کشور و سرکوب مرتجعانه این مبارزات توسط دستکاه دولتی بورژوازی حاکم بر آنها و با رها اشیاء کرده است و در گزارش برزنی مرتجعانه ادا نموده همان خط خروشنجی است. این حقایق بطرز عریانی جلوه گیری میکند. برزنی در تمام گزارش خود یک کلام در باره دیکتاتورهای پرولناریا نمی گوید و نمی تواند بگوید. اما او در همین گزارش میگوید: "در سالهای دهه هفتاد نزدیک تمام طبقه کارگر و گروههای اجتماعی جامعه شوروی ادا مبارزات را ترک کرده و از پیش طبقه کارگر (رجوع شود به پیکار ۸۹) این واقعیت را ثابت میکنند که طبقه کارگر در شوروی به یکدیگر نزدیک نشده و بلکه بطور روزافزون تضادهای طبقه کارگر عیان تر میگردد، اما مسئله حائز اهمیت است و رویزیونیستها باید جواب دهند که اگر به حال در جامعه شوروی "طبقه کارگر و گروههای اجتماعی" وجود دارند و بنا به گفته لنین هر دولتی نماینده یک طبقه معین است، پس دولت حاکم یا بقول آنها "دولت تمام خلقی" مدافع کدامیک از این "طبقه کارگر و گروههای اجتماعی" است؟

مسئله مهم دیگر در زمینه مسائل داخلی گزارش برزنی خائنان از واقع اقتصادی بود. او در گزارش خود اگرچه عوام مغربسیانه از "دست آورد های سوسیالیسم در شوروی" صحبت کرد، اما در همان حال بطرز خجولانه از بحران اقتصادی نیز سخن گفت و بطور غیر صریح از بحران کشاورزی، از کم شدن کارآیی در تولید، از مدیریت بد در دستگاههای تولیدی و از عدم تحقق اهداف برنامهمبارزه اقتصادی صحبت کرد. گویا اینکه رویزیونیستهای برزنی حقایق بحران و مساله موجود در کشور را میپوشانند و به طبقه کارگر دروغ میگویند، اما همین اعتراضات خجولانه، برزنی نشانهای از اهمیت سرمایه داری اقتصاد حاکم پر شوروی است. در کشور سوسیالیستی بحران کشاورزی وجود ندارد، زیرا پرچم سوسیالیسم طبقه کارگر کار میکرده و با شور کمونیستی تولید سوسیالیستی را مدام افزایش میدهد. زیرا رهبری طبقه کارگر تولید بر اساس برنامه مرکزی هدایت شده و طبقه کارگر با تمام قوا میکوشند تا اهداف در نظر گرفته شده برآورده گردد. اما در یک اقتصاد سرمایه داری که قانون سود هر چه بیشتر آن حاکم است و هرج و مرج در تولیدات آن به شمار می آید، بحران، بیکاری، تورم و استعمار وجود داشته و کارگران رغبتی به تولید نشان نمیدهند. بر واضح است که وقتی رویزیونیستها از بحران صحبت میکنند، آنان بنا بر یک سبب - مبارزه با سرمایه داری است. اما در واقع این مبارزه با سرمایه داری است.



میدانیم رژیم صهیونیست اسرا شیل را بندهایم. امیریا لیسیم آمریکا در منطقه بود و استقرار این رژیم ارتجاعی بقیمت اخراج خلق فلسطین از سرزمین فلسطین و سرکوب مداوم و مستمر آن بوده است. به همین خاطر انقلاب خلق قهرمان فلسطین هدفنا بودی رژیم صهیونیستی و آزاد کردن تمام سرزمین فلسطین را دارد. اما در چهار رچوب سازش های امیریا لیستی، سوسیال امیریا لیسیم موافق آنست که رژیم صهیونیست باقی بماند و به همین منظور برای اینکه نفوذ خود را در کشورهای این منطقه حفظ کند و آمریکا جهت تضعیف این نفوذ عمل نکند، پیوسته کوشیده است تا خلق فلسطین را با دشمن خود آشتی دهد و به او بقبولاند که موجودیت این رژیم اشغالگر و اقمیتی عینی است و با بد آنرا پذیرفت! کوشش مشترک آمریکا و شوروی در فلسطین با ژاندارم امیریا لیسیم در منطقه در چهار رچوب همین توطئه امیریا لیستی قرار می گرفت. اما جنبش توده های فلسطین همچنان تمام توطئه های ارتجاعی و امیریا لیستی را برملا کرده است و امروز شوروی با زهم میگوید تا این جنبش را از راه توطئه های جدید سرکوب نماید و آنرا وجه المعامله سازش های جدید با آمریکا قرار دهد. نطق برژنف در کنگره ۲۶ همین هدف را تعقیب میکند. شوروی مانند همیشه امیریا لیستیها میگوید تا سرنوشت خلقها را تعیین کند و به همین خاطر برژنف میگوید شوروی و امیریا لیستیها یکتا را آمریکا با حسن نیت میتوان نندبه "حل جامع" در مورد مسئله فلسطین برسد. تا با آمریکا با کمک همه جانبه اسرا شیل "حسن نیت، عدالت و واقع بینی" خود را میان سال بنمایش نگذاشته است؟ آیا کشتار و قتل عام توده های فلسطینی "عدالت" امیریا لیستیها را به تحقق در دنیا ورده است؟ برژنف خاشن تمام این جنایات را میپوشاند، برژنف تهنیکار برای معامله های جدید با ریکان جنایتکار قول میدهد که اگر آمریکا حق شوروی را در منطقه به رسمیت بشناسد از طریق یک کنفرانس بین المللی مشترک میتوان سرنوشت فلسطین را تعیین نمود! آری رویزیونیستیهای توطئه گر اینچنین علیه خلقها توطئه میچینند و سرکوب انقلاب آنها را هدست با بانگی ها و رژیمهای مرتجع تدارک میبینند.

سپس برژنف در کنگره میگوید: "اتحاد شوروی مخالف آن نیست که مسائل مربوط به افغانستان در رابطه با مسائل امنیت خلیج فارس مورد بحث قرار گیرد ولی در این مورد با بدقت نکات بین المللی مسئله افغانستان مطرح شود نه مورد داخلی افغانستان، اتحاد شوروی حاضر است بدون وقفه مذاکرات خود را با ایالات متحده آمریکا در خصوص محدود کردن تسلیحات استراتژیک... ادامه دهد". منظور برژنف از بحث جامع به "مسائل مربوط به افغانستان در

زمان که با کثیف ترین رژیمهای کشورهای تحت سلطه به ما زش دست میزند، میگوید تا با نفوذ در جنبش های رهاشی بخش، این جنبشها را به نحرف کشیده و آنها را به بزار توسعه - طلبی خود بدل نماید. در گزارش برژنف پسیه کنگره ۲۶ اهداف فوق به روشنی نمایان است. لیکن با ابداع آن نمود که آنچه در نطق برژنف برجستگی خاصی را دارا میباید تدهمان کوشش در سازشهای جدید با امیریا لیسیم آمریکا است. البته این امر اتفاقی نیست. شوروی در اثر ایظ کنونی گرفتار بحران اقتصادی شدیدی میباشد در اروپای شرقی با مشکلات بسیار بقیه بنا از تحولات مبارزه طبقاتی در لهستان روبرو است، در افغانستان به تازگی و زواشغال نظامی خود همچنان ادامه میدهد و از بابیت همه ایسن مسائل تحت فشار کشورهای امیریا لیستی و تسلیحات آنرا قرار دارد. بنا بر این در عین حال که شوروی بنا به ما هیت خود با آمریکا به زقابت ادامه خواهد داد، اما تا کنه برژنف در کنگره ۲۶ با سرتا کتیک سیاست سازش با آمریکا استوار است. برژنف در کنگره با لحن یک معامله گر بزرگ خطاب به آمریکا میگوید: "ما پیشنها میکنیم در این منطقه (حوزه خلیج فارس و اقیانوس هند) با انعقاد موافقت نامه بین المللی خطر وقوع جنگ بر طرف گردد. با ما می مشترک و با در نظر گیری منافع قانونی کلیه طرفها، میتوان در این منطقه محیط ثبات و آرامش بوجود آورد. میتوان حقوق حاکمیت کشورهای این منطقه و امنیت راههای دریایی و راه های دیگری را که بقیه دنیا را به آن مربوط میباشد زنده تضمین نمود. (گزارش به کنگره - مندرج در اطلاعات ۹ اسفند)

برژنف بیست و نه سال پیش امیریا لیسیم روس مطرح میسازد که در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند با بدملح برقرار شود، ملحق که "منافع قانونی" همه امیریا لیستیها را در نظر بگیرد. باید پرسید در این منطقه خطر جنگ از جانب چه نیروهای جز قدرتهای امیریا لیستی و سبه خصوص آمریکا و شوروی وجود دارد؟ در نظر گرفتن "منافع قانونی کلیه طرفها" جز به رسمیت شناختن سهم مناسبت در چپا و لگری امیریا لیستیها و از حمله شوروی چه معنای دیگری دارد؟ "امنیت راههای دریایی" جز تضمین راههای غارت نفت و شروتهای خلقها توسط امیریا لیستیها چه معنای دیگری دارد؟ برژنف میگوید ملحق کنیم و خلقهای منطقه را با یکدیگر چپا ول کنیم. آری اینست پیام تهنیکاران رویزیونیست برای رقیبان آمریکا شایان!

سپس برژنف در باره مسائل خاور نزدیک و منحل مسئله فلسطین چنین میگوید: "وقت آن فرا رسیده است که با حسن نیت مشترک جستجو برای حل جامع این مسئله را برپا به عدالت و واقع بینی از سرگیریم. در شرایط کنونی میتوان در چهار رچوب یک کنفرانس ویژه بین المللی به این هدف دست یافت." همانطور که

و با زمانی که رویزیونیستها از کم شدن کارآیی در تولید محبت میکنند، این امر این حقیقت را نشان میدهد که طبقه کارگر شوروی تحت سلطه سرما به داری دست به مبارزه زده و کم شدن کارآیی در تولید چلوه ای از مبارزه طبقه کارگر علیه استثمار سرما به شما رمی آید. یکی از اشکال مقاومت کارگران در مقابل قوانین بیرحمانه تولید بورژوازی اختلال و کم کاری در نیروی تولیدی است. در کشوری که بر اساس رهنمود رویزیونیستی برژنف در کنگره ۲۶ گفته بود: "کار شدید و پیرا زده با بدتویق شود و با دشمنان بیشتر به آن تعلق گیرد". کارگران شدیداً استثمار میشوند و به همین خاطر یک بورژوازی انگل بطور متوسط درآمدی معادل ۱۰۰ برابر یک کارگر زحمتکش دریافت میکند (پیکار ۸۹)، آری در چنین کشوری مبارزه و مقاومت و کارکنی کارگران در تولید سرما به داری امری عادلانه و طبیعی است و بنا بر این جا معالگر بزنامه های اقتصادی به اهداف خود نمی رسد، امری ناگزیر است. البته رویزیونیستها در مقابل بحران همیشه چنین توجیه میکنند که به علت آب و هوا... مثلاً کشت و ریزی رشد لازم را نداشته است! اما این یک عوام فریبی بیشتر نیست. هیچکدام از بزنامه های پنجم رویزیونیستیها به اهداف مورد نظر نرسیده است مثلاً در بزنامه هشتم شوروی (۷۰-۶۶) کشت و ریزی با عقب افتادگی ۷۶٪ و صنعت با عقب افتادگی ۷۰٪ روبرو بوده است. این شکاف عظیم میان طرح پیش بینی شده و آنچه که بدست آمده یا امر جزئی و اتفاقی است؟ نه هرگز! اگر شوروی هر ساله از آمریکا بگردد و از آمریکا بخرد و وجود بحران در اقتصاد شوروی است، بحرانی که نتیجه قوانینی چون قانون سود هر چه بیشتر و هرج و مرج در تولید میباشد. این امر ناشی از ماهیت اقتصاد سرما به داری امیریا لیستی شوروی و حاکمیت طبقه بورژوازی میباشد. حاکمیتی که برپا به سرکوب بیرحمانه و استثمار وحشیانه کارگران و دهقانان زحمتکش استوار است.

### در زمینه خارجی: سازش با امیریا لیسیم و سرکوب خلقها

شوروی امروز یک کشور امیریا لیستی است بورژوازی این کشور تنها طبقه کارگر و خلق های شوروی را مورد استثمار و استثمار قرار میدهد بلکه به لحاظ ماهیت توسعه طلبانه خود تا گزیر از تازجا و زوبه بند کشیدن خلقها میباشد. شوروی امروز مانند همه امیریا لیستیهای دیگر خواهان سهم بیشتری از غارت و چپا و ل جهان است و بنوی این منظور از یک سو به رقابت و سازش با امیریا لیسیم آمریکا دست میزند و از سوی دیگر خود مستقیماً و با به توسط مزدورانش به سرکوب جنبشها و انقلابات میپردازد. شوروی در همان



## رفیق شهید مالک عباسی: کمونیستی که در راه آگاهی و رهایی زحمتکشان جان داد.

**نام: مالک**      **شهرت: عباسی**  
**محل: زاگر**  
**هواد: آرزو زمان بهکار در راه آزادی طبقه کارگر**  
**شهادت: در برخواستن ترکش توپ در روز ۲۱/۲/۵۹ در اهواز شدت زخمی مفود.**  
**روزشهادت معلوم نیست.**

رفیق مالک با آموزش ما رکیسم لنینیسم و بهره‌گیری از تجربه کارگری خود همواره — پشتکار و خصوصیات کمونیستی و کارگری تا کبد میکرد. او پس از شنیدن خبر ترسیرا را رفیق احمد مودن میگفت: "رفقا، با شهادت هر رفیعی وظیفه کمونیستی ما سنگینتر میشود، ما باید به ارتجاع بفهمانیم که جای رفقا خالی نمیمانند".  
رفیق مالک پس از آغاز جنگ ارتجاعی با انرژی بیشتر و روحیه‌ای عالی به انجام وظایف تشکیلاتی پرداخت و شب‌روزی‌های توده‌های آسیب دیده میشتافت.

روز ۲۱ مهر ماه ۵۹، هنگامیکه رفیق کتاب منتخب آنا رلین را همراه داشت و برای مطالعه با تفیق رفیقی اعزام شده بود در اهواز با ست ترکش توپ‌های دورزن ارتجاعی عراق زخمی شد، رفیقش که در اثر ضربت گنج شده بود از نحوه انتقال رفیق مالک اطلاعاتی شما بدطبق اطلاعات بدست آمده، رفیق بعدا در بیمارستان لقمان الدوله تهران بستری شده و لی در تحقیقاتی که بعدا بعمل آمده خبری از او بدست نمی‌آید. احتمال قوی اینکه پس از ارتجاع از روی کتاب و مطالب سیاسی دیگری که همراه رفیق بود پی به کمونیست بودن رفیق برده‌وی را دزدیده باشند وجود دارد. از پدر رفیق نیز که برای ارتش بار مهمات حمل میکرده خبری نیست. این خانواده زحمتکش در اثر جنگ ارتجاعی کنونی مدممات زیادی دیده‌است.

ارتجاع از دادن جنازه رفیق کمونیست ما خودداری کرده‌است. رژیم ارتجاعی میبپند که خون سرخ کمونیست‌ها تحمکنه طبقاتی آنها علیه سرما به داران است و به همین خاطر نسبت به کمونیست‌ها شدیدترین دشمنیها میورز و نهایت بیرحمی طبقاتی خود را نشان میدهد.

رفیق پیکار و گروهیدما مالک عباسی کارگر آگاهی بود که راهی خود و طبقه‌اش را در پیوند با سوسا لیسیم علمی و مسلح شدن به جهان بینی تاریکس طبقه کارگر دیده و در جهت گسستن زنجیرهای ستم و استثمات طبقاتی پیکار کرد و قربانی جنگ ارتجاعی ای شد که دشمنان طبقاتی اش برای مکیدن او و هم‌زنجیرانش بر زحمتکشان ایران عراق تحمیل کرده‌اند.

ما زمان ما، یک رفیق صدیق و یک کمونیست پیکار کرد و دیگر کار در اثر جنگ ارتجاعی رژیم‌های ایران و عراق از دست داد.

رفیق شهید مالک عباسی، از فرزندان مبارز خلق عرب بوده که از کودکی با رنج و ستم آشنا شده بود. رفیق از ۱۱ سالگی به کارگری پرداخت چندین سال بعنوان کمک را ننده نزد پدرش کار میکرد و سپس در یک کارگاه فلزکاری مشغول کار شد و تا پایان زندگی کوتاه ولی پرشروعش در آنجا به کار ادامه میداد. رفیق شهید ما، بعلمت داشتن غفلت‌های مبارزه جویانه و محیط زندگی و کارش در جریان مبارزات پرشور توده‌ها — علیه رژیم منقروشاه و امپریالیسم در دوران قبل از قیام بهممن به صف شمر توده‌ها پیوست و بسا

کسب آگاهی سیاسی، در زمره هواداران ما زمان چریک‌های فدائیان خلق درآمد، اما رشد آگاهی کمونیستی رفیق، وی را به مرزبندی با مضمی مواضع آن سازمان کشانید. رفیق در اثر آشنائی و ارتباط سیاسی با رفقای پیکار و گروهیدما از آرزو پیوسته رفیق شهید احمد مودن، به صفوف هواداران ما زمان ما پیوست و تا لحظه شهادت با اعتقاد در اسخ — ما رکیسم — لنینیسم و عشق به آزادی طبقه کارگر به مبارزه ادامه میداد. رفیق در ماه‌های آخر زندگی در بخش محلات ما زمان فعالیت میکرد. رفیق مالک از فعالین جنبش کارگری بود و از اعضای هیئت موسس سندیکا فلزکاران اهواز شما رمیرفت. کارگران اهواز رفیق مالک را به خاطر مبارزات و رندگی‌های انشویی و اعلامیه برای آگاهی دادن بتوده‌های زحمتکش بهمیان آنان میرفت. رفیق کینه‌ای آشتی ناپذیر به سرما به داران داشت و آموزشهای کمونیسم را در مبارزه طبقاتی، در زندگی و فعالیتهایش بکار میگرفت. رفیق یکبار در محل کارش همراه تعدادی از همکارانش دست به اعتصاب زدند و سرانجام اما فحقوق درخواستی را از کارفرما گرفتند.

رفیق مالک پس از کار خسته‌کننده روزانه با روحیه‌ای سرشار از عشق و کینه طبقاتی بهمیان توده‌های زحمتکش در محلات کارگری و فقیرنشین میرفت و پذیر آگاهی میباید. رفیق در جریان سبل نال گذشته خوزستان بطور خستگی ناپذیر همراه با هم‌زمانش به یاری سوده‌های سبل زده‌شتافت

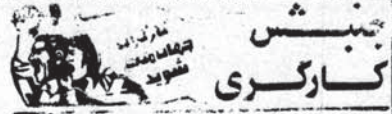
را بطه با مسائل امنیتی خلیج فارس "چیست؟ برزنف صحبت از تقسیم منطقه از طریق سازش میکند. امپریالیسم شوروی به آمریکا میگوید امروز افغانستان زیر سلطه کشور ما است و به همین خاطر آمریکا نباید در "موردا غلی" آن مداخله کند لیکن میتوان در سطح منطقه با به رسمیت شناختن سهم هر یک از تقسیم‌سرمینها — توافق جدیدی رسید. امپریالیسم شوروی — امپریالیسم آمریکا میگوید شما فتوادها را در افغانستان مسلح نکنید و واقعیت رژیم‌سز دور وابسته به مسکورا بپذیرید، اما در سطح منطقه و با بین المللی میتوان در باره امتیازات متقابل به توافق رسید: توافق در باره ایران! توافق در مورد پایگاه‌های جدید! توافق در مورد استقرار ناوگانها در آبهای خلیج و اقتباس هند! توافق در باره جنگ ایران و عراق! توافق در مورد پاکستان و بلوچستان شرقی! توافق در باره سلاح‌های استراتژیک! برزنف جا را برای همه این امکانات با زمی — گزاردا مورد بحث و مذاکره قرار گیرد، بشرطی که افغانستان همچنان در زیر سلطه امپریالیسم شوروی باقی بماند.

بدین ترتیب متوجه میشویم که اساس سیاست پیششهادی سوسال امپریالیسم در عرصه مسائل بین المللی، طرح تاکتیک سازش — های جدید با امپریالیسم آمریکا است. البته امپریالیسم هیچگاه از رقابت و تحت‌شوا بسط مضمینی از جنگ با یکدیگر با ندارند، آنها برای غارت جهان حاضرند میلیونها کارگر توده‌های تحت ستم را در آتش جنگ امپریالیسمی خمود بسوزانند، اما آنچه که حائز اهمیت است این است که شوروی با توجه به مشکلات عدیده‌ای که در دریا توجه به تناسب قوا در سطح بین‌المللی سیاست این دوره خود را برپا به تاکتیک سازش جدید با آمریکا قرار داده است البته شوروی بارها و بارها در گذشته به سازش با آمریکا دست زده است، لیکن در نقطه برزنف تاکتیک سازش بر — جنگی خاصی دارد، و بهرواضح است که این امر نافی سرکوب مسلحانه خلقها و تاجا و زبه کشورهای دیگر و با درگیریهای نظامی غیر مستقیم میسر شوروی و آمریکا نخواهد بود. نطق امپریالیسمی برزنف در کنگره ۲۶ یکبار دیگر ماضی است — کارانه شوروی را بنمایش گذاشته و بروشنی نشان میدهد که شوروی برای سرکوب بروتاریا و خلقهای جهان و غارت و جبا و ل سرزمینها — چگونه با امپریالیسمیهای دیگر دست به سازش میزند.



# درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق





## وحشت رژیم از اجتماع کارکنان پالایشگاه اصفهان!

از مدت‌ها قبل شرای فشی علییات برای رسیدگی بدنا بر سایر کارکنان که در عملکردش جهت پاسخگویی به خواستهای کارکنان و همچنین عملکرد مدیریتی و هر دو داشت دعوت به تشکیل مجمع عمومی کرده بود. اما عوامل رژیم (الحقن اسلامی، شورای اسلامی، مدیریت و استانداری) که از هر گونه تشکیل انقلابی کارکنان وحشت دارند اما با وجود این قرار شد روز ۴/۱۱/۵۹ این گردهمایی شکل شود.

وحشت رژیم از این گرد هم آیی نهدی بوده که شب قبل آن در تلویزیون اعلامیه‌ای از طرف استانداری خوانده می‌شود مبنی بر اینکه عده‌ای میخواهند توطئه کرده و در کارخانه تاجات اختلال نمایند! لذا هرگز نجمع را ممنوع اعلام نمیکند و "متخلفین" را تهدید به اجرای مقررات زمان جنگ در ساراه آنها، مسامحه، روبر جمع سرازاجانب مدیریت پالایشگاه اعلامیه‌ای تا همین محتوای مینود اما مزدوران رژیم بدین تهیه‌ها اکتفا نکرده و با وارد کردن نیروهای سرکوبگرشان بدخود پالایشگاه را محاصره مینمایند. این اعمال که نشانه عجز رژیم بود، باعث تحجب کارکنان شده بود. آنها بوضوح میدیدند که رژیم جمهوری اسلامی در محاصره مردم است. کارکنان پالایشگاه با سرمایه‌داری و استبداد سرکوب کوچکتوسن حرکت مبارزاتی کارکنان مسامحه، احتیاج بر- کارند، اما عملکرد شورای فشی علییات و نظرسامه‌ای که خواسته‌ها را ناکارآمد می‌داند، به رژیم و کونایه آمدن در سال اولیای عوامل آن بود. آنها هموزی سرده بودند که اعمال ضد کارگری عمال رژیم نظرسامه را... خدا از ما هیت طبقاتی رژیم... و مبارزات کارگران زمانی به نتیجه خواهد رسید که کل رژیم و سیستم سرمایه‌داری و استبداد را مورد ضربت خود قرار دهد. خواسته‌های جزئی که در این راه بدست می‌آیند، میبایست تنها عامل تندکننده حرکت کارگران بسمت جلو باشد. مبارزات پراکنده کارگران ایران مصافحت تحت رهبری کمونیست‌ها این پیشروان طبقه کارگر متشکل و مبارزانه‌ی شده، با سرخواری جمهوری دیکتاتور استبداد خلق، بسوی کمونیسم...

## به حمایت از ۲۲۵ کارگر اخراجی فرودگاه برخیزیم!

کارگران، زحمتکشان، هموطنان مبارز! بدینال میباران فرودگاه تبران متوسط رژیم ارتجاعی عراق، و ترمیم فرودگاه و از سر- برده شدن فعالیت اکثریت ما بعد از مدت کوتاهی، قسمتهای گسترنگ و رستوران همچنان تعطیل باقی ماندند کارکنان این قسمتها غیر- نهم تعطیل بودن محل کارشان هر روز سرکار خود حاضر شده و منتظر از سر گرفته شدن فعالیتشان در این قسمتها شدند. و در باره این موضوع نامه - های متعددی به مدیرعاملان ایران نگردی و جهان - گردی و مقامات رژیم جمهوری اسلامی نوشتند اما دولت جمهوری اسلامی در مقابل خواست کارگران مبنی بر از سر گرفته شدن کار، بشیرمانه حکم اخراج ۲۲۵ کارگر این قسمتها را پسندون کوچکترین توضیح و دلیلی صادر نموده است. کارگران مبارز اخراجی فرودگاه، در مقابل این حرکت ضد کارگری، ضمن محکوم ساختن آن خواهان رسیدگی به خواسته‌هایشان و جلوگیری از بیکار شدن کارگرانی که هر یک ۷ سرعانه دارند شده‌اند

### کارگران مبارز

ساستهای ضد کارگری و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی روز بروز گسترش بیشتری می- یابد. رژیم جمهوری اسلامی که حافظ منافع سرمایه‌داری و دشمن کارگران و زحمتکشان است، همه روزها سرکوب مبارزات کارگران، دستگیری نمایندگان مبارز کارگران، و اخراج - های تودی و دسته جمعی کارگران، لغو سود ویژه، افزایش ساعات کار، افزایش مالیات و... ضدیت خود را با کارگران نشان میدهد. همین هفته قبل بود که رژیم با قطع عیندی

کارکنان شرکت واحد و اعمال فشارهای گوناگون بر آنها شرایط زندگی را بر آنان سنگین نمود. کارکنان اخراجی فرودگاه باید بدانند رژیم جمهوری اسلامی، با نظیر کردن زمانه در سال گذشته روحیات، دو سال فترت برای نوده - ها، دو سال بازسازی سیستم سرمایه‌داری و ایسه و سازش با سرمایه‌داری، سال ۵۹، دشمن کارکنان و زحمتکشان بود و ما استفاده‌خواهی از مقامات و مسئولان رژیم، راه بدجاشی نخواهد بود. کارکنان باید بکوشند با جلب حمایت کارکنان سایر قسمت‌ها و با رساندن فریاد حق - طلبانه‌شان به گوش سایر کارکنان و زحمتکشان و مردم سراسر، خواسته‌های سرخشان را سر دولت ضد کارگری تحمیل نمایند!

### توده‌های مبارز!

متحدان باخاسته و به حمایت از کارکنان اخراجی فرودگاه برخیزیم و توطئه‌های رژیم جمهوری اسلامی و دشمنی آنان با زحمتکشان را افشاکنیم و صدای اعتراض خود را به اخراج کارکنان فرودگاه هر چه رساتر بکنیم و خواهان بازگشت آنان به سرکار خویش شویم!

سرور باد مبارزات حق طلبانه کارکنان و زحمتکشان سازمان بیکار در در راه آزادی طبقه کارگر  
۵۹/۱۲/۱۲ ★★

### اخبار کوتاه:

**شیراز:** اخبار سه ۳۰۰ نفر از کارکنان مناطق حکمرده که برای کار به نیروی متنی سراز رسیده شده‌اند، گفته شده که ۱۲/۵ درصد از حقونان کم خواهد شد که طبعاً روی سرمایه‌های کارکنان نظیر اما فکارتی، حق کارکا هی و... سائرخوهد گذاشت. همچنین حق باز نسکی این کارکنان کاهش خواهد یافت. این اقدامات ضد کارگری سائنگردا مه "خیروسکات" حکم برای کارکنان



# فان، مسکن، آزادی





## جنبش کارگری

### فیبربالیس

در ارفنا رگا رگان بالاخره دگا انقلاب که کنترل این کارخانه را بعهده دارد، مخپورشد اجازت ورود مواد اولیه به کارخانه را بدهندو بدین ترتیب کارخانه از روز ۱۱/۲۵ شروع بکار میکند. کارگران علاوه برکسب این موفقیت که مانع بیکاریشان میشد، بکسری خواسته های رفاهی از قبیل: حق لباس ۱۰۰۰ تومان درسال ایاب و ذهاب ۲۰۰ تومان و ۵۰ عدد فیبربالنه مطرح میکنند و موفق میشوند بخشی از این خواسته ها را برای اتمام گرفته و تمامی آنها را برای سال آینده بتمویب برسانند.

### اعتصاب کارگران "ایران الکتریک" بخاطر سود ویژه!

روز ۱۱/۲۴ کارگران کارخانه ایران الکتریک گیلان بعنوان اعتراض به لغو قانون سود ویژه که در واقع بخشی از دستمزد کارگران را لغو میکند، بمدت ۲ روز اعتصاب میکنند. کارگران میگفتند: تولید سال بیشتر بوده و باید مبلغ بیشتری برای سود ویژه بگیریم. اما انجمن اسلامی کارخانه از وحشت مبارزه کارگران بدست و پا افتاده ورشکس هیات پاکسازی (این ما مسئل سرگوبیگرمز دور را که تاکنون کارگران مبارز بسیاری را از کارخانه نجات گیلان اخراج کرده است) را به کارخانه میاورند.

این عنصر مکارگر و پهن چهره جهت برای کارگران اعتمادی، بنا به ما هیت طبقا تیش قبل از هر چیز بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیستها، که پیگیرترین دشمنان سرمایه داران هستند، لجم - پراکنی میکنند و آنگاه کارگران را اغفال شده توسط کمونیستها خوانده و دست آخریها نه همیشه بوده نداشتن دولت و شرایط جنگی را آورده و از کارگران میخواهد که بنبغ سرمایه - داران و رژیمها میثان، از حقوق نا چیز خود نیز بگذرند!

سراجام این "حجت الاسلام" مزدور، کارگران را به سرکوب تهدید میکند. در این میان سایر نیروهای فدکا و رگرنظر انجمن اسلامی، توده آنها و اکثریتی های خاش نیز متحد بر علیه کارگران به توطئه چینی پرداخته و با مبارزه: اعتمادی آنها مخالفت میکنند.

در چنین شرایطی تنها راه بنده نتیجه رسیدن مبارزات کارگران متحد و متشکل شدن در یک

### بقیه از صفحه ۳ چگونه...

حقوق خود برسد و در کل جامعه نیز بدون سازمان و حزب سیاسی خود قادر به مبارزه نخواهند بود. اکنون یکماه بیشتر به عید نمانده است گرانی و کمبود اجناس بیشتر از همه ما کارگران را لای برس گذاشته و خرد میکند. مبارزات کارگسران پارس الکتریک، کفش ملی، ترانس بیک، مینو و... همه نشان دهنده این است که ما کارگران در یک موقعیت حساس هستیم. برای اینکه بتوانیم بر علیه حقوق پامال شده خود مبارزه کنیم باید متحد و یکپارچه شویم ولی چگونه میتوانیم این کار را بکنیم.

قبل از هر چیزی باید نگاهای به مبارزات پارسال در رابطه با سود ویژه ببیند. پارسال در کارخانه نجات مینو، عیندی، داروبخش و بسیاری از کارخانه نجات به مبارزات با شکوهی دست زده شد، ولی از درون این مبارزات به جوجه تشکل های واقعی کارگری بنیرون نیامد. بهترین تشکل - های واقعی کارگری اذ دل مبارزات کارگری بیرون میاید. و این بزرگترین ضعف مبارزات پارسال بود. در گیلان کارگران آنجا در ایجاد تشکیلات موفقیت بیشتری داشتند. آنها نتوانستند با تشکل اتحادیه شوراهای گیلان، بیست هزار کارگر را برای گرفتن سود ویژه متحد سازند و این نمونه درخشانی از مبارزات کارگری بود.

اکنون وضع کارخانه نجات از نظر تشکیلات کارگری چگونه است؟

در اکثر کارخانه نجات با شوراهای قلابی و فرمایشی برسروکار هستند، و با انجمن های اسلامی این چشم و گوش حزب جمهوری اسلامی قدرت نیائی میکنند که سعی دارند جلومبارزات ما را سد کنند. مبارزه کارگران پارس الکتریک نشان میدهد که چگونه شوراهای قلابی و انجمن های اسلامی از تمام حقه ها و کلک ها استفاده میکنند تا راهمان را ببندند. اکنون زمان آن است که این تشکیلات - های فرمایشی را نا بودکنیم و شوراهای تشکیلات - های واقعی کارگری خودمان را ایجاد کنیم.

در پیش بردن مبارزه برای گرفتن سود ویژه که الان خواست اصلی و فوری ما را تشکیل میدهد و برای همه کارگران کارخانه نجات ایران است در جاهائی که تشکیلات واقعی وجود ندارد باید کمیته ای مرکب از مبارزترین و آگاهترین کارگران کارخانه تشکیل داد. کارگراتی که نشان داده اند هیچگاه سازش پذیر نبوده و حاضر به فداکاری و از جان گذشتگی برای همزنجیران - شان نمیشوند. این کمیته ها هنگامی مبارزه (در جاهائی که شوراهائی واقعی وجود دارد همان

شورای واقعی و برقراری هماهنگی و اتحاد با مبارکان کارخانه نجات میباشد.

تا زمانیکه ۳۵% به دستمزد ها افزوده نشده سود ویژه پرداخت با سددگردد!

شورای واقعی) دارای چندولیفه مهم است:  
۱- رهبری مبارزات کارگران را برای سود ویژه بعهده گیرد و بدینجا در هر چه بیشتر کارگران کارخانه کمک نموده و مبارزاتشان را هماهنگ کند و از طریق تشکیلات مجمع عمومی ها و اعلامیه - های تبلیغی و... و فکر بر سر روش مبارزه و نظرخواهی از کارگران و... مبارزه را به جریان درست بیندازد.

۲- با تشکیلاتهای واقعی سایر کارخانه نجات تماس برقرار کند و سعی کند که مبارزات کارخانه - های مختلف را هماهنگ کند. در مرحله کنونی از مبارزات طبقه کارگر که مسئله سود ویژه مطرح است ارتباط گرفتن با تشکل های واقعی سایر کارخانه نجات از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. زیرا سود ویژه مسئله همه کارخانه ها است. تنها وقتی میتوان از پیروزی در این مبارزه حرف زد که مبارزات کارگران کارخانه های مختلف را بتوانیم متحد و هماهنگ و متشکل گردانیم. در غیر اینصورت اگر چه ممکن است در چند کارخانه محدود بتوانیم مبارزاتمان را همسان حقمان را بگیریم، ولی نخواهیم توانست قانون جدید سود ویژه را که در رابطه با طبقه کارگران ایران وضع شده است ملغی کنیم.

۳- در طول مبارزه با سازماندهی کارگران جلوی خرابکاری عمال کارفرما را گرفته و از کارخانه حفاظت بعمل آورند.

۴- و بالاخره مهمترین راه مبارزات برای تشکیل یک شورای واقعی در کارخانه را تدارک ببینند.

در این مبارزات مشخص یکماه هر چند که گرفتن خواسته ها برای ما اهمیت زیادی دارد ولی آنچه که بسیار مهمتر است اتحادها و تشکیلات ما است. چرا که چندتومان پول گرفته شده تا زمانی که نظر ما سرمایه داری وجود دارد مبارزات مبارزه از دست ما پس گرفته میشود اگر ما در این مبارزه برای گرفتن سود ویژه بتوانیم شوراهای واقعی خودمان را تشکیل دهیم، در واقع بر روی پای خود میایستیم. اگر بتوانیم اتحادیه های واقعی کارگری خودمان را ایجاد کنیم و سایر همزنجیران خود متحد شویم در واقع قدم بزرگی به جلو برداشته ایم و توانسته ایم سلاحمان را در مبارزه بر علیه سرمایه داری تیزتر کنیم. باید بدانیم که هر کارگری با بدامبارزات گذشته اش درس بگیرد و بداند که:

کارگران متحد و با تشکیلات همه چیزاند کارگران متفرق و بی تشکیلات هیچ چیز

پس:

پیش سوی تشکل شوراهای واقعی کارگری  
پیش سوی تشکل اتحادیه های واقعی کارگری  
هر چه مستحکم تر با اتحاد کارگران ایران  
بمنقل از ویژه نامه مبارزات کارگری در باره سود ویژه - سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کمیته تهران. شماره ۱۰



در باره سکتا ریسیم

برخی از رفقا ضمن طرح سؤالاتی در مورد مفهوم "سکتا ریسیم" و اینکه آیا ادعای سرخسی نیروها در مورد گراشات "سکتا ریسیم" ما زمان محبت دارد یا نه، از ما خواسته اند در این باره توضیحاتی بدهیم:

رفقا! قبل از بررسی صحت و سقم اینگونه ادعاها، بهتر است مفهوم و پیشینه سکتا ریسیم را بطور مفصل بررسی نماییم. سکتا ریسیم یا فرقه گراشچی و گروه گراشی که از نقطه نظر لغوی، از واژه "سکت" به معنی فرقه ناشی میشود، میان آنحرافی دردیگا هبسا و عنکردهای افراد و سبزه‌هاست که ریشه آنرا باید در وصیت دینی و طهارت آمان جستجو نمود.

سید اشمیکم که پرولتاریا تنها طبقه‌ای است که در سطح جهانی دارای منافع واحد طبقه‌ای بوده و هیچگونه مرزهای مطلق گراشی (لوتکا لیسیم) ملی گرایشی (ناسیونالیسم) و فرقه‌گرایشی (سکتا ریسیم) و... این منافع طبقه‌ای را نمی‌تواند و نباید محدود سازد، منافعی که در عین حال در برگیرنده منافع تمام طبقات است شمار شونده‌ها را نیز فراخود می‌پوشد. اما در مقام بسط پرولتاریا، تمام طبقات و اقشار دیگر قرار دارند.

که به اندازه‌ای مختلف در بند منافع گروهی خویش هستند. مثلا، پرولتاریا که به خاطر منافع عینیتی سرمایه داری مصروف است که با جناح‌های مختلف طبقه خود در یک کشور و همچنین با پرولتاریای دیگر کشورهای دیگر برای سود بیشتر به رقابت بپردازد. "خود غرض" است. و یا هر چه پرولتاریا که برای دفاع از منافع حقیر خود در برابر سرمایه بزرگ شدید دارای خطت گروه‌گراشی و خودگراشی است. اما علیرغم اینکه پرولتاریا از لحاظ پایبندی طبقه‌ای است، آیدنولوژیک خود طبقه‌ای مبراز از گروه‌گرایشی است. بفاظطاً شیرو پیری از آنها جماعت آیدنو-لوتیک-سیاسی و اقتصادی پرولتاریا و اینکه تحت هاکمیت انحطاط آور و زندقی میکنند، بناچار روبرو با جماعت مختلفی به شوا ماب غیبر پرولتاریا نظیر سکتا ریسیم و... آلوده میگردد.

روشن است که در شرایط فقدان حزب پرولتاریا در زمانی که جنبش کمونیستی فاقه و حسدت آیدنولوژیک-سیاسی و تشکیلاتی است، آنحراف سکتا ریسیم و گروه‌گرایشی نیز خود را نشان خواهد داد. این، عصب نیست. (۱)

اما برای اینکه دید روشن تری نسبت به سکتا ریسیم داشته باشیم، نگاهی به جنبش کمونیستی ایران کمک فراوانی میکند. در گذشته جنبش کمونیستی ایران دچار امپورتونیسم "چپ" یعنی گوانتوریسیم بود. در نتیجه این

(۱) - روشن است که آنحرافات دیگری نظیر امپورتونیسم، پرویزونیسم، ترولتیکسیم و... بنا بر این آنحراف پیوسته فقط با ناپذیری دارند.



انحراف، روشنفکران جدا از توده خود را نماینده پرولتاریا می‌دانستند، بجای آگاه نمودن و سازماندهی توده‌ها و در رأس آنها طبقه کارگر در مقابل بورژوازی و امپریالیسم، فقط ترفه معدود و کوچک خود را میدیدند و سکتا ریسیم بعنوان یکی از تئپلورات این انحراف اساسی خود را بد شکل نشان دادن بزجم‌فدایی بجای پرچم کمونیسم، معادل گرفتن یک تشکیلات معدود روشنفکری با تشکیلات سراسری و واحد طبقه کارگر و... نشان میداد و هنوز هم چنین افکاری در سازمان‌ها همان جریانات (فداشیمان اقلیت) خود را بد نمایش میگذارد.

پس از قیام، متقابلا و به میزان زیاد گراشات راست روانه و انحلال طلبانه رواج یافت که تبلور مشخص خود را در کنفرانس وحدت پرور داد. بنا بر این تنها دیگر هرگونه تسلیع سرنام و مضمی سازمان‌های گروهی و با فشاری بر اصول تحت عنوان سکتا ریسیم کوبیده میشد و هر شیرویی (تعلیل و بهیتر از همه سازمان ما) که به بخراست بد چنین ترفه‌های انحلال طلبانه‌ای که در صدد تریاسی نبودن اصول بود اعتناء نکند، سکتا ریسیم و ضرورت خود را ندیده میشد. و فاداعیسن کنفرانس وحدت و تشکیلات دوران گذار را با بد در زیره ایشان قرار داد. ضومت دیگر آنها ما است که از سوی طرفداران تزار فکلافی دانشجویمان مبارز "به سازمان ما وارد میشدند تا درستی آن را با رفا و با رها در اسناد سازمانی (را) شده‌اند.

ایم و تجربه این دو ساله نیز میبایست تا درستی این تزار برای بسیاری از گروه‌های طرفدار آن روشن ساخته باشد. بیخورد سازمان چپه‌مشی چریکی و چپه‌کنفرانس وحدت و تشکیلات دوران گذار نشان دهنده اینست که روند عمومی و حرکت کلی سازمان به چنین شائبه غیر پرولتاریا آلوده نبوده است.

رابط لازم است تمیز از اینکه نه طوا هرامر و برچسب‌هایی که امروزه زده میشد توجه نماید به عمق ترفه‌های که در پشت این "ایک" ها نهفته است. و بی‌شک به ما بتدنا ریخی و عملگره فعلی این شیروها توجه نماید و شجره حد اقل دو ساله اخیر را در نظر آورند. فقط پس از این هفت است که می‌تواند بر خوردی اصولی و بی غرضانه نسبت به ضعف‌های سازمان داشت.

● مادر عزیزمان سیمیا، طی یک نامه از اینکه دختر بزرگش که از هواداران سازمان است، به مسائل و مشکلات خانواده توجه نمی‌کند و متاسفانه مجبور از نظر ما زودتر به خانه شمعاید، بر او نشان

رغاییتی کرده است. ما درمان نوشته است که اعمال دختر بیگانه ریش موجب ایجاد جو سکتا کمونیستی در میان فامیل شده است و همه به معذاق مشت نمونه خروار! با کمونیست‌ها مخالفت میکنند. این ما درمان خواسته است بدانند آیا اعمال دخترش مورد تأیید ما است یا نه.

● مادر عزیز: کمونیست‌ها به هر مسئله‌ای طبقه‌ای برخورد کرده و از موضع طبقه کارگر حرکت میکنند. از اینرو برخورد رفا در رابطه با خانواده‌ها نشان (اگر در صفوف خلق قرار داشته باشد) با بدبا توجه به مسئله فوق و منطبق بر اخلاق کمونیستی باشد. ما با رها در همین صفحه به رفا‌های "چپ" روانه نسبت به خانواده‌ها داشته و هیچگونه حساب مسئولیتی نسبت به خانواده‌ها زحمتکش خود ندانسته

اند، برخورد کرده و ضرورت برخوردی آگاهانه گرانه توام با مناسبت کمونیستی را برای این رفا توصیح داده ایم در اینجا هم از دختر بیگانه گر شما متیخواهیم که همواره سعی کند با تجزیه و تحلیل درست مسائل، در اینگونه موارد نقیص عنصر آگاه (ونه برخورد از بالا) را بازی کند. فراموش نباید کرد که خانواده‌های زحمتکش ما نیز در صفوف خلقند و چگونگی برخورد ما به آنها غالباً معیار رفا و نشان در مورد کمونیست‌ها خواهد بود. بنا بر این باید نسبت به این مسئله و تا شیری که در محیط زندگی خود با ما میگذارد، بسیار مسئولانه برخورد کنیم.

● و اما ما درگرمی، از تونیوا انتظار داریم که اولاً شرایط سنی و روحی دخترت را در نظر گرفته و با ریش شما بی که مشکلات را حل کند. تا نسبتاً تونه تهنانماید جلوی آگاه شدن دختر کوچکتر را بگیرد، بلکه میبایست با نزدیکتر شدن هر چه بیشتر با دختران مبارز و یکمک یکدیگر برحو ضد کمونیستی حاکم بر فامیل غلبه کند و اگر همه منظور که در نامه‌ها نوشته بودی طرفدار کمونیست‌ها هستی، میبایست سهم خود در تبلیغ آن بکوشی و در ضمن آگاهی‌های خوین را نیز دانشما افزایش دهی.

● به امید موفقیت و پیروزی!

● ما بر رفا‌هایی که برای ما نامه نوشتند: ۴۰۴، ۴۰۳، ۴۰۲، ۴۰۱، ۴۰۰، ۳۹۹، ۳۹۸، ۳۹۷، ۳۹۶، ۳۹۵، ۳۹۴، ۳۹۳، ۳۹۲، ۳۹۱، ۳۹۰، ۳۸۹، ۳۸۸، ۳۸۷، ۳۸۶، ۳۸۵، ۳۸۴، ۳۸۳، ۳۸۲، ۳۸۱، ۳۸۰، ۳۷۹، ۳۷۸، ۳۷۷، ۳۷۶، ۳۷۵، ۳۷۴، ۳۷۳، ۳۷۲، ۳۷۱، ۳۷۰، ۳۶۹، ۳۶۸، ۳۶۷، ۳۶۶، ۳۶۵، ۳۶۴، ۳۶۳، ۳۶۲، ۳۶۱، ۳۶۰، ۳۵۹، ۳۵۸، ۳۵۷، ۳۵۶، ۳۵۵، ۳۵۴، ۳۵۳، ۳۵۲، ۳۵۱، ۳۵۰، ۳۴۹، ۳۴۸، ۳۴۷، ۳۴۶، ۳۴۵، ۳۴۴، ۳۴۳، ۳۴۲، ۳۴۱، ۳۴۰، ۳۳۹، ۳۳۸، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۵، ۳۳۴، ۳۳۳، ۳۳۲، ۳۳۱، ۳۳۰، ۳۲۹، ۳۲۸، ۳۲۷، ۳۲۶، ۳۲۵، ۳۲۴، ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۲۱، ۳۲۰، ۳۱۹، ۳۱۸، ۳۱۷، ۳۱۶، ۳۱۵، ۳۱۴، ۳۱۳، ۳۱۲، ۳۱۱، ۳۱۰، ۳۰۹، ۳۰۸، ۳۰۷، ۳۰۶، ۳۰۵، ۳۰۴، ۳۰۳، ۳۰۲، ۳۰۱، ۳۰۰، ۲۹۹، ۲۹۸، ۲۹۷، ۲۹۶، ۲۹۵، ۲۹۴، ۲۹۳، ۲۹۲، ۲۹۱، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۸۶، ۲۸۵، ۲۸۴، ۲۸۳، ۲۸۲، ۲۸۱، ۲۸۰، ۲۷۹، ۲۷۸، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۷۲، ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۶۵، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۶۰، ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۵۶، ۲۵۵، ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۵۱، ۲۵۰، ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۴۶، ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۴۳، ۲۴۲، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۲۱، ۲۲۰، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۱، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۵، ۲۰۴، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۴، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱، ۰.

● مادر عزیزمان سیمیا، طی یک نامه از اینکه دختر بزرگش که از هواداران سازمان است، به مسائل و مشکلات خانواده توجه نمی‌کند و متاسفانه مجبور از نظر ما زودتر به خانه شمعاید، بر او نشان



دوست کوچکمان "آنا هیتا" طی نامه ای بسیرای سازمان نوشته است:

"سلام: من دلم میخواهد در راه هیما شیی کمونیستها شرکت کنم، ولی هر چه به خواهران و برادران خود میگویم هیچ کس مرا به راه هیما شیی ها و جاهای فعالیت کمونیستها... نمی آورد سازمان پیکار از شما عطا می کند کاری کنید که من هم در فعالیتها شرکت کنم. برای من مهم نیست که مرا بگیرند و یا زخمی کنند و یا بکشند. برای من مهم اینست که اگر من هم کشته شوم برای مردم آینده حکومت کاری باشد. من تا میتوانم تا آخرین قطره خونم را برای زحمتکشان قدامتکشم، آنا هیتا دوم دبستان"

رفیق عزیز! نامه تو که در آن روحیه مبارزاتی و نزدیکی به کمونیستها موج میزند، نشانگر رشد و نفوذ کمونیستهاست آری امروزه رشد مبارزه طبقاتی در جامعه ما به چنان درجه ای رسیده است که همه نیروهای اجتماعی حتی کودکان را وارد ارابه موضعگیری میکند. ما نمی دانیم که خواهران و برادران تو کمونیست هستند یا نه. اگر بودند که حتما میبایست تورا نیز بسا فعالیت های گوناگون کمونیستها آشنا کنند و به تظاهرات، بحث های خیابانی، سرکساط کتابفروشی ها و... ببرند اگر منبانشند تو باید از دوستان بزرگتر کمک بگیری!

رفیق کارگر از "و" ساعتی را که در حین تظاهرات پیدا کرده بودی رسید، ولی متأسفانه به علت عدم مکانات نمی توانیم آنرا بدست ما حبش برسانیم. موفق باشی!

رفقای "هسته ثلاث" یادنا ما را لیتان رسید و در دست تکمیل جهت انتشار است. ضمن تشکر از این اقدام مبارز، برایتان موفقیت آرزو میکنیم.

رفیق زر - از تهران تا مهات رسید و نامه تو را به رفیق مورد نظرت رسانده ایم و از وی خواسته ایم که تورا ببیند.

بقیه از صفحه ۱۴

**روزمندگان**

روزیونیستی پیش دارد (کمرنگ بنما بنما) آنگاه با بدگفت رفقا قدرخواهند بود، صوف خویشتن را کمالا از اندیشه ها و پیرایه های غیر - پروتستی بزدا پند و آنگاه باید علامت داشت که خفیه اپورتونیستها نه از زوا و به ای ما رکبستی بلکه از زوا و به ای ما نتربستی مورت گرفته است که اگر چه با تصفیه قاطع مکانیکی اپورتونیستها توام بوده اما مصلحت گرایی و آشتی طلبی مانع از آن گشت که تصفیه قاطعی در عرصه اندیشه و ایدئولوژی با اپورتونیسم صورت گیرد.

جریان انقلابی موجود در روزمندگان که با مقاومت در مقابل اپورتونیستها و اخراج آنها

بقیه از صفحه ۱۶

**مصاحبه**

ابزار و آلات جنگی را در گوشه ای جمع میکنند و آنها را به نمایش میگذارند.

- برای انجام مصاحبه در مناطق جنگی، همیشه تدارکاتی انجام میگیرند که جواب دلخواه گرفته شود. از جمله این تدارکات، انتخاب نفراتی از قبل با شناسائی کامل برای مصاحبه توجیهی، مصاحبه شوندگان که در پاسخ سوالات مشخص جوابهای از پیش آماده شده ای بدهند. در مواردی اینکار توسط فرماندهان نظامی انجام می - پذیرد و یا اینکار را با انجام مصاحبه با فرماندهان در بین پرسنل انجام میدهد تا پرسنل بدانند که چه چیزی را باید بگویند.

با تمام دلگشا ریهها، باز هم اگر کسی جواب دلخواه رژیم را ندهد به خط اول جبهه فرستاده میشود تا دیگران متوجه شوند که چه باید بگویند و به اصطلاح درس عبرت بگیرند.

به نقل از ۲۲ بهمن (شماره ۱) نشریه کارکنان مبارزان دیوتلوپوزیون.

بقیه از صفحه ۱۱

**زنده باد**

**خلق مبارز!**

**کارگران و زحمتکشان انقلابی!**

در شرایطی که پیکار کارگران قهرمان و سایر انقلابیون کمونیست تحت سخت ترین شرایط و با دادن صدها شهید و زندانی در سراسر ایران مشغول مبارزه اند و در شرایطی که توهم توده ها هر روز و هر روز نسبت به جریانهای ضد انقلابی فرو میریزد، بالاخره در چنین شرایطی که بطرز چشمگیری توهم زحمتکشان کردستان نیز نسبت به حزب دمکرات فرو میریزد، "حزب" از ترس انقلاب مبارزین را به شهادت میرساند و توهمت پیگرد و شکنجه قرار میدهد و در واقع با تضعیف جنبش مقاومت خلق کرد و انقلاب دمکراتیک ایران میشود.

با تمام قوا بگوئیم که از دامهای سیاست های حزب دمکرات جلوگیری نمائیم. تنها و تنها دست توانای کارگران و زحمتکشان و اتحاد انقلابی آنان قادر به جلوگیری از اینگونه سیاستها است.

درد و برشدهای به خون غخته خلق! ننگ و شرفرت بر رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی و توطئه های ضد انقلاب علیه نیروهای انقلابی!

هر چه گسترده تر با دهبوند مبارزانی خلق کرد با مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران!

برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق!

۵۹/۱۲/۹

سازمان روزمندگان آزادی طبقه کارگر - کردستان

و تصحیح بسیاری از مواضع پیشین نشان داد که از پتانسیل انقلابی کمونیستی برخوردار است خود نوی بدبخشان است که رفقا راه اول را در پیش گیرند.

بقیه از صفحه ۱۵

**گلوله**

وقتی میتوانیم سود ویژه در خواستی خودمان را بگیریم که متحد باشیم، ما با بیستی صدای حق - طلبانه خود را به گوش همه کارگران شرکتها و کارخانه های دیگر برسانیم. تا آنها هم مبارزه بحق ما پشتیبانی نمایند. مبارزه ما باید بطوری باشد که هر چه بیشتر ما را متحد کند. ما با بیستی با راهیما شیی سراسری خود تمسک کارگران را یکمدا کنیم تا فریاد مبارزه جویانه و افشاگرانه کارگران متحدیست طبقه سرمایه دار را ببلرزاند!

مرگ بر طبقه سرمایه دار روحا میان آنها! سود ویژه مورد درخواست ما پرداخت باید گردد!

نماینده زندانی آزادی باید گردد!

با سدارحای سرمایه دار را زکا رخنه اخراج باید گردد!

پیکار کارگران کفش سازی

۱۳۵۹/۱۲/۱۵

★★★

بقیه از صفحه ۸

**جنایتی**

و مبارزه مان بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی با ز دارد. و این وحشیگری تنها رسوایی افشای هر چه بیشتر جزیرا بدنیال خواهد داشت مردمیکه نسبت به حزب توهم دارند اکنون دیگر در میابند که حزب دمکرات بیش از آنکه دشمنی و مبارزه اش با رژیم جمهوری اسلامی باشد با نیروهای انقلابی است و به همین دلیل مرتباً به رژیم پیشنهاد مذاکره میدهد اما به نیروهای انقلابی اعلان جنگ میدهد.

مانیکار دیگر با امرا روتا کید بر نظرات و مبارزات - مان علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی هر گونه تعرض و تهاجم علیه نیروهای انقلابی و از جمله حمله وحشیانه در پیروا فراد صلح حزب دمکرات را به مقبره زمان پیکار در بوکان قاطعانه محکوم نموده و خواهان اجرای موارد زیر میباشیم:

الف - تحویل فوری جنازه شهدایمان.

ب - رابطه با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی هم ندیده ایم.

ج - آزادی رفقای دربند که اکنون بعنوان زندانیان سیاسی انقلابی در زندان حزب دمکرات بسر میبرند.

د - آزادی اموال سازمانی که جزوا سوال زحمتکشان و طبقه کارگران است.

ه - هر چه رسوا تر با توطئه های ضد انقلابی و خائسانه حزب دمکرات بر علیه نیروهای مترقی هر چه فشرده تر با صفوف زحمتکشان و نیروهای انقلابی برتوان با جنبش مقاومت خلق کرد

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
کمیته کردستان  
۱۳۵۹/۱۲/۸



بسمه از صفحه ۲

داد. حزب دمکرات که پس از یک دوره تلاش غا ثنا نه برای بسازش کثاندن جنبش خلق کرد، از طریق سازش با محافل حکومتی، بدلیل سرخستی جناح حزب جمهوری، به بن بست رسیده بود، به تکتیک گسترش درگیری خود با رژیم روی آورد و کوشید تا از این طریق، اورا بسای سازش براساس خواستها و تمایلات فدا انقلابی خویش، و در واقع شکست جنبش انقلابی کردستان بکشاند. حزب اکتون مترعد آن است که به شکل ممکن، با استفاده از تاکتیکهای مختلف، توجه محافل حکومتی بویو لیبرالها را بسمت خویش جلب نماید و به پسی این سازش تاریخی برود.

درواقع پس از انشعاب رویزونیستی درون حزب و یکپارچگی ایدئولوژیک و سیاسی بیشتر در دستگاه رهبری آن و به موازات مستگیری سیاسی حزب در عرصه روابط خارجی بسمت محافل غربی، در عرصه روابط داخلی با احزاب و محافل حکومتی نیز هر چند بشکل تلویحی و ضمنی، جانب لیبرالها را می گیرد، ولیبرالها نیز متقابلا تمایلانی ضمنی بسمت سازش با حزب از خود نشان میدهند. ممانعها غیرقاسلوبا لومونده که در آن آشکارا از بسنی مدد دفاع میکند و اورا متمایل به "حل" مسئله کردستان جلوه گرمیسا زد، مذاکرات مدتی پیش میان نما بیندگان حزب و بسنی مدرک در ستون "پادداشتهای رئیس جمهور" در روزنامه انقلاب اسلامی "منعکس شد و این امر محالفت و جاور و جنجال زیادی را از جانب حزب جمهوری برانگیخت، حمله چند روز گذشته یکی از نمایندگان "حزبی" مجلس به بسنی مدد و ارتش و متهم کردن آنها به ایجاد دیک کودتا، تحت حمایت حزب دمکرات و ..... نمونه های از این مستگیری متقابل میان حزب و لیبرالهاست. حمایت تلویحی و تالیف با رما هدین از حزب دمکرات در محاصبه ای با قاسلو، با توجه به مستگیری سیاسی مجاهدین بسوی لیبرالها نیز خود جلوه ای دیگر از این مستگیری حزب و قطب بندی جدید در میان نیروهای سیاسی است.

این سیاستها و حرکات حزب دمکرات که اکنون در همه عرصه ها بطور یکدست خود را بنمایش میگذارد، بروشنی میتوان دخملت ناسیونالیسم گنندیده و فدا انقلابی و ما هیت بورژوا - فدا انقلابی آنرا در عرصه مبارزه ملی و طبقاتی در کردستان و کل ایران، نمایان سازد. حرکت حزب دمکرات در همین مدت کوتاه، علیرغم هرگونه ضدیتی بسا رژیم جمهوری اسلامی، هیچ نشانی از هرگونه عنصر ترقی خواهی در حزب باقی نمیگذارد و جا بجا و اقمی آن را در جبهه فدا انقلاب بخوبی نشان میدهد. پراگما تبسم بورژواشی حزب دمکرات که هر روز اورا به آغوش یکی از محافل قطبهای فدا انقلابی در کشور و در سطح منطقه میکشاند، بروشنی نشان میدهد که حزب دمکرات متکی بر جنبش خلق گردنیده و جا بجا هی در این جنبش نمیتواند انداخته باشد. او نماینده ناسیونالیسم میان تھی و گنندیده بورژوازی ضعیف البسینه ای

است که با از میان رفته است و با در سبستم سرما به داری و وابسته ایران مستحیل گشته و بدان پیوند خورده است. تنها زمان میخواست تا جوهر فدا انقلابی این ناسیونالیسم گنندیده و خالی از هرگونه عنصر ترقی خواهی، در جلو دیدگان پراگما تبستی کما نیکه تحلیل از حزب را برپا به حامل جمع مکاشنکی نمودهای حرکت حزب، استوار میکردند و بدان غمخت ترقیسی - خواهانه می بخشیدند، عربیان و آشکارا زد.

بدین ترتیب هم جریان عمومی رشد مبارزه طبقاتی در کردستان و هم برنوشت آئینده (نزدیک یا دور) تفادهای درونی ارتجاع حاکم، تا شسر مستقیم و بسوی واسطه ای در حرکت حزب دمکرات در کردستان دارد. تا آنجا که به شرایط عینی مبارزه توده ها بازمیگردد، تعمیق بیشتر غمخت طبقاتی مبارزه خلق کرد، حزب دمکرات را هر چه بیشتر در سراشیب انفرادی زیکسو تشدید حرکات فدا انقلابی و مخرب آن در برابر خلق کرد و نیروهای انقلابی از سوی دیگر و امیدارد. در رابطه با تفادهای درونی هیئت حاکمه نیز، هر تفسیری بنفع لیبرالها در صورت ممکن، (حتی اگر بصورت تحمیل سیاست لیبرالها بر حزب در رابطه با کردستان، براساس تناسب قوای فعلی درون رژیم باشد)، حزب را بیشتر بسمت سازش تاریخی و خیانت به خلق کرد و نزدیکی به حکومت و قرار گرفتن در برابر جنبش خلق کرد سوق میدهد.

چنین چشم اندازی در روند آتی جنبش کردستان، با توجه به نقش و اهمیت که حزب بطور کلی و از همه جهات در کردستان دارد و نیز با توجه به ضعف شرایط ذهنی توده ها و سطح نازل آگاهی سیاسی - طبقاتی آنان نسبت به سطح شرایط عینی مبارزه، بیش از پیش حاسیست سیاستها و حرکات حزب دمکرات و غطرات ناشی از آن را در تضعیف جنبش خلق کرد و تقویت ارتجاع حاکم نشان میدهد، خطراتی که با یدمورد توجه عمیق و مسئولانه همه نیروهای انقلابی در کردستان و در سرا بر ایران قرار گیرد.

حزب دمکرات، بسما به یک نیروی بورژوا - فدا انقلابی، با اتکاء به نیروی توهم توده های خلق کرد و متکی بر دستگاه نظامی و اداری خویش در کردستان، هم اکنون به مهمترین خطر برای جنبش انقلابی خلق کرد تبدیل شده است، خطری که اگر چنانچه به موقع از جانب نیروهای انقلابی در کردستان، مورد توجه قرار نگیرد، میتواند ضریبات جبران ناپذیری بر جنبش انقلابی خلق کرد، وارد آورد و صفوف آنرا حداقل در یک مرحله دچار تلاشی نماید. تصویر آن لحظه که حزب دمکرات با رفتن بسیز پرچم سازش بسا حکومت، به زاندار رژیم در کردستان تبدیل شود و دستگاه اداری - جنگی اش را بر علیه خلق کرد و نیروهای انقلابی بکار اندازد، تصور خیالی و دور از ذهن نیست. روند تشدید حرکات فدا انقلابی اخیر حزب را تنها با ید در پرتو این خطر عمومی مورد توجه و تحلیل قرار داد، حمله حزب دمکرات به سازمان ما، حمله ای منفرد و

مختص سازمان ما نیست، بلکه حمله ایست به کل دستا وردهای جنبش خلق کرد و حلقه ایست از زنجیر حوادتی که همچنان ادا مدها رد و در آن حزب دمکرات، هر چه بیشتر به نیروی تخریب گنندیده جنبش انقلابی خلق کرد تبدیل میشود و بدست امروز حزب با سازمان ما، ضدیت فردا با کومه و ضدیت بسین فردا با کل جنبش انقلابی کردستان خواهد بود.

تردیدی نیست که حزب دمکرات، بسما به یک حزب سیاسی فدا انقلابی، نه تنها نباید به جنبش انقلابی کردستان جذب شود، بلکه با عکس با ید منفرد و طرد گردد. اذهان ساده لوحی که با گشتن بدنبال "عنصر ترقی خواهی" در حزب دمکرات، در پی جذب آن به جنبش هستند، نقش دنباله روی را با ید در کردستان و در سرا بر نقاط ایران، بسا افشای سیاستهای فدا انقلابی دم فروش، مفید نمود و توطئه های آتی و آتی اورا بر علیه جنبش کردستان، بنشانی نمود. با ید بسا بر آنداختن تبلیغات افشاگرانه وسیع، حزب را از زیر خالی نمود و توده های نا آگاه و مبارزی را که بگرد حزب جمع شده اند، از بسیرا موش پراکنده ساخت و بسمت نیروهای انقلابی و بحول خط مشی پیگیر پرولتری جذب نمود. هرگونه مماشات با حزب و سکوت در برابر حرکات و سیاستهای فدا انقلابی آن، جز به زیان جنبش خلق کرد و تشدید سیاستهای تخریبی حزب دمکرات نخواهد بود. شکی نیست که شکستن این سکوت، بمعنای رودررویی مستقیم نظامی با حزب دمکرات نبوده و نمیتواند هم باشد. دشمن اصلی خلق کرد، همچنان که با سر خلقها، همچنان رژیم ارتجاعی حاکم است که اکنون به سرکوب منظم جنبش خلق کرد مشغول است نقش اصلی حزب دمکرات در این میان، به سازش کثاندن جنبش خلق کرد با فدا انقلاب حاکم است. و درست از همین نقطه است که با ید به افشای حزب در نزد توده ها بر خاست و براساس آن، چشم انداز محتمل تبدیل حزب را به زاشده ای از دستگاه سرکوب فدا انقلاب حاکم در نزد خلق کرد تصویر نمود. و آگاهی سیاسی - طبقاتی آنان را فزونی بخشید. هرگونه عکس العمل انعکاسی در برابر عملیات جنا پتکارانه حزب از جانب نیروهای انقلابی، در شکل عمل متقابل، حرکتی است آنرا ریشمستی که تنها به تضعیف جنبش خلق کرد باری خواهد رساند. اما نیروهای انقلابی میتوانند و با ید در برابر هر حمله فدا انقلابی حزب بدفاع مشروع و انقلابی از خود، بر خیزند و این دفاع مشروع و انقلابی را با ید به سکوی برای افزایش آگاهی توده ها و خنثی کردن توطئه های فدا انقلابی "حزب" تبدیل نمایند. آنچه که اکنون برای نیروهای انقلابی کردستان مطرح است، به انفراد کثاندن حزب دمکرات در میان خلق کرد و ضربه زدن به پایگاه سیاسی آتی و محتمل بورژوازی حاکم ایران در کردستان، از طریق این حزب میباشد. بدون تردید، افشای سیاست





## «ملاحظات کوتاه»

### «سود ویژه» طاغوتی است!

این رژیم که سرسرا را مدعرجز «طاغوتی» را که بنفخش بودگفت خوب است و به این ترتیب ارتش، یک شبه اسلامی شد و واجب الاطاعت. ما لیا تنها خوب بود ما اند، اما ملک زمینداران هم محترم بود ما ندر ما به اداری وابسته عمنسوان کسب حلال را بخود گرفت و گران روز افزون هم کسی نتوانست دستی به ترکیبش بزند! بنها همه تطهیر شدند و اسلامی، اما سرکوب کارگران و خلقهای زحمتکش هم لازم شد. کمونیستها و انقلابیون هم که در زندان و شکنجه و تحت تعقیب و در معرض اعدام بودند! بندگان، بعنوان «سر - کوب کفار»، «واجب القتل» شمرده شدند. تمام این کارهای «طاغوتی» با پوشیدن سریع ردای مسلمانان از طاغوتی بودن در آمدند مگر این «سود ویژه»! آخر سود ویژه قسمتی از حق کارگران بود که آنها بزور زنج رژیم شاه بیرون کشیده بودند ولی چون بالاخره از حجب سرما به داران گرفته میشد و به کارگران میرسد و نتوانست خود را با منافع سرما به داران تطبیق دهد همچنان طاغوتی ما ندوچاره ای نبود جز اینکه حذف شود! تا نوبت سرما به داران بوده هیچ قابل توجه و تطهیر نبود ولی نوبت کارگران که رسید «سما ن تپید!»

★★★

### «خیمه شب بازی در اجدید!»

«لیبرال پوسیده» ها بالاخره بخود جراتی دادند و پنجمین ۲ اسفند جمعی از هم طبقه و هم فکرا نشان را گرد خود جمع کردند تا با شنیدن شعار مضحکی مثل «با زرگان جریمه پیرا بران» دلی از عذار آوردند. سحابی سرسرقبای حزبی منت گذاشت که «ما اهل ستیز نیستیم» (سر منکرش لعنت! شما کی اهل ستیز با آنها بودید؟) و با زرگان با ژست معمولی قهقهه خا خا - ایش به توحیه «افتخارات» نهصت آزادی برداخت و بخصوص جا پولوسا نه بر «ارادت به امام زمانیکه ایشان در نجف بودند» تکیه کرد و نگفت که از سال ۴۶ تا ۵۶ و بعد از آن چه سرسرا کارگران کارخانه برفومیا ورده و چگونه از خون بیدریغ سیستم سرما به داری وابسته و رونق طاغوتی آن متنعم بوده و «شکر خدای» را بجای میا ورده است. با زرگان به توحیه تماس با آمریکا شنیا هم برداخت و گفت که همان تماس ها منجر به رفتن شاه شد! زهی بشیرمی! بزدی و صباغبان هم کوشیدند با کرد و خاک کردن علیه حزب پرده ساتی بر عربیانی خود بیاندازند! غافل از اینکه توده ها چشم دارند! درحاشیه این خیمه شب بازی

که چگونه حزبی که مسئولین و افراد آن مغول وار مفرسا زمان ما را مسلحانه مورد حمله قرار میدهد، حزبی که مبارزین راه استقلال و دمکراسی واقعی را به گلوله میبندد و حتی سرازتن آنها جدا می - کند حزبی که دهها غیانت در قبال دیگر نیروها و توده های زحمتکش انجام داده است میتوانست مورد حمایت ما زمان ما هدین باشد. رهبری ما هدین نمی توانست سکوت کند.

همه نیروهای انقلابی و بویژه انقلابیون کمونیست با بدست خویشت را در برابر حرکتی که از جانب حزب در حال گسترش و اوچگیری است احساس نمایند و به مقابله اصولی با آن برخیزند این احساس و مبارزه اصولی، تنها مان محدود کردن ویا جلوگیری از زیانهای ناشی از سیاست - های ضد انقلابی حزب دمکرات برجانبش خلق کرد و در مقیاس وسیعتر، برجانبش انقلابی ایران است بکوشیم تا این رسالت را با هوشیاری انقلابی با سخگوباشیم. اما ما راه سرخ شهدای کردستان و شهدای اخیر ما در گرو انجام این رسالت است.

## تفتیش عقاید و توطئه برای پایمال کردن حقوق زنان

این مرتجعین در «کالا» بودن زن شک ندارند و فقط میپرسند: «به چه دلیل زن را کالا میدانند؟» این مرتجعین حیوان صفت تردید دارند که «آیا زن نقش یک انسان را بازی می - کند؟» رژیم که حافظ سرما به داری وابسته است و تحت لوای فریبکارانه «حمایت از مستضعفین» به دفاع از منافع سرما به مشغول است نمیتواند زن را کالا نداند. این «انسان» های مرتجع طبیعی است که بغا طرما هیت طبقاتی ایشان در «انسان» بودن زنان شک و تردید داشته باشند. آنها از مبارزه طبقاتی زحمتکشان که نیمی از با آن بدوش زنان مبارزها معاست هراس دارند. آنها با حرکت از دید بنفایت عقب مانده - شان که ارثیه فرهنگ امپریالیستی و فرهنگ فئودالی قرون وسطی است وجود زن را در «کالا» بودن، «آزادبهای جنسی»، «کانون زنا شویی»... خلاصه میکنند چرا که میدانند زنان زحمتکش و مبارزمیمن ما در جنبش اعتلاشی زحمتکشان ایران سهیم بوده و با شرکت فعال در کلیه حرکتیهای اجتماعی - سیاسی ضربات مهلک بر زندگی بسوسیده رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی وارد میآورند.

اما، تلاش سردمداران رژیم کوششی عبث است. این گونه تفتیش عقاید بقرون وسطا شکی بخش از سیاستهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد، هیچگونه کمکی به ارتجاع حاکم در برداشتن سد مبارزات توده ها از پیش پای خود نخواهد کرد و نتیجه ای جز افشای بیش از پیش رژیم جمهوری اسلامی نخواهد داشت.

انحرافی آن نیروهای بورژوا دمکراتی (مانند مجاهدین) را که اکنون دنیا له رولینبرالها شده - اند و در همین راستا به حمایت از حزب دمکرات برخاسته اند، گام مهمی در این جهت خواهد بود. ما زمان ما هدین خلق که اکنون چنین سیاستی را پیش گرفته است جز به ضربه زدن به جنبش انقلابی کردستان کاری انجام نمیدهد. حزب دمکرات که اکنون هر چه بیشتر به انفرادکشانده میشود میکوشد با جلب حمایت نیروهای متزلزلی چون مجاهدین، بهایگاه اجتماعی خویش را از گزند حوادث محفوظ دارد و این نیروها را به پلکانی برای حرکات آتی خود تبدیل کند. بهمین جهت مبارزه با سیاست مجاهدین خلق ویا نیروهای که کما بیش در چنین راستا شبح حرکت مشغولند، گامی است در جهت به انفرادکشاندن و افشای هر چه بیشتر حزب دمکرات در کردستان.

امروز ما هدین در قبال این جنایات سکوت کرده اند اما ما هدین باید به توده های هوادار خود و دیگر نیروهای انقلابی توضیح دهند

اخیرا یک سری سوالات در میان کارکنان زن شرکت معابرات پخش شد و از آن خواسته شده است با قید مشخصات کامل خود (!) به آنها جواب دهند. آنچه که در این باصلاح " نظرخواهی" مورد نظر رژیم جمهوری اسلامی میباشد چیزی جز تفتیش عقاید و شناسایی طرز فکر کارکنان نیست و این امر نمیتواند بی ارتباط با محدودیتهای شفلی برای زنان باشد. علاوه بر این سوالات طرح شده نشان دهنده بینش بنفایت ارتجاعی و عقب مانده سردمداران رژیم در برخورد به زنان که نیمی از جامعه را تشکیل میدهند می - باشد.

سردمداران «مکتبی» رژیم ارتجاعی حاکم از زنان کارمند پرسیده اند: «حجاب چه مفهومی دارد؟»، «تا چه حد آزادیهای جنسی را جایز میدانند؟»، «آیا زن نقش یک انسان را بازی میکند؟»، «آیا به تساوی حقوق زن و مرد اعتقاد دارید؟»، «فعلات زن در اجتماع به کانون زنا شویی مدمه میزند؟»، «به چه دلیل زن را کالا میدانید؟» و... و با طرح آنها قصد اصلی خود را از آنها چنین روشهای ارتجاعی که محدود کردن فعلات اجتماعی زنان است افشا کرده اند. رژیم با طرح چنین سوالاتی دنبال بهانه و به عیارت دیگر «مدرک کتبی» با خط و امضای کارکنان میگردد تا آنها را از کار برکنار کند. در پشت این سیاست، بینشی ارتجاعی نیست - خوا بیده است که با بدبای افشای آن چهره فریب - کارانه سردمداران رژیم را که در اشرافش رتوده - ها و زوری ناچاری ظاهرا از حقوق انسانی تساوی بین زن و مرد حرف میزند، بیش از پیش برای توده ها نمایانند.



## ”شیطان بزرگ“ سر لطف آمده است!!

ارسال اسلحه به ایران توسط امپریالیسم آمریکا  
از سر گرفته شد .

رژیم مزدور شاه، در آخرین سالهای حیات نتگیش تعدادی هواپیمای بسیار پیشرفته ”اف - ۳“ از آمریکا خریداری کرده بود که به علت تفسیر تحولات سیاسی - اجتماعی ایران و قیام توده - های خلق، یک فروند آن به توفیق افتاده بود. بدینال آزادی مفتوحانه گروگانها - امپریالیسم آمریکا با تحویل این هواپیمای موافقت کرده است و یک هیئت فنی ۱۷ نفری برای تحویل آن به اسپانیا میروند (اسپان هواپیمادریکی از ایگاههای آمریکا اسپانیا گداری میشود علاوه بر هواپیمای ”اف ۱۴“ فوق، دونوع از موثک های ”هوا به هوا“ (مخصوص هواپیماهای اف ۱۴) بناهای ”OH“ نیز - بناهای ”Aim 7F“، ”Aim 9H“ نیز - توسط امپریالیستهای آمریکا، تقدیم رژیم جمهوری اسلامی خواهد شد.

و رود هواپیما و سلاح های مجهز آمریکا طی به ایران سرکلیه ادعاهای بوج ”فدا مبریا - لیستی“ رژیم جمهوری اسلامی و رجخوانی های بی محتوای سردمداران رژیم علیه امپریالیسم آمریکا (که برای فریب توده های زحمتکش صورت میگردد) خط بطلان میکشد.

ارسال تسلیحات پیشرفته آمریکا طی به ایران یک بار دیگر درستی گفته ها و ارزیابی - های کمونیستهای پیگیر اثبات میکنند که بیان کردند: آزادی گروگانهای آمریکا طی، مقدمه ای برکسرش وابستگی برامپریالیسم آمریکا است!

## باز هم کودتاچیان آزاد و انقلابیون زندانی میشوند

به دو خبر زیر توجه کنید:

”۱۰ تن از هواداران سازمان پیکار، در آمل محکوم شدند“  
”۱۰ نفر از کودتاچیان آزاد شدند“  
میزان ۱۲ اسفند ۵۹

رژیم جمهوری اسلامی ده انقلابی کمونیست را بحرم شرکت در نظاهرات بزرگداشت قیام بهمین در شهر آمل به ۱/۵ الی ۲ سال زندان محکوم مینماید و همزمان ۱۰ کودتاچی دیگر را که در تابستان گذشته بنا بگفته خود رژیم در ”کودتای نا فرجام“ آمریکا طی ”دست داشتند“ آزاد مینماید. رژیم جمهوری اسلامی از یک سوانقلابیون و کمونیست ها را ”آمریکا طی“ مینماید و به زندان و شکنجه میکشد و تیرباران مینماید و از سوی دیگر گمانش را که در کودتای ”آمریکا طی“ شرکت

## لیبرالها...

بقیه از صفحه ۳۲  
دست زده و در اطلاع خود از حزب منحوس ”صحبت کرده و در برخورد به جما قدران با کتبی به بهشتی ها، میگوید: جما قدران ”فرستاده همان امثال پینوشه هستند“

بدین ترتیب میبینیم که چگونه فادهای دوجناح ارتجاعی بطرز صریح، آنکارا و عربیانی خود نمائی می کنند. این شیوه برخورد با این صراحت نشا نگیر آنستکه فادهای دوجناح همچنان به رشد خود ادامه خواهند داد؛ ما پرواضح است که این تضاد - ها بر اساس منافع مرتجعانه ای استوار است و بهیچوجه دارای ماهیتی مترقیانه نمی باشد. رویزونیستهای خروشچینی وطنی به تضاد و شعار - های حزبیها ماهیتی مترقی میبخشدند تا نوکری خود را توجیه کنند و ما هدین نیز عملاً با حمایت بی دریغ خود از لیبرالهای مرتجع و سازش با آنها، به حرکت لیبرالها ماهیتی مترقیانه میبخشدند، حال آنکه از نظر ما کمونیستها این تضادها ناظر بر تضادهای دویخ از ب - بورژوازی بوده و شعارها و موضعگیریهای فوق انعکاس این تضادهای ضد انقلابی میباشد. این شعارها ناظر بر خواست عمیق زحمتکشان جامعه ما نیست. این شعارها نه از زاویه انقلاب با کما از زاویه رقابت دویخ از هیات حاکمه ایران مطرح است. طبقه کارگر شعارهای مستقل خود را در شعارها طی که انعکاسی از تضاد کارگران و سایر توده های ستمدیده با کل رژیم و بورژوازی ایران میباشد

**دوم -** با تعرضی که لیبرالها و بطور مشخص بنی صدر علیه حزبیها نمود و با رسوا تر شدن حزب لیبرالهای خاش امتیازات بزرگی بدست آوردند. آنها توانستند از طریق تضعیف حریف موقعیت قدرت را در اذهان توده های کنده شده از حزب، ما همچنان متوهم به لیبرالها، تقویت نمایند. بنی صدر مکار چینی و نمود ساخت که او ”بزرگترین افشاگر حزب“ است و او است که ”مدافع واقعی آزادی“ است. اما آیا این حقیقت دارد؟ تمام نشریات نیروهای کمونیستی را ورق بزنید تا ببینید افشاگر واقعی و انقلابی کیست و چگونه جنایات و غیبا نتهای تمامی جناحهای رژیم از حزبیها تا لیبرالها و از خمینی تا بنی صدر و بهشتی را افشا کرده اند. بیشتر از هر کس این کمونیستها بودند که دستان غرقه در خون حزبیها و لیبرالها را به توده ها نشان دادند. این کمونیستها بودند که دستان سازش لیبرالها و حزبیها با امپریالیسم را افشا نمودند. لیبرالها فقط بعلت رشد فادهایشان با حزبیها و برای خریدن به راس قدرت و نیوز - منظور فریب توده های خلق این ”افشاگریهای“

داشندند آزاد مینماید.

ما کمونیست ها انتظار ردگیری از چنین رژیم نداریم. رژیم جمهوری اسلامی برای حفظ و گسترش روابط سرمایه داری وابسته به امپریالیستهای غارتگر و از جمله امپریالیسم آمریکا بنا زندان است و طبیعی است که گروگانهای

دم بریده را انجام میدهند. لیبرالها کجا قرار - دادهای امپریالیستی را افشا کرده اند؟ لیبرالها کجا تیرباران و شکنجه کارگران و کمونیست - ها را افشا کرده اند؟ لیبرالها کجا سرکوب جنبش خلقها را افشا کرده اند؟ نه لیبرالها هرگز نمی توانستند به این افشاگریها بپردازند. آنان بنا به ماهیت ضد انقلابی خود تنها نمی توانستند به افشاگری انقلابی دست بزنند، بلکه خود همیشه شریک مستقیم جنایات و غیبا نتهای رژیم حاکم بوده اند. لیبرالهای خاش در پی ایند تا با بنان قبلی ما هدین را بیشتر بخدمت گیرند و توده های خلق را بفریبند و حاکمیت مرتجعانه خود را تحکیم بخشند. لیبرالها میخواهند بر اساس قدرت بنشینند تا به شیوه خود سرمایه داری وابسته را بازسازی کنند و انقلاب را سرکوب کنند. آری لیبرالها ماهیتی عوض نکرده اند. لیبرالها همچون حزبیها دشمنان انقلاب، طبقه کارگر و تمامی خلقهای ایران میباشد. لیبرالها همچون حزبیها همان دوستان نیکوکار رژیم شاه جلا میباشد. لیبرالها همچون حزبیها متحدان با وفای امپریالیستها میباشد و کسانیکه این حقایق را بپوشا نند به انقلاب غیانت کرده اند. لیبرالها چنین وانمود میکنند که ”دوست مردم“ و ”طرفدار آزادی“ اند. اما ما بدیدیم که کسانیکه طرفدار سلطنت بودند، کسانیکه ارتش آریا مبری را بازسازی کردند، کسانیکه سرمایه داری را خونخوار حمایت کردند، کسانیکه فادهای انارت با امپریالیستی را حفاظت نمودند، کسانیکه در همه سرکوبها از کشتا زخلق کرد تا کشتا ز خلق شرکمن از تیرباران کمونیستها تا بخون کشیدن دانشگاها دست داشتند، آری آیا چنین کسانیکه دوست مردم و طرفدار آزادی اند؟ نه هرگز هزار بار نه! لیبرالها مانند حزبیها دشمن انقلابند، هستی آنان از خون کارگران و زحمتکشان سیراب شده است. لیبرالها آزادی میخواهند تا خود به چپا و ل بیشتری دست بزنند.

آری طبقه کارگر هرگز فریب لیبرالهای خاش را نخواهد خورد چرا که او خود مدافع پیگیرترین آزادی و دمکراسی میباشد. شعار طبقه کارگر اینست که آزادی لیبرالها، آزادی دروغین است و تنها دمکراسی پرولتاریا مان پیروزی انقلاب و خواستهای توده های میلیونی است. آری طبقه کارگر شعارهای مستقل خود را در شعار طبقه کارگر مرگ بر لیبرالها و مرگ بر حزبیها است، شعار طبقه کارگر مرگ بر بورژوازی است، شعار طبقه کارگر زنده باد انقلاب است، شعار طبقه کارگر زنده باد سوسیالیسم است!

آمریکایی را با سلام و صلوات روانه آمریکا کند از آمریکا تجهیزات و اسلحه بخرد و وارداتش را از کشورهای امپریالیستی چند برابر کند... و نیز کودتاچیان مزدور را راه ساخته و بجای آنان زندانها را از انقلابیون و کمونیست ها پر

بقیه در ۳۹



# < ملاحظات کوتاه >

توده ایها به خوشحالی برای خط امام و حزب جمهوری مشغول بودند که خود ما به تنفر بودیم و حضور خجولانه ما هدین هم ما به عبرت و تا مل!

## از بعضی ها یاد گرفته اند!

رژیم جمهوری اسلامی در تقاضای که با بعضی های عراق دارد (تضاد که بمعنی مترقیانه بودن این رژیم نیست) طی یکی دو سال گذشته فحشی نیست که به بعضی ها نداده باشد. اما میدانیم که وقتی پای منافع طبقاتی در میان باشد خلی از حرفها در عمل پیاده نمی شود. رژیم جمهوری اسلامی هم میتواند از بعضی ها چیزهایی را یاد بگیرد. آقای رجائی طی صحبتی که در شهر "ساری" کرده سپاه ساداران را "ارتش اعتقادی" نامیده است این همان اصطلاح بعضی ها است که با ارتقاء به سر نیزه ارتش در عراق و سوریه به قدرت رسیدند و رژیمهای ضد خلقی را که جرئت از سیستم جهانی امپریالیسم مینویسند و میبختند حزب بعث برای آنکه توده ها را نسبت به ما هیبت ارتش فربد دهد آنرا "ارتش اعتقادی" (الحیث العقائدی یعنی ارتش اعتقادی یا مکتبی)

نامید بعضی ها ارتش را خواستند تطهیر کنند و ما هیبت واقعی آنرا که "ابزار سرکوب طبقه ای است بدست طبقه دیگر" ببینانند. در این باره کتابها نوشتند و اراجیف زیادی یافتند. ما توده ها با گذشت زمان ما هیبت ضد انقلابی و سرکوبگر آن ارتش های به اصطلاح اعتقادی و مکتبی را دریا یافتند. رژیم جمهوری اسلامی و بویژه حزبی های اوری ارتش شه سا خسته بیشتر متما بل به لیبرالیست نمی توانند زیرا حساب کنند و لذا ارتش اعتقادیان را سپاه ساداران معرفی میکنند و به این امید که مردم باور کنند که "علی آبا دهم دهی است!" رجائی می خواهد روی جنایت های وحشیانه ساداران در کردستان و قتل عامهای قهلان و قارنا و غیره که منجمله بدست ساداران صورت گرفت را سرپوش بگذارد. رجائی میخواهد روی جنایات هر روزه این نهاد ضد انقلابی در سراسر کشور دیده سازد و نقش آنرا در جمله به میتینگها و نظاره ها ت کمونیستها و نیرو های انقلابی در سراسر انداختن چماق ازاران و چاقو کشان در ترور و روکشتر و ضرب و شتم کمونیستها و نیرو های انقلابی در سرکوب کارگران و ود هقانان و دیگر زخمیشان نادیده بگیرد رجائی میخواهد مردم با ساداران را جماع جملو حافظ سرمایه ندانند. ولی هما نظور که "ارتش مکتبی" حافظ اسد و صدام حسین وجود و حاکمیت آنها را برای مردم توجیه نکرده ارتش اعتقادی آقای رجائی و حزب جمهوری اسلامی هم یان را از جنگ توده های آگاه و انقلابی نجات نخواهد داد.

بقیه از صفحه ۲۸ با زهم ...  
نمایند. رژیم جمهوری اسلامی با محکوم کردن جوانان انقلابی و کمونیست به ۲ سال زندان فقط به "جرم" شرکت در یک نظاره ها، نهاییست و حش خود را از آگاه شدن توده ها بنمایش می گذارد. او میداند که در جریان فعالیت های انقلابی و کمونیستی است که بذرتاگای در میان توده ها پاشیده میشود و این آگای ها سرانجام ناقوس مرگ ارتجاع را به صدا درمی آورد.  
اما، نه زندان و شکنجه و نه تیرباران و کشتار کوچکترین خلی دراراده مبارزاتی و استوار کمونیست هانتوانند وجود و دفاع سرخ انقلاب همچنان روشن است و روز بروز تانیا کترخوا هشد.

## منتشر شد



روزنگار و  
مستقله روز نونیم  
سوسیال امپریالیسم

ایرانشهر: ۲۰۰	رفقای دانش آموز ۳۰۰	دزفول: ۵۱۳۰
ر - ع - ۲۰۰	الف - خ - ۲۰۰	الف ۵۱۳۰
ب - ۲۰۰	د - ع - ۲۰۰	ب ۱۵۰۰
ج - ع - ۲۰۰	ز - ع - ۲۰۰	م ۱۵۰۰
م - ص - د - ۲۰۰	ع - ع - ۲۰۰	ن ۲۰۰۰
ش - ۲۰۰	ز - ع - ۲۰۰	الف با دو کوپن بنزین ۶۸۱۰
خ - کوپن بنزین ۱۵۰۰	ع - ع - ۲۰۰	دانش آموز ۱۰۰۰
د - ع - ۲۰۰	ع - ع - ۲۰۰	اراک:
ما شهر: ۲۰۰	م - ص - ۲۰۰	۶۷۰۰
میم ف - ۲۰۰	ع - ع - ۲۰۰	۶۲۰۰
ارزوفای هوادر ۱۸۰۰	ع - ع - ۲۰۰	۲۵۰۰
گمینته مسلمین ۱۰۲۵۰	ع - ع - ۲۰۰	۱۰۰۰
خانواده آوار ۲۰۰	کارگران هوادر ۲۰۰۰	
ک برای پیکار کردستان ۵۰۰		
رفیق مادر آواره ۵۰۰		
سندخ و گامیاران:		
رفقای مادران بیشتر که ها:		
الف ۲۰۰		
ب ۵۰۰		
ر ۱۲۰۰		
د ۱۵۰۰		
س ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
هوادر بیشتر که ۲۰۰		
ارزوفای باقرآباد ۲۰۰		
پدر بیشتر که شهید ۵۰۰		
خانواده بیشتر که ۲۰۰		
بیشتر که ب ۲۰۰		
هوادر بیشتر که ۲۰۰		
همه م بلوغ ۱۰۰۰		
ت - دپینمه بیکار ۲۰۰		
رفیق پدر برای سه فرزند ۷۵		
کوپولو ۵۰۰		
رفیق هوادر کوپن ۲۱ لیتر ۵۰۰		
رفیق هوادر کوپن ۹۰ لیتر ۲۰۰		
آغا تارانی:		
الف ۱۱۲۰۰		
ب ۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
م - دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ع - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		
د ۲۰۰		
ه ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ک ۲۰۰		
ز ۲۰۰		
ح - ک ۲۰۰		
دانش آموز ۲۰۰		
ه - ب ۲۰۰		
ب ۱۱۲۰۰		



### جمهوری اسلامی دروغ و فساد

فساد و فحشا، یکی از نتایج طبیعی سلطه سرما به داری و امپریالیسم و ارتجاع است. کشورهای است و در کلیه جوامع طبقاتی که ستم و استتیا موجود دارد در کنارش فساد و فحشا و ... را نیز بسیار مبرماورد. رژیم جمهوری اسلامی طی دو سال حاکمیتش برای فریب توده ها، بیشترمانه - ترسین تهمت ها را در زمینه فساد اخلاق و روابط زن و مرد به کمونیست ها و دیگر انقلابیون وارد آورده است. سردمداران رژیم در کنارش در استان - سراسری ها و دروغهای گویلیزی از قبیل کشف فیلم و عکس منافی عفت و "قرص ضد حاملگی" و ... در خانه های کمونیست ها، خود را مجسمه عفت و عصمت، با یکی و تقوی جا زده و میزند. اما واقعیت چیز دیگری است در کشور ما فحشا و فساد موجود دارد و عده زیادی قربانی آن میشوند اما علت اصلی بروز چنین فجایعی وجود سرما به داری و وابسته و نفوذ امپریالیسم است و رژیم جمهوری اسلامی با تمام قوا از آن حفاظت میکند و سردمداران چنین رژیمی نمیتوانند در اندکان اخلاق و فرهنگ انقلابی با شدند و علی رغم تمام مداخلات ده های بوجشان کوس رسوا شدن به صدا در آمده است.

در پیکار ۹۶ ارتجاع و زیگ روحانی به یک دختر ۱۵ ساله جنگ زده در کنارش با صحبت کردیم و در پیکار ۹۱ رسوایی فحاش با روابط چهار پیکار با سدار "مکتبی" با خواهر "مکتبی" با سدارشان را در نوشهر آوردیم. دو خبر زیر گوشه های دیگری از "اخلاق" عوامل "مکتبی" رژیم را نشان میدهد:

اسالم (گیلان): چند ماه پیش در آذربایجان یکی از مزدوران ریاکار رژیم که از فعالین "انجمن اسلامی معلمین هشتم" و مدیر "دبیرستان وحدت" اسالم میباشد، رسوایی دیگری برای رژیم جمهوری اسلامی آفرید. این فرد که میرزائی نام دارد در آرای زن و فرزند نیز میباشد با استفاده از موقعیتش یک دختر دانش آموز را فریب داده و بخانه خود میبرد که در اطلاع همسایش و مراجعه با سداران، وی را در حین ارتکاب عمل خلاف عفت دستگیر و به "سپاه پاسداران" میبرد اما با دخالت "رئیس آموزش" صادق کیا (که خود به فساد اخلاق معروف است) و مرتضوی یکی از معلمین روحانی، جریان فبطه پیدا کرده وی را پس از تحویل به شهر بانی، آزاد مینمایند.

دانش آموزان به آزادی این مدیر فاسد "مکتبی" شدیداً اعتراض میکنند. رئیس مرتجع آموزش و پرورش با حرکت از فرهنگ ارتجاعی - امپریالیستی حاکم چنین "حادثه" ای را "طبیعی" و "ناچیز" قلمداد میکند.

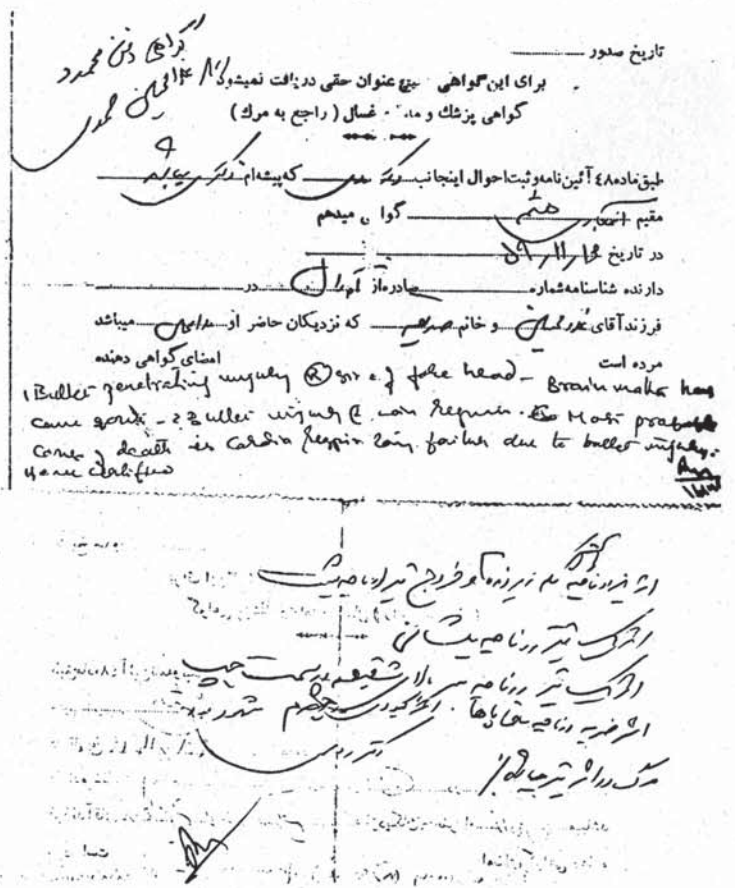
تهران در اوایل دهه ۶۰، مزدوری به نام "تاج فر" از کارکنان شرکت واحد توپوگرافی در حین عمل منافی با عفت با یکی از زنان کارمند در ساختمان اداره مرکزی شرکت غافلگیر میشوند. اما دست اندرکاران شرکت برای جلوگیری

### دژخیمان جمهوری اسلامی رفیق شهید محمود صمدی را قبل از تیرباران بسختی شکنجه کرده بودند

بسختی شکنجه شده بود "بزرگ قانونی" علیرغم فشارها و تهدیدات سپاه پاسداران گواهی کرده است که "اثر ضرب درنا حیدر با پاها، اشرار کیبوی در چشم مشهود بود". این سند، بسیار نمونه ای از شکنجه رایج در زندانهای جمهوری اسلامی است اما محمود و محمودها با پاسداری دلورانه در برابر ارتجاع زبونی زندان شکنجه دژخیمان جمهوری اسلامی را در برابر اراده شکستناپذیر کمونیست ها با ردیگر به اثبات میرسانند درود بر آنها باد!

کمونیست پیکارگر رفیق محمود صمدی فرزند زحمتکشان و شهید راه آزادی طبقه کارگر قبل از تیرباران در روز ۱۳ بهمن بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، ۲۷ روز در اسارت پاسداران سرما به بود.

رژیم جمهوری اسلامی از کمونیست ها که آشتی ناپذیرترین دشمنان طبقاتی ارتجاع میباشند و سخت دار و دو کینه طبقاتی خود را به وحشیانه ترین روشها به نمایش میگذازد. رفیق محمود در مدت اسارت در زندان جمهوری اسلامی



اردبیل، چندی پیش یک دختر عضو "بسج" در ارتداد شدن روابط نامشروع با "فاطمی" رئیس مرتجع بسج اردبیل حائله میشود، در اشرار بیگیری مادر دختر جریان آفتابی میشود در اشرار تعقیب پدر دختر کار به دادگاه میکشد اما به توصیه "حاکم شرع" فاطمی مرتجع که دارای زن و فرزند نیز هست، دختر بسجی را صیغه میکند. در اشرار نگریهای مردم مبارز اردبیل، فاطمی وقیحانه بیامی از دادگاه میفرستد و می - گوید که "این حق مسلم من است که حتی صد زن دیگر نیز بگیرم!"

گیری از رسوایی و بویژه بعثت عضویت هردو در انجمن اسلامی که مرکز مزدوران مرتجع و "مکتبی" میباشد، بر جریان سرپوش میگذازند. این سند و فاسد "مکتبی" با حفظ سمت به کار خود در شرکت واحد ادامه میدهند.

در اوایل دهه ۶۰، فردی به نام حسن محمدی سرپرست توقفگاه منطقه ۲ را بعثت ارتکاب به عمل کثیف و مشمشرکننده لواط اخراج مینمایند اما چندی بعد وی بعنوان سرپرست توقفگاه منطقه ۱ مشغول کار میشود و "ترقیع" هم میگیرد.



خاطره رفقای شهید اسفندماه گرامی باد!



رفیق عبدالمهذب آمینی

■ متولد ۱۲ فروردین ۱۳۲۷ در مشهد  
■ شرکت در مبارزات دانشجویی دانشگاه  
■ ارتباط با سازمان مجاهدین خلق و پیوستن به مبارزه مخفی از زمستان ۱۳۵۳  
■ از اولین رفقای که در جریان تحولات درونی سازمان، مارکسیسم-لنینیسم را پذیرفته و به بخش منشعب پیوست.  
■ شرکت در چندین عمل انقلابی از جمله هنگام ورود دکمیسینجره تهران و نیز اغجاز انجمن فرهنگی ایران و انگلیس در ۳۰ تیر ۵۴  
■ در روز ۴ مرداد ۵۴ در درگیری با سربازان پلیس مزدو شاه دستگیر شد. پس از ماهها مقاومت در بازداشتگاه دژ میمان ساواک در روز ۲۵ بهمن ۵۴ دست مزدوران امپریالیسم و ارنجاع سربازان شد.



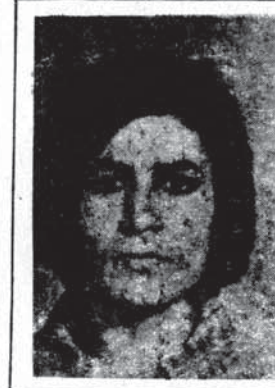
رفیق منیژه افختاری

■ متولد همدان و دانشجوی سابق دانشکده پزشکی  
■ شرکت فعال در مبارزه علیه رژیم شاه از طریق ارتباط با یک گروه مذهبی (هم-رزم با مجاهد شهید محمد مفیدی و رفیق علیزاسایی) از سال ۱۳۵۰  
■ پیوستن گروهی به سازمان مجاهدین خلق در سال ۵۱  
■ از اولین رفقای که در جریان تحولات درونی سازمان مارکسیسم-لنینیسم را میپذیرد  
■ شهادت در نیمه اسفند ۱۳۵۴ در اثر انفجار بمب در حین انجام یک مأموریت تشکلاتی جهت انفجار محل برگسزاری کتفرانس سرمایه گذاران آمریکائی در تهران



رفیق علی اکبر قائمی

■ دانشجوی دانشگاه صنعتی و فعال در جنبش دانشجویان انقلابی.  
■ ارتباط با سازمان مجاهدین خلق در اوائل دهه ۵۰  
■ پیوستن به مبارزه انقلابی مخفی در سال ۱۳۵۱  
■ پذیرش مارکسیسم-لنینیسم بعنوان ایدئولوژی رها شیخخشی، طبقه کارگر  
■ کارگزاری در کارخانجات از جمله جنرال موتورز، قرقوه، بیبا و غیره از سال ۵۳ تا ۵۵  
■ روز ۲۱ اسفند ۵۵، رفیق علی اکبر مورد شش گشتی های ساواک قرار گرفته و دیگ درگیری نابرابر در چهارراه سرشمه تهران، شهادت رسید.



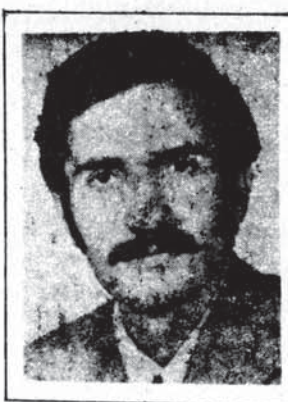
رفیق حوریه بازرگان

■ متولد ۱۳۲۳ در مشهد و فارغ التحصیل دانشگاه مشهد و آشنائی با سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۴۹  
■ ادامه فعالیت انقلابی در خارج از کشور ۱۳۵۳ - ۱۳۵۲  
■ پذیرش مارکسیسم-لنینیسم در سال ۱۳۵۴ و مبارزه همیشگی با خلق فلسطین و خدمت در هلال احمر فلسطین در جریان جنگ لبنان  
■ عزیمت به عمان و ادامه مبارزه انقلابی در کنار انقلابیون عمان (ظفار) و فعالیت در دفتر بخش منشعب س.م.خ.ا در عدن ۵۵ - ۱۳۵۴  
■ بازگشت مخفیانه به ایران در زمستان ۱۳۵۵، شهادت در ۱۸ اسفند ۱۳۵۵

بقعه از صفحه ۳۲ از رفیق...  
را دستگیر نموده ا موعصبی بشمارتمی آمدند.  
رفیق محسن سالیان دراز علیه رژیم بهلجسوی مبارزه کرده است، او در عملیات اعدام انقلابی ژنرال بیواس آمریکائی و در عملیات بمب گذاری در آستانه ورود نیکسون جنابکار به ایران شرکت داشته است، او با لها در کنار خلق فلسطین علیه اسرائیل هموست و فعالیتها ی لبنان جنگیده است و امروز رژیم حاکم پادشاه اینهمه مبارزه ضد امپریالیستی را با یقین و شکی نیست می دهد.

ما از تمام کارگران و چنگستان و نیروهای انقلابی و کمونیست میخواهیم تا صدای اعتراض خود را علیه دستگیری رفیق محسن فاضل بلندکوده و توطئه رژیم جمهوری اسلامی علیه این رفیق کمونیست را رسوا نمایند.  
با بودا د توطئه های نفرت انگیز رژیم جمهوری اسلامی!

■ عزیمت به آمریکا برای ادامه تحصیل در ۱۳۴۹ و ارتباط با "انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا"  
■ بریدن از "انجمن" و پیوستن به بخش منشعب خارج از کشور سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۵۰  
■ فعالیت انقلابی در پانجا های فلسطینی  
■ مسئول اجرای برنامه رادیویی "صدای انقلابیون ایران" از طرف سازمان مجاهدین در ۱۳۵۱  
■ اداره بخش فارسی صدای انقلاب عمان بعدت بکمال از اردیبهشت ۱۳۵۳ و همگام با آن انجام "مأموریت های تشکلاتی در منطقه"  
■ پذیرش مارکسیسم-لنینیسم.  
■ بازگشت به ایران در اوایل خرداد ۵۴ و فعالیت در بخش کارگری بخش منشعب تا بهار ۵۵  
■ قطع ارتباط تشکلاتی در جریان تعقیب پلیس و خروج از کشور برای ارتباط مجدد با بخش خارج از کشور سازمان  
■ بازگشت به ایران همراه رفیق حوریه بازرگان در زمستان ۵۵  
■ شهادت در ۱۸ اسفند ۱۳۵۵



رفیق مرتضی خاموشی

■ متولد ۱۳۳۰ در تهران

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



# لیبرالها مانند حزبها دشمن انقلابند!

# یادداشت‌های سیاسی هفته

## از رفیق محسن فاضل قاطعانه دفاع نمایم!



سش از یکماه است که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی رفیق محسن فاضل را دستگیر نموده و در سیاهال خود محبوس نگاه داشته است. بیش از یکماه است که جانان حکومتی این رفیق کمونیست را که سالها در سنگر مبارزه علیه رژیم منقورشاه و امپریالیسم و صهیونیسم رز میده به زندان انداخته، مورد آزار و شکنجه قرار داده و کشتیف ترسین آنها مات ضد انقلابی را علیه این رفیق و سا زمان ما منتشر ساخته است.

دروزرژیم جلاد شاه به کمونیستها "خرا بکار" میگفت و امروز نیز جمهوری اسلامی کمونیستها را "امریکائی" مینامد. دیروز رژیم پهلوی کمونیستها را شکنجه و تیرباران مینمود و امروز نیز حکومت تبهکار جمهوری اسلامی کمونیستها را شکنجه و تیرباران مینماید. آری رژیم جمهوری اسلامی ما سندرژیم شاه دشمن کمونیستها، طبقه کارگر و خلقهای ایران میباشد. رژیم حاکم خود را فریبکارانه مدافع "ستضعفان" مینامد ولی مکرر رژیمی که طرفدار سرمایه داران است، رژیمی که با امپریالیسم سازش کرده است، رژیمی که انقلابیون و کمونیستهای راستین را به زندان می اندازد و ترور میکند، آری مگر چنین رژیمی میتواند طرفدار زحمتکشان باشد؟ کمونیستها، مبارزین جان برکفی هستند که برای آزادی و استقلال و سوسیالیسم زره می کنند، آنها دشمن سرخست امپریالیستها و کلیه مرتجعین میباشد. آنها مدافعین واقعی و بیگسارگران و زحمتکشان هستند و درست به همین خاطر است که رژیم جمهوری اسلامی آنها را زندانی کرده و اعدام میکند. بنا بر این اگر امروز رژیم جمهوری اسلامی رفیق محسن فاضل قاطعه در صفحه ۳۱

های جناحهای ارتجاعی حکومت بود و دیگر آنکه این حرکت عامل سبب مومثری بود تا توده های کهنه شده از حزب، اما ما فداگامی انقلابی، سوسیالیستها توجه بیشتری نمایند:

**اول -** بنی، صدر کوشید تا آنجا که معنی است از نظر خود حزب را سی آبرو کند. او با افسوس عنا صرحا قدا رخصی و انشای ارتباط جماق - داران سا ارتگاشائی مانند سپاه پاسداران، نخست وزیر، حزب جمهوری اسلامی و... سعی کرد تا ضربه سختی به حریف وارد آورده و توده های متزلزل را حاکمی حزب را به سوی خود کشیده و توده های را که تا آگاماه نه به دنبال لیبرالها میباشد را علمیه حزب بیشتر سیخ نماید. عوام و وابسته به لیبرالها به همراهی محاهدین شعارهای فدحربی مانند "مسلمان بیخیز، حزب شده رستاخیز"، "تا مرگ شاه دوم (بهشتی)، بهشت ادا مه دارد"، "مرگ سر بهشتی"، "تا حزب کفن نشود، این وطن وطن نشود"، "روح منی بنی صدر، بت شکنی بنی صدر" به میان مردم کشیده و بدین طریق سعی می نمودند تا مردم را علیه حزبها تحریک نمایند. در پایان این سخنرانی درگیری سختی میان طرفداران لیبرالها و حزبها بوجود آمد و تعداد زیادی از حزبها به سختی مجروح گشتند. سخنرانی بنی - صدر و حوادث پیر و آن ضربه سختی به حزب وارد ساخت. در انعکاس به این واقعه حزبها متقابلا حمله کردند. خامنه ای در نماز جمعه شنبه ای در ورشکسته منزوی شده از چشم مردم افتاده، راننده شکان از دستگاه آدا ره کشور... حمله کرد. او به لیبرالها تعرض کرد اما سعی نکرد آنکار به شخص بنی صدر حمله کند. بعد از نماز تظا هرات حزبها راه افتاد. طرفداران حزب فریاد میزدند: "مرگ بر بنی صدر"، "مرگ بر لیبرال"، "سپهسالار پینوشه، ایران شیلی نمیشه" و غیره، نخست وزیر و شاه ای در در نظرات بنی صدر منستی بوجود نیروی ویژه نخست وزیر ما در کرد و به بنی صدر نسبت به "عواقب" رسم و شیوه اش هتدار داد. و با لآخره حزب نیز به بنی صدر با وضوح تمام حمله کرد و ردا و را آگامه هشاه می خواند، او را ناقض قانون اساسی خطاب کرد و او را مسئول اعمال نتگین، "گارد راست جمهوری" خواند. در مقابل این حملات بنی صدر به تعرض مجدد

یکی از مهمترین وقایع هفته گذشته سخن - رانی بنی صدر در دانشگاه و حوادثی بود که به دنبال آن رخ داد. این واقعه در آدا مه تعرض گسترده لیبرالها در دوره اخیر میباشد. لیبرالها به انکا حمایت ارتش و شهرپاشی، پشتیبانی نیروی سایگیری چون مجاهدین، سواستفاده از نارضایتی های گسترده و سبب شده های مردم و عوام فریسی های آزادخواهان خود می - کوشید تا توده ها را هر چه وسیعتر دنبال خود کشیده و حزب را منزوی ساخته و شرایط سقوط آن از راس قدرت سیاسی را بوجود آورند. در حالیکه مجموعه رژیم حاکم و کل طبقه سوز و آزی اسران مسئول فقر و فلاکت توده ها میباشد لیبرالها و مخصوص بنی صدر مکارم کوشیدند تا با انگشت گداشن بر روی برخی از اقدامات ارتجاعی و عربان حزبها سمت سازد توده ها را از مدار ره علیه کل سیستم حاکم منحرف ساخته و مو - عظیم نارضایتی ها و اعتراضات را متوجه حزب نمایند لیبرالها توده ها را میخواهند توده ها بگویند که همه بدبختی ها ناشی از حزب است، آنها می - گویند ما همیشه طرفدار آزادی بوده ایم اما حزبها "انما را طلب و میستند" هستند. لیبرالها با این مضامین به حزبها هجوم برده و آنها را به موضع ضعف انداخته اند و در پی آنند تا همچنان به تعرض خود ادامه دهند تعرض اخیر لیبرالها بدست آوردن هژمونی در قدرت سیاسی را تعقیب میکنند و در این شرایط متاسفانه یک سری عوام و مل بنفغ آنها عمل میکنند. فقدان قطب نیرومند کمونیستی، سازش مجاهدین با لیبرالها و فقدان آگامه انقلابی در میان توده های وسیع و نارضایتی از حمله عوام ملی میباشد که به کمک لیبرالهای ضد انقلابی شتاب یافته اند. در بیشتر چنین شرایطی لیبرالها با بهره گیری از اقدامات عربان و مرتجعانه حزبها به توده ها میخواستند بگویند که آنها "فرشته نجات" میباشد!

بنی صدر در دانشگاه بنماش حساب شده ای دست زد آنچه که بنی صدر در دانشگاه انجام داد چیز ناره ای نبود چرا که کمونیستها با رها و بارها جنا سات رژیم و از جمله حزبها را افشا کرده و بارها و بارها اشاعت کرده اند که دسته های او با ش و جافویدستان و آگشته به رژیم حاکم و به خصوص حزب جمهوری اسلامی میباشد. اما آنچه که بنی صدر گفت: زد و جنبه قابل توجه بود، یکی آنکه این اقدام با یک مقلع جدیدی ارتضاد -

# علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!